

سُفَت

אָפֿק
בִּינָה



Soufer

❁ شاوועות، عيد گل ها

❁ فارسيهود از نگاه پير نظر

❁ به پنجاه آمد اين دفتر

❁ ازدواج از منظر دين يهود و روانشناسي ❁ خيابان سي تير و گذرگاه اديان



ذکر این بنیانخواهد رفت از دهان برون
خاصه چون شاعر در آن شعر هم اشاء کرد
استاد درجم

انگار چمن شد یادگار چمن
یادگارین را باید چینی یاد کرد



فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال بیست و یکم - شماره ۵۰

بهار ۱۳۹۸ شمسی

سیوان 5779 عبری

ژوئن 2019 میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران

مدیر مسئول: دکتر همایون سامه‌یح

سر‌دبیر: فرانک عراقی

مدیر اجرایی: نسترن جاذب

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

آرش آبائی - آتوسا آرمین - شرگان انورزاده - آیدین برخوردار
نیوشا پایاب - نسترن جاذب - رحمن دلرحیم - لیورا سعید
المیرا سعید - امید شایان‌مهر - مردخای امین شموئلیان
فرزاد طویبان - فرانک عراقی - امید محبتی مقدم
مهران ملک - دوریتا معلمی - بهادر میکائیل - الهام مؤدب
امیرفراز نعیموت - مرجان یشایایی و مژده یمینیان .

ویراستاران: آرش آبائی - فرانک عراقی

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: نسترن جاذب

طراحی جلد: مردخای امین شموئلیان

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - ۶۶۷۱۶۴۲۹ - نمابر

نشانی الکترونیکی: bina126@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی: www.iranjewish.com

◆ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است .

◆ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است .

عکس روی جلد: نقاشی شاووعوت - دو لوح تورات اثر استاد یعقوب صوفرزاده

افق بیبا - אפ"ק בינה - در عبری به معنای چشم‌انداز آگاهی و بصیرت است

● سخن سردبیر: به پنجاه آمد این دفتر / فرانک عراقی / ۲

● سرمقاله: انجمنی جدید و تلاشی دوباره / دکتر همایون سامه‌یح / ۳

✳ مذهبی

● شاووعوت، عید گل‌ها / رحمن دلرحیم / ۴

● چرایی ماندگاری و بقای یهود / مهندس مردخای امین شموئلیان / ۶

✳ گزارش و مصاحبه

● از مصاپزی سنتی دیروز تا ماشینی امروز / الهام مؤدب / ۸

● شعرخوانی هنر است / فرانک عراقی / ۱۳

● کنفرانس بین‌المللی تربیت دینی در ادیان ابراهیمی / مهندس آرش آبائی / ۱۵

● خیابان سی تیر و گذرگاه ادیان / الهام مؤدب / ۱۶

● نقره‌تیان، طلا گرفت / فرانک عراقی / ۱۸

✳ فرهنگی، اجتماعی، روانشناسی

● پنجاه سالگی و پنجاهمین شماره / دوریتا معلمی / ۱۹

● میانسالی، دوران بالندگی و کمال / لیورا سعید / ۲۱

● ازدواج از منظر دین یهود و روانشناسی / مهندس آیدین برخوردار / ۲۳

● قدیمی‌ترین کنیساهاى قاره آفریقا / ۲۶

● اوضاع یهودیان اراک / نسترن جاذب / ۲۹

● گذری بر تاریخچه کنیساهاى تهران، روحی شاد(بخش پایانی) / مهندس مهران ملک / ۳۳

● آشنایی با مشاهیر یهود جهان: ریتا لوی مونتالچینی / نیوشا پایاب / ۳۵

● پوگروم، غننامه‌ای بر جنایاتی از یاد رفته (بخش پایانی) / آتوسا آرمین / ۳۷

● جربه، جزیره‌ی صلح / دانیل لی / ۴۰

✳ ادب و هنر

● به پنجاه رسید این شماره «شعر» / رحمن دلرحیم / ۴۴

● بهار را تو بیاور / المیرا سعید / ۴۵

● زندگی / سحر بروخیم / ۴۶

● بهار / شرگان انورزاده / ۴۷

● فارسیهود از نگاه پیرنظر / مهندس آرش آبائی / ۴۸

● عید شاووعوت و شعر فارسیهود / مهندس آرش آبائی / ۵۰

● خالکوب آشویتس / فرانک عراقی / ۵۱

● گزارش یک دوران / مهندس آرش آبائی / ۵۲

✳ طنز

● صد رحمت به بیمارستان‌های ایران خودمون / رحمن دلرحیم / ۵۳

● تیندرلا / شیپورچی / ۵۵

✳ تغذیه

● شاووعوت و لبنیات / مژده یمینیان / ۵۷

✳ حقوقی

● امور حقوقی ایرانیان خارج از کشور / امیرفراز نعیموت / ۶۰

✳ گزارشات و اخبار

● اخبار / مهندس امید محبتی مقدم / ۶۲



کسخن سردبیر

به پنجاه آمد این دفتر حکایت همچنان باقی است

فرانک عراقی

کارشناس ارشد (روزنامه نگاری)

سرانجام نشریه افق بینا به شماره‌ی پنجاهم رسید.

برای رسیدن به این قله راه درازی طی شده است. زمانی بیشتر از بیست سال. جوانانی که دلشان برای کار فرهنگی می‌تپید و آغازگر این راه بودند، اکنون به میانسالی رسیده‌اند اما همچنان عده‌ای از آنها با شور و شوق قلم می‌زنند. دوستانی که در کار نشریه، روزنامه و مجله هستند، خود می‌دانند که در موقعیت کنونی این کار چندان راحت نیست و چه بسیار نشریاتی که به علت‌های مختلف از ادامه راه باز ایستادند. حال سوال این است که نشریه‌ی افق بینا تا چه حد موفق عمل کرده و چه بازتابی داشته است؟ به نظر من این زمان است که مشخص خواهد کرد. همراهان و حامیان بینا همواره سعی داشته‌اند هر شماره از شماره‌ی پیش پربارتر بوده و در میان نشریات ریز و درشتی که چاپ می‌شود حرفی برای گفتن داشته باشد.

این واقعیت که جامعه‌ی ما اقلیت است موجب محدودیت مطالب نشریه نیست چرا که جامعه‌ی کلیمیان ایران به لحاظ غنای فرهنگی که ریشه در یهودی بودن و ایرانی بودن ما دارد حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. خوشبختانه نشریه علاوه بر مخاطبان هم‌کیش داخلی و خارجی، مخاطبان فرهیخته و علاقمندی از غیر هم‌کیشان نیز دارد که پی‌گیر چاپ نشریه هستند و این باعث خشنودی است.

انتخابات دوره‌ی جدید انجمن کلیمیان تهران در سال ۹۷ برگزار شد و اعضای هیئت مدیره‌ی جدید به‌زودی کار گروهی خود را آغاز خواهند کرد. امیدواریم با حمایت اعضای جدید، نشریه با توان بیشتر به حیات خود ادامه دهد. با توجه به مشکلات موجود، ادامه دادن این راه کمی دشوار به نظر می‌رسد اما همه‌ی ما درصدد هستیم این کار فرهنگی را ادامه داده و بتوانیم سهمی هر چند کوچک در رسانه‌های جمعی داشته باشیم.

جامعه کلیمی ایران از دیر باز به فرهنگ و اعتلای فرهنگی این مرز و بوم علاقه داشته و کم نبودند فرهیختگان کلیمی مانند سلیمان حییم و مرتضی معلم که نام نیک و جاودان از خود به یادگار گذاشتند.

به طور قطع و یقین بعد از پنجاه شماره، نشریه به مراتب دارای مسوولیت بیشتری خواهد بود و در انتخاب مطالب و انعکاس آن به دقت نظر بالاتری احتیاج دارد تا بتواند نظر مساعد شما مخاطبان عزیز را همواره جلب نماید. ■



انجمنی جدید و تلاشی دوباره

دکتر همایون سامه‌یح

رئیس انجمن کلیمیان تهران

چندی پیش پروانه‌ی فعالیت انجمن کلیمیان تهران صادر شد و احتمالاً اعضای هیئت مدیره جدید تا زمانی که این نشریه به دست همکیشان عزیز برسد شروع به کار نموده‌اند. آن چه لازم به ذکر است، تشکر و قدردانی از جامعه‌ی کلیمی تهران است که با ابراز اطمینان به همکارانم و شرکت فعال در انتخابات از خدمتگزاران خود پشتیبانی شایانی نمودند. با توجه به شناختی که از اعضای محترم هیئت مدیره و بازرسین این دوره از انجمن دارم به جرأت می‌توانم گفت که کارایی این افراد بسیار خوب و همگی دارای سابقه فعالیت اجتماعی هستند که در بالا بردن سطح فعالیت‌های انجمن تأثیر به‌سزایی خواهد داشت.

اعضای هیئت مدیره دارای هدفی مشترک بوده و بر این باورند که از تنش، خصوصاً از درگیری‌های داخلی اجتناب کنند و به جای صرف انرژی جهت حل این تشنجات از وقت و انرژی خود جهت حل مشکلات جامعه بهره ببرند.

امیدوارم که توانایی و پیشرفت این دوره از انجمن نسبت به انجمن گذشته بهتر باشد و همچنین هماهنگی انجمن با نماینده جامعه کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و اعضای بت‌دین بیش از پیش امکان‌پذیر باشد.

ارتباط بسیار خوب انجمن کلیمیان تهران با دولت خدمتگزار و سایر ارگان‌های مملکتی از جمله نیروی انتظامی و قوه قضاییه مطمئناً طبق روال گذشته ادامه خواهد داشت. با امید به این که در چهار سال آینده همکاری با دکتر سیامک مره‌صدق به عنوان نماینده مجلس با این انجمن ادامه پیدا کند و نیز با تشکر از بزرگان جامعه از جمله جناب حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار «رهبر دینی کلیمیان ایران»، آقای دکتر مره‌صدق و آقای هارون یشایایی که بنده را برای شرکت در این انتخابات ترغیب نمودند، امیدوارم که اعضای هیئت‌مدیره در انجام وظایف خود در خدمت به جامعه بزرگوار یهودیان ایران موفق باشند.

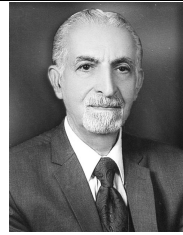
اسامی هیئت مدیره و بازرسین جدید انجمن کلیمیان تهران طبق پروانه فعالیت

آقایان:

دکتر همایون سامه‌یح، شهاب شهمی‌فر، مهندس امید محبتی‌مقدم، موسی ثانی، ایلن میشاعلیان، بهداد میکائیل، هرصل گلشیرازیان، یهودا آصاف، دکتر سلیمان کهن‌صدق، مهندس دانیل مرادی، کیارش دقیقی‌نیک و نغمه کدخدا.

بازرسین:

فرید یاشار، فریدون طوبی و سهیل نیسانی.



دکتر امین دلرمیه

پژوهشگر و مدرس زبان و تعلیمات دین یهود

شاووعوت، عید گل‌ها



سپیده‌دم روز ششم ماه سیوان سال ۲۴۴۸ عبری ناگهان رعد و برق مهیبی فضا را به لرزه درآورد و صدای شوفار (شبیور) که هر لحظه بلندتر و رساتر می‌شد در میان صخره‌های عظیم کوه طنین باشکوهی انداخته بود. همه افراد بنی‌اسرائیل بر خود می‌لرزیدند. آن‌گاه دیگر بار سکوت و آرامش بر همه جا مستولی گردید دیگر صدایی شنیده نمی‌شد.

پرنده‌گان از ترنم باز ایستادند و حتی فرشتگان آسمان از دعا و نیایش ملکوتی خود باز ایستادند. همه کس و همه چیز در سکوت مطلق به سر می‌برد.

... ناگهان سخنان آسمانی با قدرت شگرف از کران تا کران جهان به گوش رسید:

۱. من هستم خداوند خالقت که تو را از سرزمین مصر و از خانه بردگی بیرون آوردم
۲. تو را معبودان دیگر غیر از من نباشد
۳. نام خداوند خالق خود را به باطل مبر (قسم بیهوده مخور)
۴. روز شبات (شنبه) را یاد کن و آن را مقدس بدار
۵. پدر و مادر خود را احترام نما
۶. قتل نکن
۷. زنا نکن
۸. دزدی نکن
۹. شهادت دروغ نده
۱۰. به زن و فرزند و دارائی هم‌نوعت حسد مبر

شاووعوت نمایان‌گر تولد مذهب بنی اسرائیل است. همچنان که عید پسخ مظهر تولد مجدد ملت بنی اسرائیل می‌باشد. از این نظر عید شاووعوت شایان اهمیت بسیار است. در این روز مقدس فصول ۱۹ و ۲۰ از سفر خروج تورات قرائت می‌شود که شامل ده فرمان و رویدادهایی است که پیش درآمد نجات و رهایی یهودیان از بردگی مصر بود. به هنگام خواندن این رویدادها هیچ فرد یهودی نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند و الحق این رویدادی است که هر فردی از بنی اسرائیل می‌تواند چنین پندارد که در آن شرکت داشته و اوامر الهی را از جانب جبروت شنیده است. بدین منوال گذشته دوباره به پا خاسته و در نظر ما جان می‌گیرد و ما در آن زندگی می‌کنیم. چنین می‌نماید که ما گفته تلمود را به جان احساس می‌کنیم که می‌گوید: به هنگام اعطای تورات بر فراز کوه سینا همه ارواح افراد بنی اسرائیل حتی ارواح آنها که هنوز به دنیا نیامده بودند گردهم آمدند. شاووعوت یکی از کوتاه‌ترین اعیاد یهود است که دو روز بیشتر به طول نمی‌انجامد ولی از لحاظ پیام اخلاقی و جهانی بسیار پراهمیت است.

دانشمندانی که تلمود را تدوین کرده‌اند معنی و مفهوم عید شاووعوت را وسعت بخشیده آن را روز یادبود اعطای تورات در کوه سینا قرار داده‌اند، به این ترتیب عید

شاووعوت با اسامی زیر خوانده می‌شود:

۱. عید شاووعوت (عید هفته‌ها): در سفر تثبیه فصل ۱۶ آمده: «هفت هفته برای خود بشمار. در ابتدای نهادن داس در محصول خود شمردن هفت هفته را شروع کن و عید هفته‌ها را به درگاه خدای خالقت نگهدار.»

۲. حگ هقاصیر (عید درو): این نام رابطه این عید با فعالیت‌های کشاورزی را برای ما روشن می‌کند که آوردن نوبر میوه‌ها و گندم به نام «بیکوریم» به خانه مقدس در اورشلیم به عنوان سپاس و تشکر از الطاف و برکات خداوند برگزار می‌شد، چنان که در سفر خروج فصل ۲۳ آمده: «و این عید درو، نوبرانه محصولات را که در کشتزار کاشته‌ای، اولین نوبرانه زمینت را به خانه خداوند خالقت تقدیم کن»

۳. یوم هبیکوریم (عید اهدا نوبر میوه‌جات): عید شاووعوت آغاز فصل اهدا اولین نوبر میوه‌جات را زمانی که معبد مقدس آباد بود اعلام می‌داشت. در میشنا (مجموعه قوانین تورات شفاهی) آمده است: وقتی صاحب یک باغ میوه یا تاکستان، اولین انجیر یا اولین خوشه انگور و یا نخستین انار را قبل از دیگر میوه‌های همانند خود جوانه زده بود مشاهده می‌کرد، بلافاصله با پیچیدن رشته‌ای از الیاف گیاهی به دور این میوه نوبر آن را علامت‌گذاری می‌کرد و می‌گفت «این میوه نوبر است». زائرین با مراسم خاصی میوه‌های نوبر خود را تقدیم می‌کردند. در سفر اعداد آمده «در روز تقدیم نوبرانه موقعی که شما هدیه آردی تازه به حضور خداوند تقدیم می‌دارید در زمان شاووعوت شما اجتماع مقدس باشد».

۴. זמן מַתן תּוֹרָתוֹ (زمان اعطا تورات): در روز ششم ماه عبری سیوان سال ۲۴۴۸ خداوند تورات مقدس را بر کوه سینای اعطا فرمود. این موضوع نشان گر دو واقعه می‌باشد: اول یک حقیقت تاریخی که در یک زمان معین به وقوع پیوست دوم پیام مذهبی، جاودانی و جهانی.

۵. عَصֵרֵת (اجتماع باشکوه): در تلمود عید شاووعوت اکثراً به نام عصرت به معنی اجتماع یا «اختتام عید» نامیده شده است همانطوری که «شمینی عَصֵרֵת» خاتمه عید سوکوت را اعلام می‌کند شاووعوت نیز در حقیقت دنباله و خاتمه عید پسح به شمار می‌آید. علاوه بر این در میشنای روش هشانا فصل اول آمده: «در عصرت سرنوشت میوه‌های درختی تعیین می‌شود».

یکی از رسوم دیرینه ایسرائل این است که در عید شاووعوت کنیساها را با گُل و سبزی تزئین می‌کنند. این رسم زیبا نمایان‌گر مفهوم دوگانه عید است: گل‌ها و میوه‌های نوبر نشانه‌ی زیبایی است که خداوند به جهان ارزانی داشته است و همچنین تقدس عید را هم یادآوری می‌کنند زیرا آنها نشانه آسایش و زیبایی هستند که تورات به زندگی ما می‌بخشد.

در روز دوم شاووعوت کتاب «روت» را در کنیساها قرائت می‌کنند و این امر علل مختلفی دارد:

۱. شاووعوت روز رحلت حضرت داوود (ع) می‌باشد و کتاب روت درباره دودمان او شرح داده است.

۲. شرحی که درباره رسوم کشاورزی در کتاب روت داده شده با عید شاووعوت یا عید درو مناسبت دارد.

۳. وفاداری روت به دین یهود و آئین الهی شباهت دارد. با شاووعوت که در این عید کلیه یهودیان نیز تورات را با دستورات آن پذیرفته و وفاداری خود را نسبت به آن اعلام می‌دارند.

بشر در صورتی به یک آزادی واقعی و زندگی شرافتمندانه نائل خواهد شد و در شرابیطی لیاقت و شایستگی آن آزادی را خواهد داشت که با کلیه فرمان‌ها و دستورات الهی که در تورات مقدس نیز تاکید گردیده است با دیده احترام بنگرد. یکی از زیباترین نگرش‌ها به کلام الهی، آن گونه است که نیاکان ما در مقابل کوه سینا اعلام داشتند و ما نیز تکرار می‌کنیم: «نְעִסֶה וְנִשְׁמָע» یعنی اوامر خدا را اجرا می‌کنیم و بعد به مفهوم آن واقف می‌شویم. ■

چرایی ماندگاری و بقای یهود

مهندس مردفای امین شموئلیان

۳- تأکید بر آموزش و پرورش

در مذهب یهود آموزش علوم دینی و یا حتی علمی جزو بزرگترین احکام به شمار می‌رود و از دیرباز خانواده‌های یهودی در فرستادن فرزندان‌شان به جهت تحصیل جدیت بسیاری اعمال می‌کردند. همچنین در جامعه مدرن امروزی براساس تحقیقات جمعیت‌شناسی جهانی پژوهش Pew در سال ۲۰۱۶ یهودیان تحصیلات عالی بیشتر نسبت به هر گروه مذهبی دیگری در سرتاسر جهان دارند. (در حالی که به طور متوسط هر فرد در جهان ۷٫۷ سال تحصیل می‌کند این عدد برای یهودیان ۱۳٫۴ می‌باشد) به نظر می‌رسد این سرمایه فرهنگی نقش به‌سزایی در بقای جامعه در طول تاریخ ایفا کرده باشد.

۴- احکام و هلاخاها

شاید هلاخاها و احکام مختلف یهودی باعث تداوم این قوم شده است. به‌طور کلی دین یهود، یک دین مبتنی بر احکام است. یعنی در این دین ایمان عملی مقدم بر ایمان نظری است و دستورات و قوانین زندگی در این دین از جزئیات و ریزه‌کاری‌های بسیاری برخوردار است. یهودیان در نحوه‌ی اجرای تورات شفاهی تعصب و جدیت بسیار دارند. تا مخصوصاً با «زندگی» کردن براساس این احکام آن‌را به فرزندان خود به‌صورت عملی و عینی منتقل کنند. در واقع معنی توراى شفاهی (آموزش به سبک زندگی Lifestyle است) یعنی اینان «زندگی» را تبدیل به کلاس درس برای فرزندان‌شان می‌کنند. در واقع باید اشاره کرد که تعصب یهود به «نژاد» یهود نیست بلکه بیشتر به رعایت Lifestyle یا «سبک زندگی» این دین می‌باشد که باید از طریق پدر و مادر در «حین زندگی» به فرزندان خود از کودکی آموزش داده شود. شاید این روش آموزش دلیل بقای این دین باشد. خداوند همچنین فرموده: نیکی و عمل صالح

بسیاری از اقوام باستانی مدت‌ها پیش منقرض شده‌اند و به‌نظر می‌رسد که این «مدت طولانی» را که یهودیت توانسته نام و فرهنگ خود را حفظ کند درخور توجه و تحقیق بسیار است.

چه عواملی باعث شده تا این قوم بتواند این مدت طولانی را دوام بیاورد؟

پس از «لطف و عنایت خداوند»، که در جاهای مختلفی از تورات و سایر کتب مقدس به آن اشاره شده، عوامل مختلف دیگری را می‌توان نام برد.

۱- عدم ازدواج با اقوام دیگر

هنوز نیز مهم‌ترین خط قرمز یهودیان ازدواج نکردن با سایر اقوام و حفظ یهودیت است. و نیز اصول «خویش‌تن-داری جنسی»، «حریم خانواده» و «تحریم تنوع طلبی» با درصد نسبتاً بالایی در بین زنان و مردان‌شان رعایت می‌شود. شاید در طول تاریخ این ویژگی از حل شدن کامل جامعه یهود در جوامع بزرگ‌تر جلوگیری کرده باشد.

۲- مجاهدان راه توحید

چه بسیار بزرگانی که همچون حضرت ابراهیم راه جدی آموزش و تعلیم اصل «توحید» پیمودند و در این راه حتی تا سرحد مرگ نیز رفتند و از جان مایه گذاشتند. مانند حضرت الیاس نبی (الياهو هناوى) که در مقابل بت‌پرستان سال‌ها ایستادگی نمود یا دانیال نبی که به‌خاطر یگانه‌پرستی به چاه شیران افکنده شده یا حَنَنِيَا، ميشاعيل و عَزْرِيَا که به‌خاطر عدم تعظیم به بت داخل شعله‌های آتش انداخته شدند و زنده بیرون آمدند یا ربی عقیوا که در راه یگانه‌پرستی توسط رومی‌ها شهید شد. یا حنا و هفت پسرانش که حاضر نشدند به بت‌های رومیان تعظیم کنند و همگی در این راه شهید شدند و بسیاری دیگر شهیدان و جانبازانی که داستان زندگی‌شان سرمشق سایر پیروان دین یهود شد.

۶- باور به ماشیح (منجی)

باور به ظهور منجی (و آبادی معبد بیت المقدس به دنبال آن) از اصول دین یهود بشمار می‌رود و در بسیاری از نمازهای روزانه واجب و دعاهای مستحب یهودیان ردپای باور به منجی به چشم می‌خورد. این باور که بالاخره روزی فرا خواهد رسید که صلح و عدالت که سراسر دنیا را فرا می‌گیرد و وعده پیروزی نیکوکاران و صالحین بر گنهکاران در روزی که ماشیح ظهور کند تحقق می‌یابد.

ماشیح نقد یا نسیه؟

اما عده‌ای از «کمتر مذهبیون» این ایراد را وارد می‌کنند که «مفهوم ماشیح» نسیه است و به آن اعتقاد راسخی ندارند ولی به نظر بنده، ماشیح نقد است و نه نسیه، وجود دارد و سال‌ها زحمت کشیده شده تا آن را باور داشته باشند و سال‌ها صبر کرده‌اند تا همین باور نیز خود میوه یا میوه‌های ثانویه دیگر بدهد. (میوه‌هایش را نیز داده است).

«مفهوم ماشیح» نسیه نیست و هم اینک عهده‌دار برقراری بسیاری از بسترهای سالم روحی و روانی و امید دهی به جامعه است و کار بسیاری از دولت مردان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را راحت کرده، یعنی «نقداً» راحت کرده است.

به نظر بنده اداره آرامش و امنیت جامعه‌ای که به ماشیح یا منجی باور نداشته باشند، بسیار سخت‌تر است. همانگونه که باور به معاد یا باور به حق خدا نیز دل‌ها را آرام می‌کند، و «امید و اعتقاد به عدالتی ماورایی در کائنات» در بسیاری از موارد ضریب اضطراب‌ها و استرس‌ها و ناکامی‌ها را، در جامعه کاهش می‌دهد. باور به منجی عالم نیز به همین گونه عمل می‌کند.

در صورت کم‌رنگ شدن «ماشیح» و امید به ظهور او، اصولاً بسیاری از امیدها به صورت مستقیم و غیرمستقیم از بین خواهند رفت. البته نه به یک باره که به تدریج، بنابراین ممکن است عده‌ای احساس خطر نکنند.

بسیاری از یهودیان حتی نمی‌دانند و نمی‌توانند حس کنند که چقدر از امیدها و آرامش و امنیت‌هایی را که دارند، بدون باور داشتن به این «باور» از دست خواهند داد. ■

منابع

۱. تورات مقدس
 ۲. کتاب دانیال
 ۳. باورهای و آیین‌های یهودی، آلن ترومن
- *** با تشکر از جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار.

شما را تا هزار نسل پاداش خواهم داد. (تورات، کتاب خروج فصل ۲۰ آیه ۶)

۵- شعار (Slogan) یهودیان

شاید جواب در دل این جمله حضرت یعقوب (ع) (که به نماد یهود تبدیل شده) نهفته باشد: **بشنو ای ایسرائل خدای خالق ما خدای یگانه است.**

به این جمله دقت کنید: اول این که کلمه «بشنو ایسرائل» را مفرد بکار برده بجای آنکه بگوید «بشنوید اسرائیلیان»، و دوم این که در پایان آن نیز واژه یگانه (۲۳۸) استفاده کرده است. انگار که کل بنی اسرائیل را یک تن حساب کرده باشد. شاید این جمله معروف حضرت یعقوب تنها یک وصیت و نصیحتی معمولی نباشد. شاید در این جمله انرژی و یا قدرتی ماورای نهفته است که یعقوب توانست فرزندان خود را در یک قوم واحد «بسته بندی» کند و آنها همچنان یک قوم باقی بمانند. اما قبل از ادامه بحث می‌خواهم داخل پراتنز یک داستان را بیان کنم:

محققین تعدادی موش آزمایشگاهی را در استخر آبی انداختند و زمان گرفتند تا ببینند چند ساعت دوام می‌آورند. حداکثر زمانی را که موش‌ها توانستند دوام بیاورند ۱۷ دقیقه بود. سری دوم موش‌ها را با توجه به این که حداکثر ۱۷ دقیقه می‌توانند زنده بمانند در همان استخر انداختند. اما این بار قبل از ۱۷ دقیقه نجاتشان دادند. بعد از این که زمانی را نفس تازه کردند دوباره آنها را در استخر انداختند. حدس بزنید چقدر دوام آوردند؟ ۲۶ ساعت و ۹ دقیقه!

پس از بررسی به این نتیجه رسیدند که علت زنده ماندن موش‌ها این بوده که آنها امیدوار بودند تا دستی آنها را نجات بدهد و توانستند این همه دوام آورند...

این آزمایش تأییدکننده مطالبی است که دکتر ویکتور فرانکل پایه‌گذار مکتب لوگوتراپی (معنادرمانی) سال‌ها قبل در کتاب خود با عنوان «انسان در جستجوی معنا» و نقش امید در بقا ذکر کرده است.

داستان علمی فوق را گفتم تا دلیل دیگری را نیز برای بقای یهودیان مطرح کنم. که شاید دلیل اصلی باشد:

از مصاپزی سنتی دیروز تا ماشینی امروز

الهه مؤدب

مترجم زبان انگلیسی



مصاپزی سنتی

در همه شهرهای یهودی‌نشین گندم خریداری شده را چند بار پاک می‌کردند. در روز آفتابی که باران نبود آن را به آسیابی که به دقت می‌شستند می‌بردند. چندین خانواده نوبتی گندم را آسیاب می‌کردند و در کیسه تمیز می‌ریختند. سپس نوبتی در خانه‌های بزرگی که تنور داشت مصا می‌پختند. در ابتدا تنور را به دقت تمیز می‌کردند و در تنور هیزم یا گون می‌ریختند. در برخی شهرها که تخصص پخت نهایی مصا و گذاشتن خمیر در تنور را نداشتند از همکاری زنان شاطر مسلمان آشنا که در طول سال برایشان نان می‌پختند استفاده می‌کردند. مصاها را در اتاق مخصوصی که تمیز و به اصطلاح موعدی کرده بودند قرار می‌دادند.

اصفهان

رحمت‌الله منشه‌اف، از کودکی با مصاپزان اصفهان همکاری کرده است. او در شرح مراحل مصاپزی سنتی می‌گوید: خمیرگیر آب و آرد را به مقدار لازم با هم مخلوط می‌کند. او باید از نظر جسمی قوی و با تجربه باشد تا آب لازم را به خمیر اضافه کند. چون فقط یک بار باید آرد اضافه کرد. اگر خمیر شل شود امکان اضافه کردن مجدد آرد وجود ندارد. اگر آب کم کم اضافه شود خمیر به اصطلاح نخود کلوچی می‌شود. چانه‌گیر خمیر را گوله و چانه

مصا چیست و چگونه پخته می‌شود؟ این پرسشی که بارها سایر هموطنان مطرح کرده‌اند، مرا بر آن داشت تا با همکاری دوستان به آن بپردازم. آنان با لذت وصف‌ناپذیری آنچه که از کودکی در ذهن‌شان نقش بسته بود به تصویر کشیدند. با یادآوری خاطرات گذشته‌ای که چندان از آن یادی نمی‌شود حال و هوای آماده‌سازی مصای سنتی در کوچه‌های قدیمی محله‌های یهودی‌نشین دوران کودکی خود را زنده کردند. شادی در چشمان‌شان موج می‌زد و خنده بر چهره‌شان نقش بسته بود. شاید بسیاری از فرزندان نسل‌های جدید که با فضای مجازی بزرگ شده‌اند هرگز آن را تجربه نکرده‌اند.

در زمان خروج بنی‌اسرائیل از مصر چون فرصت کافی برای پخت نان نبود نان فطیر یا ور نیامده می‌خورند. یهودیان جهان به یادبود خروج از مصر ۸ روز در عید پسخ مصا می‌خورند. در هگادا (داستان رهایی یهودیان از مصر) آمده است: مصا نان فقیرانه‌ای است که پدران ما می‌خورند. حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار: برای پخت مصا باید موارد بسیاری را رعایت کرد.

اولویت‌ها عبارتند از: عاری بودن گندم از حامص (مواد غیر مجاز در عید پسخ)، عدم تماس آب با گندم، الک کردن آرد، نگهداری گندم در جای خشک و خنک، تمیز بودن کلیه دستگاه‌ها، خنک بودن آبی که به خمیر اضافه می‌کنند و تهیه آن از شب قبل، ۱۸ دقیقه حداکثر مدت مجاز از مرحله تهیه خمیر تا پخت کامل و حداکثر درجه حرارت ۳۰ تا ۳۲ درجه سانتیگراد تا باعث تخمیر یا خشک شدن خمیر نشود، کنترل نهایی مصاهای خروجی که ۲ لایه مصا روی هم نیفتد، و سرانجام دور نگهداشتن مصا از مواد حامص تا هنگامی که استفاده شود.



در سال ۱۳۵۷ انجمن شیراز ۳ تنور در مجتمع وحدت در ارگ کریمخان که قبلاً کودکانستان بود ساخت و مصاپزی میشمردی به آنجا منتقل شد. در سال ۱۳۷۲ با خرید دستگاه‌های جدید مصاپزی سنتی به ماشینی تبدیل شد. موریس حاخام زاده، ناظر پخت، خرید و توزیع مصا در شیراز: امسال ۶/۵ تن گندم تهیه و در آسیاب برقی در مرودشت با حضور ناظر در کنار آسیابان آرد کردیم و در مجتمع وحدت با همکاری ۱۸ تا ۲۵ نفر مصا پختیم. تا به حال چندبار دستگاه‌ها روزرسانی شده ولی ۲ سال پیش دستگاه‌های جدید خریداری شد. ما مصای شیراز، یزد، رفسنجان و کرمان را تهیه کردیم و کمی هم به تهران ارسال کردیم.

یزد

هرصل همدانی کهن: گندم شمورایی به معنی گندم مواظبت شده از چیدن تا گذاشتن چانه آماده پخت در تنور است. گندم را در فصل پاییز در گندمزار از خوشه می‌چیدند و می‌کوبیدند تا از خوشه جدا شود. در منزل چند بار پاک و جو و پوست را جدا می‌کردند. تا یک ماه قبل از عید پسخ در زیرزمین خشک و خنک نگهداری می‌کردند و مراقب بودند کرم نگیرد. پس از رعایت کلیه مراحل پاکسازی در آسیاب بادی آرد می‌کردند. آن را به مکان پخت مصا می‌بردند و شومر (فرد نگهدارنده) مواظب کلیه مراحل را ابتدا تا پخت بود.

تهیه می‌کند. سپس وردنه‌زن چانه را کمی بزرگ می‌کند. تیرک زن چانه‌ای که وردنه‌زن کمی بزرگ کرده با تیرک پهن یا باز می‌کند. نازک‌کار آن را نازک می‌کند. در مرحله نهایی شاطر چانه کاملاً نازک شده را در تنور می‌گذارد. این مرحله بسیار مشکل است و او باید بسیار با تجربه باشد.

خمیر را با آرد گندم نازک نمی‌کردند چون حاصص بود. از آرد پکن یا آرد ذرت یا نخودچی که ور نمی‌آید برای نازک‌کاری استفاده می‌شد. ذرت را پاک می‌کردند تا حاصص در آن نباشد. آن را به آسیابی که شسته بودند، می‌بردند و آرد می‌کردند. مصاها گرد و به قطر ۶۰ سانت بود با ترازو آن را وزن می‌کردند و کیلویی می‌فروختند. من مصای کیلویی ۱۵ ریال را یادم می‌آید.

پخت مصا با ساج: ساج مجمع یا سینی کنگره‌ای است که داخلش را گل می‌گرفتند و پشت آن را سفید می‌کردند و روی اجاقی که با چوب کار می‌کرد می‌گذاشتند و مصا می‌پختند. بعدها آن را روی اجاق یا گاز می‌گذاشتند.

منصور یوم‌طوبیان: در سال ۱۳۳۳ علاوه بر مصاپزی ابراهیم کامل، دو مصاپزی یوم‌طوبیان و جبریل در محله جویباره کلیمیان که امروزه جویباره می‌گویند مصا می‌پختند. با کاهش جمعیت یهودیان اصفهان و افزایش جمعیت تهران، مصاپزان اصفهان را به تهران دعوت کردند. مصاپزی کامل در دروازه دولت و یوم‌طوبیان در عودلاجان (محله قدیم کلیمیان تهران) مصا می‌پختند. مصاپزی تقریباً تا سال ۱۳۸۳ در اصفهان ادامه داشت.

شیراز

ایرج (موسی) میشمردی: در سال ۱۳۳۲ مصاپزی پدر بزرگام در خانه‌اش در طاق مقیس‌الدوله پشت باغ ایلخانی بود که ۳ تنور داشت. در سال ۱۳۵۷ پدرم اسقل (یحزقل) مصاپزی را ادامه داد. دو مصاپزی آقاجان در سرو تک و حاخام میشمردی در کنیسای کهنیم در محله کلیمیان در خیابان نمازی نیز مصای شیرازیان را تهیه می‌کردند.

رابرت گوهریان: تنورهای یزد هیزمی و ایستاده بود. «هارون شنبه» آب را یک روز در منبع می‌گذاشت و پس



از سفید کردن لگن مسی آب را در آن می‌ریخت کلیه مراحل تا خمیر زدن برعهده او بود. ۵-۶ نفر نازک‌کار بودند. مصاپزها یوسف حاج الیعزر موسی کهن داداشی و فرزندان آقا شنبه بودند. مصا در کنیسا الياهو در

کوچه بقعه و کنیسا ملایوسف در کوچه مشروطه تا سال ۱۳۸۵ تهیه می‌شد.

مصا بلک یا اگوت: مصای مخصوص براخال (دعای ۲ شب اول عید پسخ که ضخیم‌تر، نرم‌تر و کوچک‌تر است. امروز نیز با وجود تعداد کم یهودیان یزد برای هر دو شب عید پسخ این مصا را در حمام قدیم که اکنون مصاپزی شده و دارای تنور سنتی است تهیه می‌کنیم.

۲۸ فروردین ۱۳۹۸: از سر کوچه مقدم بوی خوش مصا به مشام می‌رسد. در کنیسا باغ صبا مردان خانواده همدانی کهن دور هم جمع شده اند تا مصا بلک را برای ۹ خانواده یزدی بی‌پزند. جوانان و نوجوانان نیز آنان را همراهی می‌کنند.

دره گز

پرویز مینایی از کودکی با خمیرگیری در دره‌گز مصاپزی را آغاز کرد. در سال ۱۳۴۲ با مهاجرت به مشهد در مصاپزی مشهد همکاری کرد. پس از مهاجرت به تهران در سال ۱۳۴۳ در مصاپزی محله و کنیسیای مشهدی‌های عزیز خان و از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ در سرای سالمندان همکاری خود را ادامه داد.

از ۶ ماه قبل از پسخ خانم‌های هر خانواده گندم مورد نیازشان را از مغازه خواروبار فروشی می‌خریدند. گندم را به

آسیاب سنگی می‌بردند. آسیاب در بیابان ۲۰ کیلومتری دره‌گز کنار کوه ۴۰ دختر و رودخانه بود. از آب رودخانه در آسیاب استفاده می‌کردند. سنگ ۴۰۰ کیلویی را ۱۰ نفر بلند می‌کردند و می‌شستند. برای بار اول گندم کسی را که مورد تاییدشان بود در آسیاب می‌ریختند. معمولاً گندم پدربزرگم حاخام سلیمان خدادی را می‌ریختند. خانواده‌ها برای پخت مصا در منزل او در کوچه قبرستانی جمع می‌شدند. پدرم نورالله مینایی رایگان برای ۱۵ خانواده ساکن دره‌گز طی ۲۰ روز مصا می‌پخت و من به او کمک می‌کردم.

مشهد

افرامیان دیلمانی: سال ۱۳۱۸ یک ماه و نیم قبل از پسخ یک کیلو از انواع مختلف گندم از بنکداران و عمده‌فروشان خریداری و به بزرگ مذهبی ملایوسف - دیلمانی نشان داده می‌شد. او ۲ نوع را انتخاب می‌کرد و همه آن دو نوع را می‌خریدند. در خیابان ادگا محله یهودیان نزدیک حرم امام رضا چند خانواده در منزل کسی که تنور داشت جمع می‌شدند و مصا می‌پختند. تنور زمینی بود. زمین را سوراخ می‌کردند و دیوار را گل می‌گرفتند و تنور درست می‌کردند. در کودکی برای پاک کردن تنور زمینی چند بار من را داخل زمین فرستادند.

یهودیان مشهدی مهاجر به تهران در سال ۱۳۳۵ در حیاط کنیسیای مشهدی‌های عزیزخان تهران مصاپزی را شروع کردند. با تایید ملایوسف دیلمانی گندم را تهیه و خریداری می‌کردند. مصا با روش سنتی گرد و بعدها به‌صورت مربع تهیه می‌شد.

نهاوند

فریده عزرا: مراسم پاک کردن و بردن مصا به آسیاب و آسیاب کردن گندم برای زنان نهاوند مانند جشن بود. آنها طی ۷ روز دور هم جمع می‌شدند و ۷ بار گندم را با کشیدن کل و لهله پاک می‌کردند. در سال ۱۳۵۰ در نهاوند در یک خانه خالی که تنورزمینی داشت پدر و برادرانم مصای ترد و نازک می‌پختند.

جمشید فرهنگیان: در سال ۱۳۲۰ همه مصاها گرد بود ولی سه مصای مخصوص براخای دو شب عید پسخ

نیسان شروع می‌شد. تنورهای بزرگ داخل زمین بود.

همدان

فریدون: در سال ۱۳۲۵ مادرم و خانم‌های فامیل گندم پاک شده را بار شتر می‌کردند. از محله کلیمیان به آسیاب‌بادی در کوچه‌ای در خیابان عباس‌آباد می‌بردند. پاکسازی آسیاب و پختن مصا در خانه عمه همه برعهده مادرم و زنان بود.

یهودا آصف: در سال ۱۳۴۷ گندمی که سه بار پاک شده را با گاری به آسیاب در چاپارخانه می‌بردند. در خانه‌های بزرگ ۱۰۰۰ متری در محله قاشق‌تراشان که در یکی از اتاق‌ها تنور داشت مصا تهیه می‌شد. زنان مسلمان آشنا تنور را تمیز و جارو می‌کردند و مصا می‌پختند. مادرم بر کلیه مراحل پخت نظارت داشت و من سبد مصاها را چندین بار به خانه می‌بردم. از سال ۱۳۵۹ به بعد مصا را از تهران برای یهودیان همدان می‌فرستم.

ملایر

فریدون محلی: در سال ۱۳۵۰ ده خانواده در ملایر زندگی می‌کردند و فقط یک تنور در منزل عمویم داوود جزایی بود. پاییز کشاورزان گندم را برای ما تهیه می‌کردند و ما ۳ بار آن را تمیز می‌کردیم و با درشکه به آسیاب آبی نزدیک پارک ملایر می‌بردیم. پدر هر خانواده مسئولیت خمیر کردن آرد برای مصا را برعهده داشت. پدرم ورزش دادن را به من که کوچک بودم محول می‌کرد. خانم مسن مسلمان چانه آماده پخت را در تنور می‌گذاشت.

کاشان

مراد مرادی: در سال ۱۳۳۵ بهترین نوع گندم را از آسیاب فین کاشان تهیه و در همان آسیاب آبی آرد می‌کردند. برای مراقبت در آسیاب می‌خوابیدند. مصا در حیاط مدرسه اتحاد در محله یهودیان زیر نظر انجمن کلیمیان کاشان تهیه می‌شد.

تهران

هارون یشایایی: از سال ۱۳۲۸ ابراهام شالم در کوچه مشیر خلوت با دستگاه مصاپزی کوچکی مصا می‌پخت. بزرگترین مرکز مصاپزی در کنیسای عزرا یعقوب بود و

مستطیل شکل بودند. اولی یک برجستگی، دومی دو برجستگی و سومی سه برجستگی داشت. آن را نشانه برکت و روزی می‌دانستند. پس از پایان مراسم شب دوم آن را بین همه تقسیم می‌کردند.

کرمانشاه

عشرت فرهمند پور: گندمی را که ۷ بار پاک می‌کردند، به آسیاب آبی ملا میران در سه راه سیلو که با اسب کار می‌کرد می‌بردند. در سال ۱۳۲۷ محل پخت مصا انبار تابوت خانه کوچه کلیمیان در خیابان شیخ هادی بود. تابوت‌ها را کنار می‌گذاشتند و آنجا را تمیز و برای پخت مصا آماده می‌کردند. بعدا تنور در حیاط کنیسا یعقوب نونو نصب و مصا می‌پختند. تنور ایستاده بود. مصاپز یدالله و فرض الله بودند. بسیاری از یهودیان ساکن کرمانشاه که از شهرهای کرد و سرپل ذهاب مهاجرت کرده بودند در منزلشان مصا می‌پختند. خسرو شریف: بعضی گندم را با آسیاب دستی قدیمی به نام دستار آسیاب می‌کردند. پخت مصا تا سال ۱۳۴۴ در کرمانشاه ادامه داشت. پس از آن از تهران مصا به کرمانشاه ارسال می‌شد. در قصر شیرین، سرپل ذهاب و گهواره همه در منزل خودشان با ساج مصا می‌پختند. ملا حشمت موریم که در قصر شیرین بود بر کسروت (حلال بودن) مصای آن شهرها نظارت داشت.

کرد

خلیل محبتی: بهترین گندم را در پاییز خریداری و پس از ۷ بار پاک کردن در بشکه‌های فلزی تا ماه نیسان نگهداری می‌کردند. چون کردند سردسیر بود نگهداری آن راحت بود. همه در منزلشان روی ساج مصا می‌پرداختند.

سنندج

منوچهر یعقوب‌نژاد: یهودیان سنندج گندم مرغوب برداشت فصل بهار را می‌خریدند. فردی گندم را در غربیل که تار و پودش روده گوسفند بود می‌ریخت، بوجاری می‌کرد و آن را به‌صورت دورانی مورب می‌چرخاند تا پوشال و ریگ جدا شود. سپس آن را پاک می‌کردند و روزانه گندم یک یا ۲ خانواده را به آسیاب آبی می‌بردند. پخت مصا از اول ماه

خریداری و در آسیاب چکشی همان جا آرد و به تهران ارسال کردیم.

بهمین رعنان نیز در تجهیز و ساخت دستگاه‌ها با موشه ثانی همکاری کرده است: در سال ۱۳۹۴ ساختمان مصاپزی سرای سالمندان بازسازی و گسترش یافت و انجمن کلیمیان دستگاه‌های جدید را خریداری کرد. برای کارایی بیشتر و رعایت کثروت در دستگاه‌ها تغییراتی دادیم. برخی دستگاه‌ها را طراحی و ساختیم مانند دستگاه جهت الک آرد، مخزن تمام استیل، ریل تمام اتوماتیک برای حمل آرد از اتاق آرد به قسمت خمیرگیری، طراحی سیستم داخلی مکش و شستشوی میکسرها با استفاده از دستگاه مکش مرکزی.



شهاب شهامی‌فر: او از اولین نسل جوانانی است که از سال ۱۳۷۵ در مصاپزی با مرحوم آقاچان شادی همکاری کرده است. وی می‌گوید: از سال ۱۳۷۶ به بعد جوانانی به مصاپزی پیوستند که باعث خلاقیت و ابتکار در مصاپزی شدند.

امسال با ۲ مشکل روبرو شدیم. به دلیل نامرغوب بودن آرد نسبت به سال‌های قبل، سرعت تولید کاهش یافت و فرصت بیشتری برای الک کردن صرف شد. به دلیل گرم شدن هوا در هفته آخر فروردین ماه و افزایش دما بیش از حد مجاز شرعی، ناظران کثروت اجازه پخت در چند روز را ندادند و شب‌ها مصا تهیه می‌شد.

شاید بار دیگر که مصا می‌خوریم نگاهی دیگر به مصاپزی داشته باشیم و علاوه بر جنبه مذهبی، جنبه روانشناختی و جامعه-شناسی، سیر تحولات تاریخی اجتماعی، و همکاری مسلمانان و یهودیان برای‌مان قابل تأمل باشد. ■

مصاپزی داوود سبزی فروش روبروی بیمارستان دکتر سپهر و دیگری در غرب محله بود که جمعا مصا ۴۰۰۰-۵۰۰۰ سکنه عودلاجان را تامین می‌کردند. با مهاجرت یهودیان از محله عودلاجان به خیابان گرگان در کنیسه‌های باغ صبا، دروازه دولت و پل چویی مصا می‌پختند.

نورالله درخشان: در سال ۱۳۴۰ گندم را از اداره سیلو تهیه می‌کردند. مصای ساده کیلویی ۳ تومان و مصای تخم مرغی کیلویی ۴ تومان بود. پخت مصا ۴۵ روز قبل از عید پسخ شروع و تا آدینه موعده (روز پیش از عید) ادامه داشت.

کهن: در سال ۱۳۴۶ ابراهیم منشه‌اف در سرای سالمندان تهران از جوانان خمیرگیر و شاطر اصفهان برای پخت مصا تنوری دعوت کرد. در آن زمان دکتر عزیزه برال رئیس سازمان بانوان هاتف و نهاداران از اعضای هیئت مدیره آن در توزیع مصای رایگان در بین کل خانواده‌های کم در آمد و آسیب‌پذیر تهران نقش مهمی داشتند. خوشبختانه پس از انقلاب تا کنون نیز ستاد خیریه کوروش مصای رایگان این اقشار را فراهم می‌کند.

خلیل محبتی: او با آقاچان شادی که مسئول مصاپزی بود همکاری داشته است. می‌گوید: کار با دستگاه‌های قدیمی خیلی



سخت بود و چند بار هنگام تهیه خمیر دستم در دستگاه گیر کرد و شانس آوردم که همکاران به موقع دستگاه را خاموش کردند.

موشه ثانی: از سال ۱۳۷۶ کارش را در کنار مرحوم آقاچان شادی آغاز و

از سال ۱۳۹۴ مسئولیت مصاپزی سرای سالمندان را برعهده دارد. او می‌گوید در سال‌های اخیر حدود ۸۰ نفر از مراحل ابتدایی خرید تا پخت و تاسیسات و توزیع همکاری کرده‌اند. برای تهیه مصای امسال، ۱۰ تن گندم را از اصفهان

شعر خوانی هنر است ...

مصاحبه با نوجوان هنرمند کلیمی، آنائل هارونیان

فرانک عراقی

کارشناس ارشد (روزنامه نگاری)

این روزها شاید سخن از شعر و شاعری و علاقه به مشاعره در بین نوجوانان و جوانان جامعه خیلی به چشم نیاید. متأسفانه گاهی حتی جوانان ما نمی‌توانند یک شعر را از روی متن بدون غلط بخوانند. سالمندانی که گلستان سعدی را هنوز از حفظ می‌خوانند که: منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت... تا چند صبحی دیگر خاطره خواهند شد. حتی حفظ کردن شعر در دوران تحصیل دیگر اجباری نیست. راستی فرزندان ما فردا برای فرزندان خود چه شعری را زمزمه خواهند کرد؟ نمی‌دانم... اما آشنایی با نوجوانی که به شعر عشق می‌ورزد، به زیبایی مشاعره می‌کند و فن بیان شعر می‌داند بسیار مایه‌ی خشنودی است و قابل تحسین... آنائل هارونیان نوجوانی است که چند سالی می‌شود در این رشته فعالیت می‌کند و در این زمینه مقام‌های عالی کسب کرده است. در ادامه نظر شما را به گفت‌وگویی دوستانه که با او انجام داده‌ام جلب می‌کنم.



* لطفا بعد از معرفی، بفرمایید که از چه زمانی و

چرا به شعر و مشاعره علاقه پیدا کردید؟

• آنائل هارونیان هستم. در یک خانواده پنج نفره در دی ماه سال ۱۳۸۱ در تهران به دنیا آمدم. پدر و مادرم اهل اصفهان هستند. ۱۶ سال دارم و در سال دهم تجربی، مدرسه اتفاق مشغول تحصیل هستم. از کلاس ششم دبستان به مشاعره و شعرخوانی علاقمند شدم. گاهی در انتهای زنگ ادبیات با معلممان مشاعره می‌کردیم و من با تشویق خانواده و علاقه‌ی شخصی این رشته را دنبال کردم. از طرفی مسئولان مدرسه نیز زمینه را مهیا کردند و من را به مسابقات منطقه‌ای معرفی کردند که نتیجه‌ی خوبی هم داشت.

* در خانواده هم کسی به شعر علاقه دارد؟

• بله، خانواده‌ی مادری‌ام خصوصا مادر بزرگم بسیار به شعر علاقمند بود. متأسفانه او به رحمت خدا رفته ولی از او دفتر خاطراتی به یادگار مانده که در جای جای آن شعرهای مختلفی نوشته شده، او مرا تشویق می‌کرد و مدرک دیپلم طبیعی داشت که در زمان خودش و با توجه به

جنسیت‌اش بسیار باعث افتخار بود. طبع لطیفی داشت و شعرهای زیادی را از حفظ می‌خواند. مادرم نیز به شعر علاقه دارد و مشوق من است و در تمامی کلاس‌هایی که شرکت می‌کنم او زحمت همراهی من را می‌کشد.



* چه صحبتی با خوانندگان مجله، خصوصا با هم

سن و سال‌های خودتان دارید؟

• می‌دانم که مجله بینا را علاوه بر همکیشان عزیز، غیر همکیشان هم مطالعه می‌کنند. پیام من به همه‌ی خوانندگان مجله، توجه به برابری انسان‌هاست. در دوره معاصر دیگر اختلاف مذهب و نژاد و ملیت معنا و مفهومی ندارد. همه‌ی انسان‌ها با هم برابرند، شهری و غیر شهری، با هم فرقی ندارند. وقتی من اولین شعرم را برای استادم خواندم او این نگاه من به برابری انسان‌ها را متوجه شد. اعتقاد به برابری انسان‌ها زندگی را قشنگ‌تر می‌کند و اما پیام من به هم سن و سال‌های خودم و نوجوانانی که آینده‌سازان این جامعه هستند این است که همواره در زندگی علایق‌تان را دنبال کنید، دنبال حرف مردم و اعتقادات آنها و رشته‌های دهان پر کن نباشید، بلکه رشته‌ای را دنبال کنید که شما را خوشحال می‌کند، چون فکر می‌کنم وقتی خوشحال باشید خوشبخت‌تر هم هستید.

* از وقتی که در اختیار من گذاشتید سپاسگزارم

و برایتان آرزوی موفقیت دارم. ■

* آیا در کلاس‌های خاصی در این زمینه شرکت

می‌کنید؟

• بله. از موقعی که اولین بار در مسابقات منطقه‌ای شرکت کردم به دنبال کلاس‌های فوق برنامه در زمینه‌ی شعرخوانی بودم. کلاس‌های شعرخوانی و فن بیان را نزد استاد مهرداد گذراندم و از ۴-۵ ماه پیش هم کلاس‌های استاد علیرضا آذر را شروع کردم که شاعر معاصر هستند و دکلمه‌های بسیار زیبایی با زبان شعری متفاوت دارند.

* آیا خودتان هم تا به حال شعری سروده‌اید؟

• بله، خوشبختانه کلاس‌هایی که شرکت کردم بسیار موثر بوده و شعر هم سروده‌ام، اما در حد چند بیت بوده است.

* مایل هستید که این هنر را ادامه دهید؟

• بله، حتما تمام سعی‌ام را می‌کنم که این هنر را ادامه دهم، چون علاقه‌ی شخصی‌ام هست و خانواده هم در هر مرحله‌ای پشتیبانم بوده‌اند.

* به چه رشته‌ای در دانشگاه علاقمند هستید؟
بهتر نبود به جای رشته‌ی تجربی، با توجه به علاقه‌تان ادبیات را انتخاب می‌کردید؟

• به رشته‌های داروسازی و روانشناسی علاقمند هستم و امیدوارم که بتوانم در این رشته‌ها در دانشگاه ادامه تحصیل بدهم. من همان قدر که شعر و ادبیات را دوست دارم به درس‌های رشته‌ی تجربی نیز علاقمندم و می‌خواهم در کنار آن به شعر هم ادامه بدهم.

* تا به حال موفق به کسب چه مقام‌هایی شده‌اید؟

• ابتدا در مسابقات منطقه‌ای بین مدارس شرکت کردم و مقام عالی کسب کردم. سپس در مسابقات استانی مقام اول را به دست آوردم. این اواخر هم در مسابقات پژوهشگاه آشتیانی شرکت کردم و نفر اول شدم.

* بیشتر اشعار کدام شاعران را می‌پسندید؟

• من به بیشتر شعرهای شاعران معاصر خصوصا دکلمه‌های استاد علیرضا آذر علاقمند هستم، البته جناب حافظ و شعرهای زیبایش هم جایگاه خود را دارد.

کنفرانس بین‌المللی تربیت دینی در ادیان ابراهیمی

نخستین کنفرانس بین‌المللی تربیت دینی در ادیان ابراهیمی ۱۲ اسفند ۱۳۹۷ در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی مشهد برگزار شد.

محورهای عمده این کنفرانس در خصوص فلسفه تربیت دینی شامل مفهوم‌شناسی، اهداف، مبانی، امکان فلسفی و غیره، نظریه‌ها و الگوهای تربیت دینی، تربیت دینی و چالش‌های جهان معاصر، تاریخ تربیت دینی، نهادها و تربیت دینی، اماکن مذهبی، مراکز و سازمان‌های تربیت دینی، تجربه‌های تربیت دینی و رسانه، فضای مجازی و تربیت دینی بود.



آرش آبائی با ارائه‌ی مقاله‌ی «نگاهی به تربیت دینی در آیین یهود» در این کنفرانس به سخنرانی پرداخت و ضمن ذکر بخش‌هایی از تورات و تلمود درباره‌ی ارزش تربیت و آموزش، تاریخچه‌ای از وضعیت آموزش دینی قبل و پس از انقلاب را تشریح نمود. وی با بیان اینکه ضعف آموزش دینی موجب ویرانی‌هایی در جامعه می‌شود، گفت: تربیت دینی از موضوعات بسیار مهمی است که در احکام تورات نیز به آن توجه شده است و این مهم را می‌توان در داستان انبیاء الهی نیز مشاهده کرد. وی خاطر نشان کرد: متأسفانه دانش‌آموزان کلمی ایرانی با یک نوع دوگانگی مواجه هستند؛ زیرا آنان با آیین متفاوت در کشوری با فرهنگ و آیین اسلامی زندگی می‌کنند؛ از این رو باید تلاش شود آموزش‌ها منطبق با ارزش‌های کشور باشد و آموزه‌ها و تعالیم کلمی نیز فرا گرفته شود.

این کنفرانس با قرائت بیانیه پایانی توسط دکتر مهدی سروری مجد دبیر اجرایی کنفرانس و با حضور اندیشمندان و محققان برجسته حوزه تعلیم و تربیت از ادیان مختلف به کار خود پایان داد.

در این بیانیه آمده است؛ ما شرکت کنندگان در این کنفرانس، به نمایندگی از صاحب نظران و فعالان عرصه تعلیم و تربیت و پس از تبادل دیدگاه‌ها و تجربه‌های خویش اعلام می‌داریم که در جهان امروز، الحاد و سکولاریسم با اتکا به پشتوانه‌های سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای، ارزش‌های ضد انسانی و ضد اخلاقی خود را در قالب تعلیم و تربیت سکولار به جوامع و ملت‌ها تحمیل می‌کند. از این رو ضرورت دارد ما با تکیه بر سرشت پاک بشر در مقابل این هجمه بر مبانی و ارزش‌های مشترک همچون «خداجویی، معنویت، عدالت، آزادی، استقلال، کرامت انسانی و صلح دوستی» تاکید نماییم و با تأسی به پیامبران بزرگ الهی، به گسترش تربیت دینی اهتمام ورزیم.

در ادامه این بیانیه تصریح شده است: ما پیروان ادیان توحیدی برای حل مسائل مهم و مشترک بشریت به ویژه «معنویت زدایی»، «ترویج معنویت کاذب»، «بحران خانواده» و همچنین «حفظ نسل پاک» و «سلامت فضای مجازی» در توسعه و تعمیق ارتباطات میان فعالان تربیت دینی خواهیم کوشید. ■

خیابان سی تیر و گذرگاه ادیان

الهه مؤدب
مترجم زبان انگلیسی



خیابان سی تیر یادآور قیام ایرانیانی است که جان خود را برای آرمان‌های ایران، کشوری با هموطنانی از ادیان الهی و فرق مختلف اسلامی و اقوام مختلف فدا کردند. خیابان سی تیر در نوروز سال جاری این گوناگونی فرهنگی و همزیستی اقوام و ادیان را به نمایش گذاشت. در جوار موزه ملی به همت کانون جهانگردی و اتومبیل‌رانی انواع آیین‌های رقص اقوام مختلف با لباس‌های محلی به اجرا در آمد و فرهنگ و ریشه‌های ملی آنها توضیح داده شد. در شماره بعد به این آیین‌ها اشاره خواهد شد.

به همت شهرداری تهران در بخش گذرگاه ادیان کنیسه‌ی ۱۰۶ ساله حییم، آتشکده آدریان و کلیسای مریم مقدس و موزه آن شاهد استقبال گسترده گردشگران بودند. در مدت بسیار کوتاهی که شاهد حضور گردشگران در کنیسه‌ی حییم بودم، برخی نظراتشان را مطرح کردند:

دو دختر جوان ۱۹ ساله که یکی افغانی بود: از پس زمینه‌ای که از فیلم شکارچی شب داشتیم با ترس و اضطراب وارد کنیسه شدیم و جای مرموز و مخوفی را انتظار داشتیم. اما با نظر متفاوتی از اینجا می‌رویم.

زیبا کرمی، راهنمای گردشگری، کارشناس ارشد گردشگری: مقصود تویی کعبه و بت‌خانه بهانه است.

علی، فوق دیپلم جوشکاری: به‌عنوان یک مسلمان که از کنیسه، آتشکده و کلیسا بازدید کردم اعتقاد دارم که باید به عقاید دیگران احترام بگذارم.

محمد جواد گودرزی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی: گذرگاه ادیان نشان‌گر همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان در کنار هم است و ایران به همه ادیان و اقوام تعلق دارد. همه ادیان به ظهور منجی اعتقاد دارند.

همتی، کارشناس زبان‌شناسی: از دیدگاه زبان‌شناسی

مایل بودم از زبان عبری اطلاعی داشته باشم. فکر می‌کردم هرگز نمی‌توانم به اینجا وارد شوم.

مریم، کارشناس زبان‌شناسی: به معماری مکان‌های مذهبی علاقه دارم و معماری کلیساها را در تلویزیون دیدم ولی برای اولین بار معماری کنیسه را می‌بینم.

به گفته چند تن از راهنمایان گردشگری و بازدیدکنندگان، آلبرت صدق با خوشرویی و حوصله به پرسش‌ها پاسخ می‌داد.

آلبرت صدق: در طی دو نیم‌روزی که درب کنیسه به روی گردشگران باز بود بیش از ۵۰۰ نفر از آن بازدید کردند. طی ۱۲ سال گذشته توره‌های مختلفی برگزار شده است. تاکنون از کنیسه بیش از ۱۰۰۰۰ گردشگر داخلی و خارجی از کشورهای مختلف از جمله آلمان، فرانسه و لهستان بازدید کرده‌اند. خوشرو نماینده ایران در سازمان ملل، احمد مسجد جامعی عضو شورای شهر تهران، مهندس سعادت‌شهری از منطقه ۱۲، دانش‌پژوه رئیس فرهنگی شورای انجمن شهر از

مرکز مشاوره رها برگزار می‌کند:
مهارت‌های زندگی کودکان
(ویژه کودکان ۱۰ تا ۱۷ سال)



سرفصل مطالب کارگاه:	مدرس: لیورا سعید، روانشناس کودک
خودآگاهی	روز کلاس: دوشنبه‌ها ۱۰ تا ۱۱ یا سه‌شنبه‌ها ۱۷ تا ۱۸
همدلی	شروع دوره: از سوم تیرماه به مدت ۱۰ جلسه
ارتباط موثر	هزینه: ۴۴۰,۰۰۰ تومان
تفکر خلاق	جلسه رایگان توجیهی والدین: ۲۸ خرداد ماه ساعت ۱۷
حل مسئله و تصمیم‌گیری	کسب اطلاعات بیشتر: ۰۲۱۸۸۹۷۱۶۰۶
مدیریت احساسات (استرس، خشم، غمگینی)	

آدرس: میدان ولیعصر، بلوار کشاورز، خیابان فلسطین شمالی،
کوچه میر سراسی، پلاک یک، طبقه اول

بازدیدکنندگان اخیر کنیسه بودند. اکثریت بازدیدکنندگان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. پرسش‌های آنان شامل تاریخچه حضور یهودیان در ایران، سیر تحولات تاریخی و اجتماعی، بنای ساختمان و پرسش‌های مذهبی است.



در آبان ۱۳۹۷ با تلاش پژوهشکده میراث فرهنگی ایگوم همایش سازمان موزه‌های جهانی با حضور «مرس» رئیس ایگوم (سازمان موزه‌های جهانی) و محیط طباطبایی رئیس موزه‌های ایران در این کنیسه برگزار شد. هارون یشایایی، محیط طباطبایی، آلبرت صدق از سخنرانان این همایش بودند.

درگذشت سه خادم جامعه‌ی کلیمیان تهران

متأسفانه باخبر شدیم سه تن از خادمان جامعه‌ی کلیمی تهران در سال جاری (۱۳۹۸) به دیار باقی شتافتند.

مرحوم دکتر هوشنگ ملمد، عضو سابق انجمن کلیمیان تهران و جامعه روشنفکران یهود ایران و عضو هیئت تحریریه نشریه تموز.

مرحوم یوسف هندی‌زاده، خادم کنیسه‌ی عزرا یعقوب در محله عودلاجان، رئیس هیئت امانا و مدیر بهشتیه تهران.

مرحوم اسحاق نوبهار، رئیس سابق بهشتیه تهران.

از خداوند برای این عزیزان از دست رفته آموزش طلبیده و برای بازماندگان صبر و تحمل آرزومندیم.

انجمن کلیمیان تهران



از راست به چپ:

آلبرت صدق، ناشناس، دانش‌پژوه رئیس شورای انجمن شهر، مهندس سعادت شهردار منطقه ۱۲

در زمستان ۹۷ نیز با حضور اعضای سازمان میراث فرهنگی و هارون یشایایی مراسم تقدیر از دکتر ناصر تکمیل همایون به پاس نگارش کتاب محله یهودیان تهران و لیورا صدق به پاس خدماتش در این کنیسه برگزار شد. ■



نقره‌ئیان طلا گرفت

گفت و گویی با هیلیت نقره‌ئیان، بانوی موفق همکیش در هنرهای رزمی

فرانک عراقی

هیلیت نقره‌ئیان یکی از بانوان افتخارآفرین جامعه‌ی ماست که توانسته بارها در رشته‌ی ورزشی مورد علاقه‌اش - ورزش‌های رزمی - موفقیت کسب کند و در این رشته به مقام‌های بالا دست پیدا کند.

نام نقره‌ئیان در جامعه‌ی ما نام آشنایی است. او فرزند ابراهیم نقره‌ئیان یکی از فعالین اجتماعی است. ابراهیم نقره‌ئیان زمانی عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان بود. در هیئت حل اختلاف فعالیت می‌کرد و می‌کوشید تا صلح و صفا را در میان خانواده‌ها برقرار کند. هر چند که او به رحمت خدا رفته اما نام نیکو هرگز از یادها نخواهد رفت.

تیترا جالب توجه روزنامه عصر ورزش که «نقره‌ئیان طلا گرفت» من را به این گفت و گو تشویق کرد. جا دارد دوستان دیگر نیز با اطلاع از این افتخارآفرینی در این موفقیت سهیم باشند.

* با سلام و عرض تبریک، لطفا کمی از خودتان برایمان بگویید.

- درود بر شما، من هیلیت نقره‌ئیان هستم، متولد ۱۳۵۶ در تهران. بیست سال است که ازدواج کرده‌ام و دو فرزند دختر ۱۸ و ۱۶ ساله دارم.

* از چه زمانی ورزش را شروع کردید؟

- از دوران نوجوانی علاقمند به رشته‌های ورزشی بودم و در تیم منتخب دبیرستان در رشته‌های پینگ پونگ و دو و میدانی فعالیت می‌کردم. همیشه علاقه‌ی ذاتی‌ام به هنرهای رزمی بود. بیش از ده سال است که آمادگی جسمانی و ایروبیک تمرین می‌کنم و در این راه همسرم بابک کهن نیز همیشه مشوق من بوده است.

همچنین کیوکشین ایران را زیر نظر رنشی حسین خان و کاتچو خوشی آموزش دیده‌ام و موفق به دریافت کمربند سیاه دان یک شده‌ام. همچنین در رشته ایروبیک رزمی و ایرو کامبت موفق به اخذ دان ۷ و بازوبند مشکی شده‌ام.

* تا الان چه مقام‌هایی کسب کرده‌اید؟

- در مسابقات مچ اندازی تیمی مقام اول، در مسابقات مارشال و کاتا مقام نخست و در رقابت‌های آمادگی جسمانی

ایستگاهی موفقیت‌هایی کسب کرده‌ام. همچنین افتخار دارم عضو هیئت ریسه سبک هستم و در صدد هستیم در جهت حمایت و بسط و گسترش این رشته در کشور برنامه‌های جامعی را تدوین و به مرحله اجرا درآوریم.

* آیا در خانواده‌تان ورزشکار دیگری دارید؟

- بله خواهرم و برادرم نیز ورزشکار هستند و در رشته‌های رزمی فعالیت می‌کنند.

* چه پیامی برای افراد جامعه و به‌خصوص بانوان جامعه دارید؟

- متأسفانه زندگی ماشینی باعث کم‌تحرکی افراد شده که همین کم‌تحرکی، بیماری‌های روحی و جسمی زیادی به‌وجود آورده است.

ورزش بهترین راه مبارزه با انواع بیماری‌هاست و به‌خصوص سلامتی بانوان عزیز جامعه که ستون اصلی خانواده هستند بسیار مورد اهمیت است. من به بانوان عزیز توصیه می‌کنم که حتما ورزش را در زندگی روزمره‌ی خود داشته باشند. چرا که سلامتی جسم و روح بانوان تأثیر مستقیمی بر روی خانواده، همسر و فرزندان دارد.

در پایان نیز از شما تشکر می‌کنم و از این‌که این اخبار را در نشریه منعکس می‌کنید سپاسگزارم.

* من هم برای شما آرزوی موفقیت‌های بیشتر دارم و از وقتی که در اختیارم گذاشتید سپاسگزارم. ■

۵۰ سالگی و پنجاهمین شماره



دوریتا معلمی

کارشناس ارشد روانشناسی



در سال‌هایی نه چندان دور زمانی بود که رسیدن به سن ۵۰ سالگی آرزویی بزرگ محسوب می‌شد. چرا که با وجود بسیاری از بیماری‌ها و عدم وجود انواع و اقسام داروها طول عمر بسیار کوتاه بود. ولی پس از کشف داروها و واکنش‌های جور واجور و پیشرفت علم پزشکی، ۵۰ سالگی دیگر سن مردن نبود ولی زمان شروع پیری و درد و بیماری محسوب می‌شد، کما این‌که اشعار طنز و هجو گونه‌ای نیز با همین محتوا در میان مردم رواج پیدا کرد!!!

یادم می‌آید که در زمان کودکی وقتی می‌شنیدم کسی در سن ۵۰ سالگی فوت شده به نظرم چقدر پیر می‌آمد (البته بعدها فهمیدم که فقط من نبوده‌ام که چنین تصویری داشتم) و حالا فکر می‌کنم مردن در این سن یعنی جوان-مرگی (و صد البته که باز هم فقط من نیستم که چنین تصویری دارم)!!!

۵۰ سالگی سن عجیبی است، علیرغم این که هنوز جوانیم ولی بیش از نیمی از راه را رفته‌ایم. از نظر مالی، شغلی، تحصیلی و خانوادگی به ثبات رسیده ایم. آرد خود را بیخته و الکمان را نیز آویخته‌ایم و همچنین قرار است که به یک سری از بایدها و نبایدها رسیده باشیم:

در ۵۰ سالگی دیگر باید خردمند شده باشیم یعنی قبل از هر تصمیم و هر حرفی، تعقل کنیم.

در ۵۰ سالگی باید بین درست و نادرست فرق بگذاریم. در ۵۰ سالگی نباید به به حرف بقیه بیش از حد اهمیت بدهیم و باید بلد باشیم بی‌توجه به قضاوت‌های دیگران به راه مناسب خودمان ادامه دهیم.

در ۵۰ سالگی باید بتوانیم در روابطمان تعادل برقرار کنیم.

در ۵۰ سالگی باید بلد باشیم خودمان را آرام و خوشحال کنیم.

در ۵۰ سالگی باید خود خودمان را پذیرفته باشیم.

در ۵۰ سالگی باید به درک جمله‌ی «این نیز بگذرد» رسیده باشیم و

در ۵۰ سالگی باید مرگ را بپذیریم و یاد بگیریم زندگی را چگونه زندگی کنیم.

آن وقت است که می‌توان گفت از بحران میانسالی عبور کرده‌ایم، از رکود و باتلاق مرگ و پیری گذشته‌ایم و به زاینده‌گی و مانایی رسیده‌ایم. چنان‌که اریکسون^۱ معتقد بود که مرحله‌ی میانسالی مرحله‌ای است که می‌توان از طریق

^۱ - اریک اریکسون (۱۹۹۴ - ۱۹۰۲)، روانشناس نروژی در حوزه‌ی رشد انسان، که زندگی انسان را از بدو تولد تا زمان مرگ به ۸ مرحله تقسیم کرده بود. دوره‌ی میانسالی دوره‌ی هفتم این مراحل است.

برآورده نکرده‌اند ممکن است در مرحله‌ی میانسالی با بحران مواجه شوند. چرا که به این باور می‌رسند که کنترلی بر زندگی خود نداشته‌اند و در نتیجه کارایی شخصی‌شان (توانایی لازم برای غلبه بر مسایل زندگی) تضعیف می‌شود. و این در حالی است که در دنیای کنونی ۵۰ سالگی می‌تواند نقطه عطف و یک شروع مجدد باشد. مردان و زنانی که تا این زمان وقت و هزینه و انرژی خود را صرف تحصیل و شغل و پرورش فرزندان کرده بودند، حالا با از آب و گل در آمدن فرزندان و رسیدن به ثبات مالی فرصتی می‌یابند برای رسیدگی به خود، چه از نظر جسمانی و چه از نظر پرورش استعدادها و علایق شخصی و یا هر سوژه‌ای که دوست داشتند و هرگز فرصتش را نداشته‌اند. ۵۰ سالگی فقط پایان جوانی نیست بلکه شروع دورانی است که می‌تواند بیشترین دستاوردهای عاطفی- روانی را به همراه داشته باشد به شرط آنکه با ورود به این دوره‌ی جدید زندگی بیاموزیم که چگونه با مسایل آن رو در رو شویم تا لذت و آرامش بیشتری را تجربه کنیم. ■

نشریه افق بینا آماده دریافت و چاپ آگهی‌های شما همکیشان عزیز می‌باشد.
در صورت تمایل با دفتر نشریه بینا محل انجمن کلیمیان تهران تماس حاصل فرمایید.

کمک به نسل بعدی، کمک به دیگران و یا کار خلاقانه به زاینده‌ی روانی رسید. در عوض افرادی که دچار رکود هستند نمی‌توانند در رفاه اجتماعی مشارکت داشته باشند، زیرا آسایش و امنیت خود را به چالش و فداکاری ترجیح می‌دهند و این رکود خود را این‌گونه نشان می‌دهد: به صورت بی‌علاقگی و اهمیت ندادن به جوانان (از جمله فرزندان خودشان)، به صورت تمرکز بر آن چه که می‌توانند از دیگران بگیرند به جای آنچه که می‌توانند بدهند، به صورت بی‌علاقگی به خلاق بودن در کار و پرورش استعدادها و یا عدم تلاش در جهت بهتر کردن دنیا (روان‌شناسی رشد، جلد دوم).

لویینسون^۲ نیز ۵۰ سالگی را مرکز ثقل میانسالی می‌داند و معتقد بود که افراد در این زمان به ارزیابی موفقیت‌ها و دستاوردهای خود می‌پردازند و احساس می‌کنند که برای پیشرفت و رشد شخصی و رسیدن به آرمان‌ها فرصت کمی در اختیار دارند. برخی نومید می‌شوند و برخی به دنبال یافتن مسیری خشنود کننده‌تر تلاش می‌کنند تا بدین ترتیب میراثی از خود به جای گذارند. برخی وارد امور خیریه و خدمات داوطلبانه می‌شوند و برخی به دنبال به وجود آوردن دستاوردهای ارزشمند می‌باشند.

آشیانه‌ی خالی نیز یکی دیگر از مسائل عاطفی- روانی و ارتباطی مربوط به دوران میانسالی است. زوجینی که در طی مسیر مشترک زندگی بر مسائل میان خود فایق نیامده و روابط عاطفی مختل با یکدیگر دارند و به خصوص اگر به علایق و توانمندی‌های خود نپرداخته باشند، همزمان با خروج فرزندان از خانواده دچار بحران شده و ممکن است یاس و پوچی بر زندگی‌شان سایه افکند.

در مجموع نگرانی درباره فناپذیری و ارزیابی زندگی در میانسالی امری رایج است و البته افرادی که تا قبل از رسیدن به این دوره سایر نیازهای مربوطه (مالی، تحصیلی، شغلی، خانوادگی، روانی- عاطفی و فردی و ارتباطی) را

۲ - دانیل لویینسون که در زمینه‌ی مراحل رشد روانی- اجتماعی بزرگسالان تحقیقات ارزشمندی دارد.



میانسالی؛ دوران بالندگی و کمال

لیورا سعید

کارشناس ارشد روانشناسی

در پی نقش‌آزمایی بوده، قادر به تشکیل پیوندهای نزدیک و متعهدانه همراه با تعلق خاطر به دیگران نمی‌باشد، بنابراین به قطب مخالف این مرحله که انزوا و گوشه‌گیری از روابط اجتماعی و در پی آن افسردگی است فرو می‌رود.

برایم جالب است که از دیدگاه روانی اجتماعی اریکسون، پیش‌نیاز رسیدن به سن زاینده‌گی و فعالیت یعنی همان میانسالی، گذر از صمیمیت است؛ یعنی شخص باید در یک پله پیش از آن، توانسته باشد از نظر اجتماعی ارتباطات صمیمانه‌ای شکل بدهد، عشق به دیگران را تجربه کرده باشد و عشق از دیگران دریافت کرده باشد، اما اگر نتوانسته باشد هویت درستی در خانواده و جامعه برای خود شکل بدهد و صمیمیت و عشق را تجربه کند، اکنون به دام رکود افتاده است و نمی‌تواند فعالیت و زاینده‌گی داشته باشد.

با نگاه به این سن که انسان نه آنقدر پیر است که دست از فعالیت بکشد و به دنبال پیشرفت نباشد، نه آنقدر جوان است که توان و شور سال‌های قبل را داشته باشد و به هر جایی سرک کشیده، به هر چیزی با کنجکاوی ناخنکی بزند، دیدگاه یونگ نظرم را جلب کرد که خاطر نشان کرده ما باید در نیمه‌ی اول زندگی بر دنیای بیرونی یعنی تحصیل، شغل و خانواده تمرکز کنیم، در مقابل، نیمه دوم زندگی باید صرف دنیای ذهنی و درونی شود که تا آن زمان مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. به نظر وی، در این دوران، شخصیت باید از برون‌گرایی به درون‌گرایی تغییر یابد.

تا به حال فکر کرده‌اید چرا در این سن، برخی به پوچی رسیده و زندگی معنای خود را برای آنها از دست می‌دهد اما برای بعضی، دوران بالندگی و پختگی فرا رسیده و آماده‌ی تحقق خود و کمک به شکوفایی نسل بعد از خود هستند؟ چون در این زمان است که به پشت سرمان نگاه کرده، سوالاتی ذهن ما را به خود مشغول می‌کند: به کجا رسیدم؟ برای خودم چه کردم؟ آیا به اهدافی که می‌خواستم رسیده‌ام؟ آیا به حال جامعه‌ام مفید بوده‌ام؟ الگوی مثبتی برای جوانان هستم؟ آیا از زندگیم راضی‌ام؟

خودشناسی، درون‌نگری، تأمل بر گذشته و سال‌هایی که پیش روست، فرد میانسال را از آن بالاها، از آن بلند

نشریه‌ای که اکنون در دست دارید پنجاهمین شماره از نشریه‌ی افق بیناست. وقتی سردبیر محترم این موضوع را به هیئت تحریریه اعلام کرد و خواست در خور این مناسبت مطلب بنویسیم به نظرم رسید از ۵۰ سالگی انسان بنویسم، مرحله‌ای از زندگی که از آن به دوران میانسالی یاد می‌کنند و با خصوصیات روانی خاصی مشخص می‌شود که از دیدگاه روانشناسان رشدی، ارزش و اهمیت داشته، نگاه و توجه ویژه‌ای به خود می‌طلبد.

هر شخصی تمایل دارد در هر سنی که قرار گرفته از خصوصیات رشدی (جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی) سنین مختلف اطلاعاتی به دست آورد تا اگر به آن سن نرسیده بتواند بهتر با آن کنار بیاید و به سلامت از آن گذر کند یا اگر این سن را پشت سر گذاشته، از آن اطلاعات متوجه شود که به خوبی و درستی طی کرده یا نتوانسته به سلامت از آن گذر کند و دچار خسران و ضرر شده است.

از ۳۵ تا ۵۵ سالگی، انسان به میانه‌ی زندگی خود می‌رسد و شخصیت انسان دستخوش تغییراتی می‌شود. از نظر اریک اریکسون، روانشناسی که رشد انسان را از منظر روانی - اجتماعی مورد بررسی قرار داد، انسان هشت مرحله را از تولد تا سالخوردگی سپری می‌کند که هر مرحله خصوصیتی دارد و اگر انسان از هر مرحله به درستی گذر کند به مرحله‌ی بعدی می‌رسد ولی اگر در مرحله‌ای درجا بزند، قطب مخالف آن مرحله را تجربه می‌کند.

به عنوان مثال مرحله‌ی پنجم، مرحله‌ی «هویت‌یابی در برابر سردرگمی نقش» است؛ در این مرحله نوجوان از ۱۱ سالگی درگیر استقلال، هویت‌یابی، کیستی و چیستی خود است و با بحرانی به نام هویت‌یابی دست و پنجه نرم می‌کند. اگر بتواند با کاوش‌های شخصی خود که حاصل گذر موفقیت‌آمیز از چهار مرحله‌ی پیشین است به هویت سالمی دست پیدا کند به مرحله‌ی ششم که متعلق شدن به گروه و اجتماع و تجربه‌ی دوستی و صمیمیت با دیگران است پا می‌گذارد و اگر نتواند هویت خود را شکل بدهد سردرگم شده، در بحران هویت دست و پا می‌زند. چنین شخصی با وجودی که دوره‌ی نوجوانی را سپری کرده و به بزرگسالی رسیده، همچنان

تحقیقات نشان داده‌اند افراد میان‌سالی که در زاینده‌گی نمره‌ی بالا گرفتند، در مقایسه با افرادی که در زاینده‌گی نمره‌ی پایین گرفتند، به رفاه و ارزش زندگی انسان معتقد بودند و از زندگی خود راضی‌تر بوده، احساس خشنودی بیشتری می‌کردند. همچنین افرادی که در زاینده‌گی بالا بودند، در برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، نودوستی و تجربه‌پذیری از افرادی که در زاینده‌گی پایین بودند، نمره‌ی بالاتر گرفتند. اینها به احتمال بیشتری روابط اجتماعی رضایت بخش برقرار می‌کردند، به جامعه‌ی خود احساس دل‌بستگی داشتند و از لحاظ هیجانی اثبات‌تر بودند؛ در ضمن، این افراد زندگی زناشویی موفق، موفقیت بیشتر در کار و روابط دوستی بیشتری داشتند.

همان‌طور که از یک مجله انتظار می‌رود که پس از ۵۰ شماره، حرفه‌ای‌تر عمل کند، از انسانی که به ۵۰ سالگی رسیده نیز انتظار می‌رود که در ابعاد گوناگون جسمی، روانی، اجتماعی، معنوی خود به کمال نزدیک شده باشد، هویت شکل گرفته‌ای داشته باشد، از آرزوها، اهداف و علائق خود باخبر باشد، رسالت خود را یافته باشد و در راستای آن گام بردارد، بتواند پیوندهای صمیمانه‌ای برقرار کند و خود را متعلق به گروه و جامعه‌اش بداند. یک چنین فرد به اصطلاح سرد و گرم چشیده‌ای، قابل اعتماد و اتکا است برای کمک و راهنمایی به نسل جدید، نوجوانان و جوانانی که می‌خواهند فعالیت‌های تحصیلی، شغلی، اجتماعی و ارتباطی خود را شکل دهند.

جامعه‌ی کلیمی نیز کم ندارد افراد زایایی که بزرگسالی موفق‌ی دارند و توانسته‌اند از پس بحران‌های هویتی خود به سلامت گذر کنند. افرادی که تجارب موفقیت‌آمیزی در فعالیت‌های جمعی، برنامه‌ریزی، مدیریتی و اجرایی داشته‌اند و همیشه آماده و در دسترس هستند تا جوانان فعال در نهادها و سازمان‌ها را با دادن الگوی درست و تجربه‌ی اشتباهات کمتر هدایت و پشتیبانی کنند. زوج‌ها و والدینی که با مهارت‌شان نشان داده‌اند روابط سالم و فرزندپروری موفق‌ی داشته‌اند و جوانان می‌توانند با کمک گرفتن و مشورت از آنان روابط صحیح‌تری در خانواده با همسر و فرزندان خود برقرار کنند. ■

منابع

- رشد انسان: ف. فیلیپ رایس. ترجمه دکتر مهشید فروغان. انتشارات ارجمند. ۱۳۸۸
نظریه‌های شخصیت: دوان پی. شولتز و سیدنی ال شولتز. ترجمه یحیی سید محمدی. انتشارات ویرایش. ۱۳۹۶

پروازی‌ها، جاه‌طلبی‌ها، میل به سر و صدا کردن و دیده شدن پایین می‌آورد و میل به یکپارچگی با خود و خودشکوفایی را در او زنده می‌کند. بنابراین، در میان‌سالی اگر مراحل پیشین به درستی طی شده باشند، فرآیند تحقق بخشیدن به خود یا شکوفا شدن را به طور طبیعی آغاز می‌کنیم. اگر در فرآیند پیدا کردن خود واقعی و یکپارچه کردن درون و بیرون موفق بوده باشیم، در موقعیت دستیابی به سطح جدیدی از سلامتی روانی قرار می‌گیریم، موقعیتی که یونگ آن را «تفرد» نامید.

به زبان ساده، تفرد یعنی فرد شدن؛ تحقق بخشیدن به استعدادها و پرورش دادن خویشتن که به عقیده‌ی یونگ فطری است. برای رسیدن به این مرحله، ما باید به رویاهای خود گوش دهیم، خیال پردازی‌های خود را دنبال کنیم و از طریق علم، هنر یا خدمت به دیگران، خود واقعی‌مان را پیدا کنیم و بشویم آن چه که باید بشویم. چرا که شخصی که با خود واقعی و اهدافش آشنا نباشد دیگران نمی‌توانند ارتباط درست و روشنی با او داشته باشند چه برسد به این که بخواهند او را الگوی خود قرار دهند و از او راهنمایی بطلبند. در همسری کردن، در مقام پدر یا مادر یا در شغل و پیشه‌مان اگر استادیم، اگر پزشکی، وکیلیم یا تاجر، آن چه را به آن معتقدیم و باور داریم زندگی کنیم و به نسل‌های بعدی منتقل کنیم. به این صورت، درون و بیرون را یکی کرده و بین همه جنبه‌های شخصیت خود توازن برقرار می‌کنیم. به نظر اریکسون لزومی ندارد که کسی حتما پدر یا مادر باشد تا زاینده‌گی نشان دهد و داشتن فرزند نیز به طور خودکار این میل را ارضا نمی‌کند.

او معتقد بود که تمام نهادها، خواه تجاری یا دولتی، خدمات اجتماعی یا تحصیلی، فرصت‌هایی را برای ابراز زاینده‌گی فراهم می‌کنند. بنابراین در هر سازمان یا فعالیتی که مشارکت داشته باشیم، می‌توانیم راهی پیدا کنیم تا برای بهبود جامعه در سطح گسترده، مربی، معلم یا راهنمای جوانان باشیم. در صورتی که افراد میان‌سال نتوانند یا نخواهند راه خروجی برای زاینده‌گی پیدا کنند، ممکن است غرق در «رکود، بی‌حاصلی و فقر میان فردی» شوند. توصیف این مشکلات هیجانی در میان‌سالی شبیه توصیف یونگ از بحران میان‌سالی است.

پژوهش‌ها درباره‌ی مرحله‌ی هفتم رشد روانی - اجتماعی چه می‌گویند؟

ازدواج، از منظر دین یهود و روانشناسی

(بخش اول)



مهندس آیدین برفورداری
فعال اجتماعی



یکی از مراحل مهم و تاثیرگذار در مسیر زندگی هر فرد ازدواج می‌باشد. در نتیجه رسیدن به شناخت صحیحی از ازدواج می‌تواند هر فرد و خانواده‌ای را برای ساختن آینده‌ای بهتر و معقول‌تر یاری رساند. در این مطلب به بررسی چند موضوع مرتبط با ازدواج از دو دیدگاه سازنده دین یهود و روانشناسی که حاصل گفت و گوی اینجانب با حاخام صیون تهرانی کارشناس مذهبی دین یهود و خانم دوریتا معلمی کارشناس روانشناسی در حیطه ازدواج می‌باشد می‌پردازیم.

سن ازدواج

این داستان به ما آموزش می‌دهد که هر فردی در موقعیت ازدواج قرار می‌گیرد باید نگاهش به خدا باشد و از او کمک بخواهد.

در ادامه تورات می‌فرماید؛ الیعزر زمانی که به شهر می‌رسد به درگاه خدا دعا می‌خواند و از او درخواست می‌کند که «برای من خودت کسی را که شایسته و لایق خانواده ابراهیم باشد پیدا بکن».

تورات به ما آموزش می‌دهد که انسان نگاهش به خدا باشد و از خداوند بخواهد که آن کسی که قسمت من هست انسانی درستکار، با ایمان، با خانواده و دارای خصلت‌های خوب باشد.

سن ازدواج از دیدگاه یهودیت در میشنا (پیرقه آوت - فصل پنجم) بر آن است که ۱۸ سالگی شروع زمان ازدواج است و در گمارای قدوشیم این گونه بیان شده است که شخص برای آنکه ذهن و چشمش پاک باشد و عواطف، احساسات و میلش به جنس مخالف درگیر گناه نشود؛ از شروع سن ۱۸ سالگی و اوج این تمایلات پیوند ازدواج صورت گیرد.

شاید اولین موضوعی که ذهن هر خانواده و جوانی را در این رابطه مشغول می‌کند سن ازدواج باشد.

آیا رسیدن به ۱۸ سالگی و فارغ شدن از مدرسه نشانه‌ای بر رسیدن به موقعیت ازدواج است؟
آیا سن ازدواج یک بازه عددی است؟
در جوان خود چه باید ببینیم که آگاه شویم او نیز آماده ازدواج است؟

ابتدا به بررسی این موضوع از منظر سنت و دین یهود می‌پردازیم اما قبل از آن مقدمه‌ای بر امر ازدواج از زبان حاخام صیون تهرانی:

در کتاب مقدس یهودیان (تورات) در پاراشای «حیه سارا» در مورد ازدواج اسحاق و ریوفا صحبت شده است. ابراهیم از الیعزر که خدمتکار خود بود می‌خواهد تا برای فرزندش، اسحاق همسری را از خانواده‌ی خود خواستگاری کند و در این هنگام ابراهیم برای الیعزر این تفیلا و دعا را می‌کند که «خداوند در این مسیر تو را موفق کند و به تو کمک کند که در این مسیر کامیاب شوی». تورات در قالب

سلاقی یکسانی ندارند. در نتیجه الگوی گذشته برای زمان حال دیگر پاسخگو نیست. سبک زندگی افراد دیگر قابل مقایسه نیست و این تنها در جامعه ما نیست و در جوامع دیگر نیز شاهد آن هستیم و می‌توان آگاهانه و با ساز و کاری صحیح آن را جلو برد.



برای رسیدن به سن ازدواج دختر یا پسر باید به بلوغ از جنبه‌های مختلف رسیده باشند. بلوغ عقلی یکی از این موارد است؛ افرادی که نمی‌توانند برای زندگی خود برنامه و هدفی را معلوم کنند و برای تصمیم‌گیری‌های خود به بقیه نگاه می‌کنند کما اینکه دارای سن بالایی هم باشند هنوز به بلوغ عقلی برای ازدواج نرسیده‌اند.

از دیگر شرایط رسیدن به سن ازدواج رسیدن به بلوغ اجتماعی است. بلوغ اجتماعی به این معناست که فرد باید بداند چگونه در هر موقعیت اجتماعی با دیگران رفتار کند؛ باید بداند زندگی مشترک همکاری، مسئولیت‌پذیری و تعهد می‌خواهد. یکی دیگر از شرایط رسیدن به سن ازدواج، بلوغ اقتصادی است.

سن ازدواج در هر فردی چه برای دختران و چه برای پسران متفاوت است و نگاه به سن ازدواج اطرافیان و دوستان معیار اشتباهی است و باید معیار را بر مبنای موارد بیان شده قرار داد.

در آخر با توجه به موضوعیت، بخشی از سخنان حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار را در یکی از سخنرانی‌هایش بیان می‌کنم.

زمانی که میوه‌ای نوبر به بازار می‌آید اشتیاق و طراوت وجود آن با زمانی که از زمان نوبری آن مدتی بگذرد بسیار فرق می‌کند. آن میوه درست است مدتی از حضورش در بازار می‌گذرد اما باز نوبر است ولی طراوت و شادابی قبل را ندارد. ازدواج هم مانند میوه‌ای نوبر است. زمانی که به سن ازدواج می‌رسیم آن طراوت، شور و اشتیاق بسیار است و هرچه از زمان آن گذر کند مثل آن میوه نوبر طراوت و اشتیاق دارد اما نه مانند روز اولش.

هارام‌بام می‌گوید روش صحیح این است که ابتدا حرفه و یا شغلی را برای خود کسب می‌کنند؛ سپس خانه و سرپناهی را تهیه می‌کنند و در آخر ازدواج می‌کنند.

همچنین در کتوبا (تعهدنامه میان زوجین) که به هنگام ازدواج توسط آن‌ها امضا می‌شود، زوج متعهد به رعایت تهیه لباس، تهیه غذا، و تهیه مایحتاج زندگی هستند که باید اجرای تمامی آن‌ها با رعایت احترام و در شأن همسر و خانواده او باشد.

اینگونه می‌توان از دید یهود این مبحث را جمع‌بندی کرد که شروع سن ازدواج هجده سال می‌باشد اما شرط‌هایی هم وجود دارد؛ مانند: استقلال و مسئولیت‌پذیری، رسیدن به رشد عقلی و درک صحیح از زندگی مشترک، قابلیت ایجاد فضایی مناسب چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ عاطفی برای خانواده خود.

در ادامه به سن ازدواج از منظر روانشناسی به بیان خانم معلمی می‌پردازیم.

ابتدا مقدمه‌ای کوتاه از این دیدگاه: ازدواج در زمان کنونی با گذشته بسیار تفاوت کرده است و نسل جوانان کنونی با پدر و مادرهایشان یکسان نیستند. به طور مثال زمانی در ازدواج فردیت معنی نداشت و پس از ازدواج فرد الگوی خاصی را که از پدر و مادر خود یادگرفته بود همان را در زندگی خود اجرا می‌کرد و سبک زندگی افراد با هم یکسان بود و روند مشابهی از کار، تحصیل و معاشرت به خود اختصاص می‌دادند. اما در حال حاضر انسان‌ها به صورت فردی کاملاً با هم متفاوت شده‌اند به صورتی که می‌بینیم در یک خانواده دو فرزند با یکدیگر دیدگاه‌ها و

روند معاشرت

اما موضوع بعدی که قطعاً بیان آن باعث آگاهی بهتر از مسیر ازدواج می‌باشد، روند معاشرت است.

نحوه صحیح آشنایی دختر و پسر، مدت زمان آشنایی و نحوه معاشرت در این دوران چگونه باید باشد؟ ابتدا به بررسی این موضوع از منظر سنت یهود توسط حاخام تهرانی می‌پردازیم.

صحیح آن است این آشنایی با هدف ازدواج با مشورت و هم صحبتی با خانواده باشد. در متون دینی در رابطه با روند معاشرت، بر شناخت بهتر اخلاقی و رفتاری و یافتن خصوصیات خوب میان دو نفر بسیار تاکید شده است.

در ادامه پاراشای حیه سارا زمانی که الیعزر در کنار چاه آب منتظر دختری به نام ریوقا بوده است که برای اسحاق قصد خواستگاری از او را داشت، با مشاهده او به زیبایی‌های ظاهری آن توجه نمی‌کند بلکه کمک ریوقا به خود و یارانش را در نظر می‌گیرد و این عمل را زمینه‌ای بر خوب بودن ریوقا می‌داند.

معاشرت قبل از ازدواج باید برای شناخت و سنجش قابل قبول و نه کاملی از هم باشد اما چهار اصل در شناخت متقابل در زندگی مشترک اهمیت دارد. اول گذشت، دوم صبر، سوم احترام و چهارم عشق.

درست است به هنگام معاشرت شاید حس شود برخی رفتارها تصنعی باشد اما این را باید در نظر گرفت هیچ کس کامل نیست و دارای ضعف‌هایی می‌باشد و باید برای پوشاندن و رفع آن به یکدیگر کمک کرد و برای ایجاد رفاه و آرامش در زندگی مشترک نیاز به سعی و تلاش است.

در ادامه به بررسی این موضوع از منظر روانشناسی به بیان خانم معلمی می‌پردازیم.

روند معاشرت دارای اصول علمی است و ربطی به تفاوت فرهنگ‌ها ندارد.

روند معاشرت میان دختر و پسر در طی بازه زمانی حداقل ۶ ماه باید انجام گیرد و این بازه تنها جهت بیان سلیق فردی و خوش‌گذرانی نیست بلکه بازه‌ای است برای بیان سوالاتی که جهت تشکیل زندگی مشترک در آینده

بسیار مهم است و باید نظر طرف مقابل را در رابطه با این سرفصل‌ها بدانیم.

روانشناسی بر این باور است در بازه زمانی حداقل ۶ ماه و حداکثر ۱ سال معاشرت، اگر هر یک از طرفین نقابی بر رفتار و اعمال خود گذاشته باشند خواه یا ناخواه مشهود خواهد شد. به طور مثال در جواب این پرسش که «به هنگام عصبانیت تو چه کاری انجام می‌دهی؟» همواره با جواب مثبتی چون «با گفت و گو مشکلم را حل خواهم کرد.» و یا «با صبوری سعی بر رفع مشکل خواهم کرد.» رو به رو می‌شویم.

این فرد اگر خلاف رفتارش پاسخ داده باشد؛ پس از ۵ الی ۶ ماه حفظ رفتار به هنگام عصبانیت دیگر نمی‌تواند رفتاری مطابق با جواب خود داشته باشد.

مشاوره پیش از ازدواج می‌تواند بسیار به روند معاشرت دختر و پسر کمک کند و آن‌ها را راهنمایی کند که چه موضوعاتی را باید برای ازدواج در نظر بگیرند و چه سوالاتی را بایستی از طرف مقابل خود برای شناخت صحیح و بهتر بپرسند.

سوالاتی همچون: «دوست داری بعد از ازدواج اوقات فراغتت را چگونه بگذرونی؟»

«فکر کردی نحوه تربیت فرزندت به چه صورتی باشه؟»

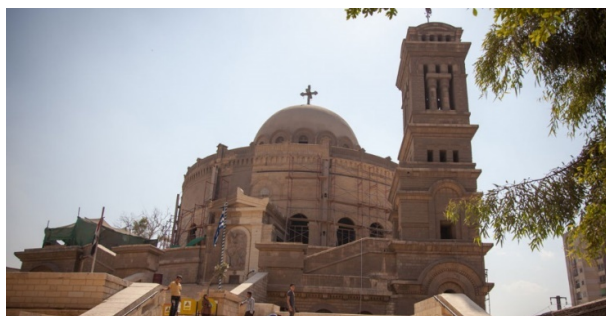
«بعد ازدواج با شاغل بودن خانمت مشکلی نداری؟»
«به این موضوع فکر کردی پس از ازدواج در رابطه با مسائل مالی چگونه تصمیم بگیریم؟»

و این مسائلی است که شاید تا قبل از ازدواج به آن فکر نشود اما بسیار مهم است. بنابر این روند معاشرت دوره‌ای بسیار مهم است که مؤکداً هیچ یک از اعضای خانواده نباید درباره آن حتی به نزدیک‌ترین افراد برای حفظ حریم خصوصی و امنیت دختر و یا پسر خود و جلوگیری از نظرات دیگران به کسی توضیح و یا تعریفی کنند. تنها این پدر و مادر هستند که نظارت بر روند معاشرت دارند که مشاوره پیش از ازدواج فارغ از هر دین و عقیده‌ای بسیار می‌تواند به این مسیر کمک کند. (ادامه دارد)

قدیمی ترین کنیساهای قاره آفریقا

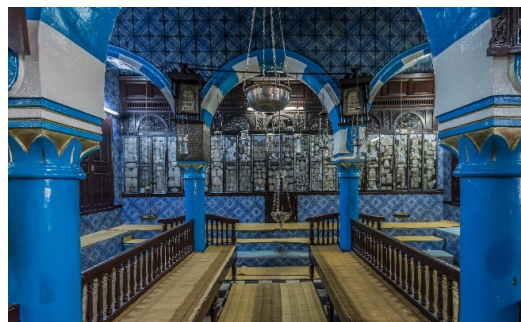
کارشناس ارشد الکترونیک

کنیсай بن عزرا از قدیمی ترین کنیساهای جهان می باشد. این کنیسا در قرن ۹ میلادی در شهر قاهره در کشور مصر بنا شده و از آن زمان به عنوان محل عبادت برای جامعه یهودی مصر استفاده گردیده است. ساختمان اصلی در حدود سال ۱۰۱۲ میلادی پس از فروپاشی خلافت فاطمی، به دستور الحاکم بامرالله مورد تخریب قرار گرفت (این امر برای تمام معابد یهودیان و مسیحیان قابل اجرا بود). کنیсай مذکور بین سال های ۱۰۲۵ تا ۱۰۴۰ مورد بازسازی قرار گرفت و پس از آن در دهه ۱۸۹۰ به طور کامل بازسازی گردید. امروزه همانند اکثر کنیساهای مصر، کنیсай بن عزرا نیز به عنوان موزه و مکانی برای جاذبه گردشگران مورد استفاده قرار می گیرد.



Ben Ezra Synagogue (El-Geniza Synagogue)

کنیسا ال قریبا در روستای یهودی نشین هارا سقیرا در جزیره دجریا واقع در کشور تونس بنا شده است و از کهن ترین کنیساهای این کشور می باشد (اعتقاد بر آن است که سال ساخت این بنا به ۱۹۰۰ سال گذشته باز می گردد). کل جمعیت یهودی این منطقه در روز شبات برای عبادت به کنیسا آمده و گرد هم جمع می شوند. نام «ال قریبا» به معنی «شگفت انگیز» یا «عجیب» در زبان عربی است و نشان دهنده موقعیت ویژه کنیسا در سنت یهودیان تونس می باشد. در اواخر قرن نوزدهم زمانی که این منطقه تحت حکومت استعمار فرانسه بود، این کنیسا توسط یک کمیته مستقل اداره می شد. درآمد ناشی از زیارت و اجاره زمین ها و مغازه های متعلق به کنیسا صرف امور خیریه برای ساکنان سالخورده یهودی این منطقه و همچنین صرف نگهداری محوطه های محلی کنیسا و محققان تورات شده است.



El Ghriba Synagogue

کنیسیای اسلات ابن شیف در زلیتن در کشور لیبی به تاریخ ۱۰۶۰ میلادی ساخته شد. در زمان حکومت عثمانی، ساختمان این بنا گسترش یافت و به مکانی برای زیارت و مطالعه زوهر تبدیل گردید. این کنیسا در سال ۱۸۶۸ توسط مسلمانان ناراضی سوزانده شد و در سال ۱۸۷۰ به دستور پادشاه عثمانی بازسازی گردید. در سال ۱۹۱۲ در زمانی که طرابلس تحت حکومت ایتالیا قرار داشت نیز به صورت تصادفی بنای این کنیسا را حریق در بر گرفت و در سالهای بعد دوباره بازسازی گردید. متأسفانه بنای کنیسیای مذکور در حدود سال‌های ۱۹۸۰ تحت فرمان معمر قذافی تخریب گردید و یک مجتمع آپارتمانی جایگزین آن گردید.



Slat AbnShaif Synagogue

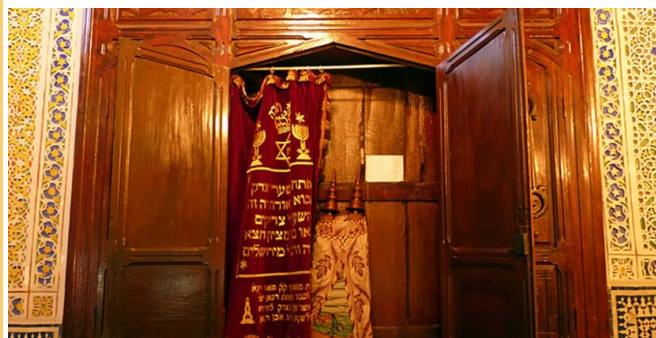
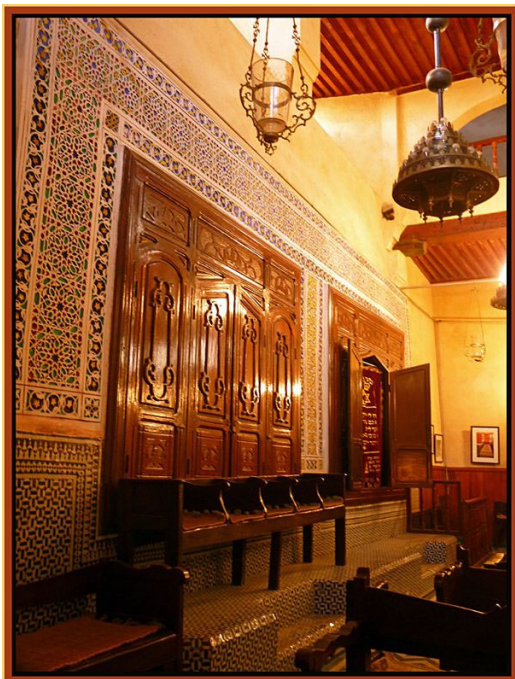
کنیسیای الیاهو هناوی در شهر اسکندریه در کشور مصر واقع شده است. این بنا در سال ۱۳۵۴ میلادی توسط فرانسوی‌ها ساخته شده و متأسفانه در سال ۱۷۹۸ بمباران و در سال ۱۸۵۰ توسط معمار ایتالیایی بازسازی گردید. این کنیسا دارای ۱۳ ستون و معماری داخلی زیبا و فرش‌های نفیسی می‌باشد. این مکان گنجایش ۷۰۰ نمازگزار را دارد، که البته در حال حاضر جمعیت یهودیان اسکندریه شامل ۱۰ عضو سالخورده می‌باشد. در سال ۲۰۱۷ وزارت میراث فرهنگی و باستانی مصر هزینه بالایی را جهت مرمت و بازسازی این بنا صرف نمود. برای یهودیان مصری که در سراسر جهان زندگی می‌کنند، کنیسیای الیاهو هناوی به عنوان نشانه‌ای از میراث جامعه یهودیت محسوب می‌شود.





Eliyahu Hanavi synagogue

کنیسای ابن دانان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین کنیساها در شمال آفریقا می‌باشد. این کنیسا در اواسط قرن هفدهم میلادی در منطقه فیز مراکش ساخته شده و متعلق به یک خانواده یهودی ثروتمند و برجسته مراکشی بوده است و در اواخر قرن نوزدهم به شکل فعلی خود بازسازی گردید. سالهاست که این بنا به طور فزاینده‌ای رو به فرسودگی است و نیاز فوری به حفاظت دارد. جوامع یهودی در منطقه فیز و کازابلانکا تلاش کردند که این بنا را به عنوان بخش اساسی از میراث فرهنگی و تاریخی یهودیت در مراکش حفظ کنند. در نهایت، نوسازی این بنا با کمک‌های مالی از سازمان‌های خصوصی و دولتی مانند دولت مراکش و فرزندان خانواده ابن دان انجام شد و مراسم افتتاحیه آن در ماه می ۱۹۹۹ میلادی برگزار گردید. کنیسای مذکور به دلیل فقدان یهودیان در این منطقه، به عنوان یک بنای تاریخی در فیز پابرجاست.



Ibn Danan Synagogue

منابع

<https://www.bh.org.il>
<https://www.reuters.com>
<http://archive.diarna.org>
<https://www.wmf.org>



فروش مشغول می‌گردند به طوری که این کاروانسرا به نام ایشان معروف می‌گردد.

اولین خبر در مورد کلیمیان اراک مربوط به حدود سال‌های ۱۲۷۲ و ۱۲۷۳ شمسی می‌گردد و آن مربوط است به نزاعی که بین مسلمانان و کلیمیان در بازار رخ می‌دهد. مرحوم ابراهیم دهگان در کتاب «کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک» مشروح آن را بازگو نموده است.

از این واقعه - که حدود ۸۰ سال پس از تأسیس شهر اراک اتفاق افتاده است - می‌توان نتیجه گرفت که سال‌ها پیش از این، اقلیت کلیمی در این شهر سکونت داشته و جزو اولین گروه‌های مهاجر به این شهر هستند که از مناطق یهودنشین اطراف مانند سنجان و همچنین شهرهای خمین، گلپایگان و کاشان به این شهر مهاجرت نموده‌اند.

جمعیت کلیمیان اراک

همان‌گونه که ذکر شد آمار دقیقی از اولین کلیمیان اراک در دست نیست ولی با توجه به وجود یهودیان در روستای «سنجان» اراک و اخبار مربوط به درگیر مسلمانان و کلیمیان در حدود سال ۱۲۷۳ شمسی (۱۳۱۲ قمری) می‌توان نتیجه گرفت که یهودیان، از اولین اقلیت‌های ساکن در شهر اراک بوده‌اند و تقریباً در پنجاه سال اول تأسیس شهر، به این شهر مهاجرت کرده‌اند.

در سال ۱۳۲۸ شمسی از کلیمیان اراک جهت انتخاب نماینده در مجلس شورای ملی، رأی‌گیری به عمل می‌آید که در رأی‌گیری ۴۷۶ برگ تعرفه توزیع می‌گردد (نامه عراق، شماره ۱۲۷۵، ۱۳۲۸/۱۲/۲۹) که با احتساب تقریبی جمعیتی که شرایط رأی دادن نداشته‌اند، می‌توان گفت که بیش از هزار نفر کلیمی در این شهر سکونت داشته‌اند.

رضا وکیلی طباطبایی تبریزی که در حدود سال‌های ۱۳۳۴ در شهر اراک حضور داشته است، می‌نویسد:

اوضاع یهودیان در اراک

تنظیم: نسترن جاذب

کلیمیان در اراک

اطلاعات دقیقی از اولین حضور کلیمیان در شهر اراک در دسترس نیست. برخی اعتقاد دارند: «تعدادی یهودی در اوایل تأسیس قلعه سلطان‌آباد در سال ۱۲۳۱ ه.ق. در روستایی به نام دستجرده زندگی می‌کردند تا این که پس از اتمام بنای قلعه سلطان‌آباد توسط یوسف خان گرجی آنها را به داخل قلعه آوردند و علت انتقال آنها هم این بود که اکثریت قریب به اتفاق آنان تاجر، دکتر و داروساز بودند» (روابط عمومی فرمانداری سربند، اقلیت‌های مذهبی در شهرهای اراک و شازند، سال ۱۳۷۰). مصاحبه به عمل آمده با برخی کلیمیان، حاکی از آن است که تعدادی از یهودیان، در گذشته از گلپایگان، کاشان و همدان به اراک مهاجرت کرده‌اند.

برخی معتقدند که یهودیان در دوره سلطنت ناصرالدین شاه به اراک مهاجرت نموده‌اند: «معمربین از پدران خود، چنین به یاد دارند. در دوران سلطنت پنجاه ساله ناصری که مملکت به آرامشی نسبی رسید و تاخت و تاز اقوام دیگر به مرزهای ایران کاهش یافت و جاده‌ها امن گردید، سلطان‌آباد نیز به برکت این آرامش از رونق اقتصادی خوبی برخوردار بود و حکام محلی، به خصوص برادر امیرکبیر (میرزا حسن خان)، مستوفی ممالک و نمایندگان او با رعایا و مردم خوش رفتاری می‌کردند. این امر باعث شده بود که ۸۵ خانوار یهودی از «سه ده»، «سنجان» و سایر نقاط به سلطان‌آباد مهاجرت کنند. اینان در شمال شرقی «گذر سپهداری» در ضلع شرقی «خیابان محسنی» محل‌های احداث نموده و در آن سکونت داشتند».

کلیمیان اراک، در محله قلعه (خیابان محسنی) ساکن بوده‌اند و برای آنکه از گزند و تعرض، در امان باشند خود را تحت حمایت «حاج آقا محسن عراقی» از ملاکین و مجتهدین بزرگ آن روز قرار می‌دهند و چندی بعد در همین محله کنیسه‌ای بنا می‌نمایند و از آنجا که اکثر آنها به کسب و کار و تجارت مشغول بودند کاروانسرای از موقوفات حاج آقا محسن اجاره نموده و در آنجا به تجارت و خرید و

خانواده اسحاق، فرزند ربیع که مادرش کم و بیش بیماری‌های ساده را درمان می‌کرد. خانواده یونس که اطلاعات طبی داشته و بیماری‌هایی چون سرماخوردگی، سیاه زخم و امثال آن را مداوا می‌کرد.

«از دهه ۱۳۴۰ پزشکان دانشگاه دیده به تدریج در این شهر خدمت کرده‌اند که می‌توان به نام‌های دکتر مرادیان، دکتر وحدت، دکتر فامیلی، دکتر صفوتی، دکتر نصرتی، دکتر داودی و دکتر سلیمانی اشاره کرد» (انجمن کلیمیان ایران، دستنویس، سال ۱۳۷۹) که برخی مقبولیت عام یافتند به طوری که در مجلس ترحیم دکتر مرادیان در سال ۱۳۷۷، بسیاری از مردم، پزشکان اراک و حتی روحانیون شهر شرکت داشته و در بزرگداشت او - که در مسجد حاج تقیخان اراک برگزار گردید - وعاظ، سخنرانان و شعرا به ایراد سخن پرداختند.

جزوه «اقلیت‌های مذهبی در شهرهای اراک و شازند» نیز در مورد مشاغل کلیمیان می‌نویسد:

«از دیگر مشاغلی که یهودیان اراک بدان اشتغال داشتند پارچه فروشی (بزازی) و خرازی می‌باشد که تا قبل از سال ۱۳۷۰ افراد ذیل در بازار اراک به این شغل می‌پرداخته‌اند. دانیال مرادیان، دانیال آقائیان، نصرت اله ربانی، نجات اله ماخانی، افلاطون ماخانی، باباجان مرادیان، موسی نیسانی، احسان ربانی.» (روابط عمومی فرمانداری سرپند، اقلیت مذهبی در شهرهای اراک و شازند، ۱۳۷۷). شکر اله مرادیان، موسی شیرازی و حبیب گبایی نیز از دیگر کلیمیانی هستند که به بزازی اشتغال داشته‌اند.

«شغل یهودیان بیشتر تجارت و فروش پارچه بود...» (کندی، مهدی، راه دانش ۱۳ و ۱۴، ۹۷).

فرهنگ و آموزش

در اسناد موجود، مدرسه‌ای خاص کلیمیان ثبت نشده و به این ترتیب، احتمالاً کودکان کلیمی، خط عبری را بیشتر توسط والدین و مابقی علوم را در مدارس موجود شهر تعلیم می‌دیده‌اند. طبق گزارش انجمن کلیمیان «در دهه ۱۳۳۰ آموزشگاه شبانه و همچنین در ایام تابستان کلاس‌های روزانه جهت تدریس دروس شرعیه و زبان عبری دایر بود که این کلاس‌ها تا حدود سال ۱۳۴۷ ادامه داشته است.» (انجمن کلیمیان ایران، دستنویس، سال ۱۳۷۹)

همچنین به جز یک کنیسا که محل ادای فرایض مذهبی آنان بوده، مکان فرهنگی دیگری در شهر نداشته‌اند.

«از ملت یهود و بنی‌اسرائیل در شهر کلیه زیادتر از شصت نفر و معدودی خانوار نمی‌شود. کارشان دلالی و طبابت قدیمی است. ملا ابراهیم خان عالم آن گروه است.» (وکیلی طباطبایی تبریزی، رضا، تاریخ عراق (اراک)، ۴۰۰) که البته این آمار با توجه به رأی‌گیری و آمار سال ۱۳۴۵ که در ادامه می‌آید، صحیح به نظر نمی‌رسد.

«در اولین سرشماری که در سال ۱۳۳۵ انجام می‌گیرد کل کلیمیان ایران ۶۵۲۳۲ نفر برآورد می‌گردد. در استان مرکزی به مرکزیت تهران در این سرشماری ۳۵۹۴۲ نفر یهودی ساکن بوده‌اند.

در دومین سرشماری که در سال ۱۳۴۵ انجام می‌گیرد در شهرستان اراک ۲۷۳ نفر از کلیمیان ساکن بوده‌اند.» (سازمان برنامه و بودجه استان مرکزی، آمارنامه استان مرکزی، سال ۱۳۵۰، ۱۷)

«طی سرشماری سال ۱۳۵۵، جمعیت کلیمیان استان مرکزی به مرکزیت تهران ۴۴۵۵۴ نفر برآورده گردیده است. براساس همین سرشماری جمعیت شهر اراک ۱۱۶۸۳۲ نفر و مشتمل بر ۲۴۴۹۳ خانوار بوده است که ۰/۴ درصد آن را پیروان ادیان دیگر تشکیل می‌دهد است.» (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۵۵، شماره ۱۶۳، ژ)

در سرشماری سال ۱۳۶۵ جمعیت کلیمیان ایران ۲۶۳۵۴ نفر برآورد شده است که در شهرستان اراک ۴۳ نفر (۲۰ مرد و ۲۳ زن)، خمین ۲۱ نفر، ساوه ۱ نفر، سرپند ۲ نفر و محلات ۲ نفر مرد ساکن بوده‌اند. در سرشماری سال ۱۳۷۵ کل جمعیت کلیمیان استان مرکزی ۱۳ نفر اعلام می‌گردد که همگی در شهر اراک ساکن و شامل ۵ مرد و ۸ زن بوده‌اند. این امر نشان دهنده مهاجرت اکثر یهودیان از این استان می‌باشد.

شغل کلیمیان

از جمله مشاغلی که کلیمیان اراک بدان می‌پرداخته‌اند طبابت بوده است. البته اینان غالباً به روش تجربی و سنتی به مداوای بیماران می‌پرداخته‌اند.

بسیاری از مردم جهت مداوای امراض خود به پزشکان یهودی مراجعه می‌نموده‌اند و بعضی از پزشکان آنها از احترام خاصی برخوردار بوده‌اند، از جمله خانواده دکتر الهی، دکتر یحیی، میرزا شکراله یهودی، حکیم موسی طبیبیان و برخی خانواده‌های یهودی ساکن در سنجان اراک که عبارت بودند از:

محبوبیت وسیعی که در بین عامه مردم داشت اقلیت‌ها و به خصوص کلیمیان به وی علاقمند گشته و محب وی گردند. آقا نورالدین در قسمتی از منظوم‌های که زندگی خود را شرح می‌دهد آورده است:

«در تمام مدت ریاست خود با همه مردم مواسات می‌کردم و همه مردم را از کوچک و بزرگ حمایت می‌نمودم. خدای را شاهد می‌گیرم که آنچه گفتم از روی خودخواهی و نظایر آن نبوده است.»

کتاب نورالباقی درباره ارتباط آقا نورالدین با کلیمیان می‌نویسد:

«قبل از آقا نورالدین (ره) مردم، یهودی‌ها را آزار می‌دادند و گاهی برخوردهای زیانبار و اسفزا از مسلمین سر می‌زد که به قداست اسلام در انظار دیگران لطمه می‌زد. اما با اقامت آقا نورالدین در اراک، آن هم در محله یهودی‌ها که نشانگر پناهندگی یهودی‌ها به آن وجود مقدس بود، دیگر کسی جرئت نمی‌کرد که به آنها توهین یا آزار و اذیت نماید. از این رو هنگام ارتحال جگرسوزش یهودیان، تورات به دست، سیلی به صورت نواختند و قطرات اشک در رثایش چون ابر بهاری جاری می‌ساختند و مسیحیان در کنار مسلمانان، صلیب به دست، با اهل اسلام ابراز همدردی و تأثر می‌کردند» (نعیمی، داود، نورالباقی فی کرامات آقا نور الدین عراقی، ۴۸)

از دیگر موارد قابل ذکر، احداث حمامی برای اقلیت‌ها توسط «حاج محمد ابراهیم خوانساری» از تجار شهر اراک و پدر همسر آیت اله العظمی حائری (ره) و آیت اله العظمی اراکی (ره) است.

در کتاب شرح احوال آیت اله العظمی اراکی (ره) آمده است: «ایشان در آغاز به صنعت و حرفه قاشق چوبی‌سازی اشتغال داشته و سپس به تجارت فرش مشغول شده بود... آب انبار و حمام مردانه و زنانه ساخته و برای این که اهل کتاب (یهودی‌ها) به حمام مسلمین نیایند و ضمناً در زحمت هم نباشند حمامی هم جداگانه برای آنها ساخته بود که این گواه بینش صحیح و روشنفکری اوست و تاریخ اتمام بنای آب انبار و حمام‌ها به سال ۱۲۹۰ می‌باشد.» (استادی، رضا، شرح احوال حضرت آیت اله العظمی اراکی (ره)، ۲۴)

تفصیل این موضوع در جای دیگری بدین شرح آمده است: «این گروه (یهودیان) از تأسیسات و امکانات شهری نظیر گورستان، مدرسه و ... برخوردار بودند اما حمامی به

در عرصه هنر نیز به جز دایر کردن عکاسخانه از کلیمیان اثری مشاهده نگردیده به طوری که حتی سنگ قبرهای ایشان نیز توسط سنگ‌تراشان مسلمان، ساخته می‌شده است و نام و نشان سنگ‌تراش بر برخی قبور حک شده است. در مورد دایر کردن عکاس‌خانه نشریه یادداشت جوان می‌نویسد: «در سال‌های بین ۳۹ - ۱۳۳۴ عکاس‌خانه‌های دیگری به مجموعه عکاس‌خانه‌های اراک افزوده شد از جمله: عکاسی وینتور و عکاسی میترا، که گردانندگان این دو عکاسی یهودیان بودند... در آن زمان عکاسی میترا در خیابان شهربانی قدیم واقع شده بود.» (اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مرکزی، بولتن یادداشت جوان، تاریخ عکاسی اراک از گذشته تا امروز، شماره ۱، ۴)

رابطه مسلمانان و یهودیان

رابطه مسلمانان و اهالی اراک با اقلیت کلیمی را باید با توجه به افشار موجود در شهر، جداگانه بررسی کرد. رابطه مردم با این اقلیت برخاسته از نگرش عوام نسبت به یهود بوده و از آزار آنها ابایی نداشته‌اند. ولی عالمان و خواص، عمدتاً با مواسات و رأفت اسلامی با آنها برخورد می‌کرده‌اند به طوری که از همان ابتدا همانگونه که ذکر شد، یهودیان خود را تحت حمایت و درکف آیت اله حاجی آقا محسن عراقی قرار داده و با حمایت وی در بازار اراک به اشتغال و امرار معاش مشغول بوده‌اند. در شرح احوال آیت اله حاج آقا محسن می‌خوانیم: «در زمان حیات مرحوم آقای حاجی آقا محسن تعداد زیادی کلیمی و ارمنی در عراق [اراک] زندگی می‌کرده‌اند و معظم له همیشه نهایت سعی را مبذول می‌داشته‌اند از هرگونه ظلم و ستم و زورگویی نسبت به اقلیت‌ها جلوگیری شود و اگر برای بعضی از افراد کلیمی یا مسیحی ناراحتی در اراک پیش می‌آمد برای رفع گرفتاری به مرحوم آقا متوسل می‌شدند و در همه اوقات می‌توانسته‌اند خدمت ایشان آمده و تظلم و شکایت نمایند. وجود معظم له موجبات آسایش خاطر این اقلیت‌ها را فراهم و آقا را پشتیبانی برای خود می‌دانستند.» (خاکباز، علی اکبر، خاندان محسنی اراکی، ۹۳). از سوی دیگر محل سکونت کلیمیان اراک، در کوی سکونت عالم بزرگوار حضرت آیت اله آقا نورالدین اراکی در محله قلعه قرار داشته است. در واقع با سکونت در کوچه آقا نورالدین به نوعی ضمن برخورداری از حمایت‌های ایشان، از گزند عوام مصون می‌ماندند. محبت و اخلاق حسنه آقا نورالدین باعث گردیده بود که علاوه بر

خیابان فتح شیاکوه ضلع شمالی زمین فوتبال و ضلع غربی خانه معلم اراک بوده که اکنون جهت احداث پارک (بوستان) از سوی شهرداری تخریب گردیده است.

بنا به اظهارات انجمن کلیمیان، زمین قبرستان موقوفه بوده و سند آن از طرف حاج آقا محسن وقف قبرستان کلیمیان گردیده بود. اخیراً دیوارهای این گورستان خراب شده اما نما و قبرهای آن (تا ابتدای سال ۱۳۷۹- سال تخریب گورستان) کماکان مشهود و سالم بود ولی طبق توافقی که بین نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای اسلامی شهر اراک در پائیز ۱۳۷۸ صورت گرفت، زمین این قبرستان به منظور احداث پارک به شهرداری واگذار شده است. از آنجا که متون و نقوش این قبور، اطلاعات مفیدی جهت شناخت تاریخچه این اقلیت در شهر اراک در اختیار می‌گذارد به بررسی آن می‌پردازیم:

اکثر سنگ قبرهای آن دارای ستاره ۶ پر (ستاره داوود) بوده و به خط عبری نگاشته شده است. تعداد زیادی نیز قبر در محل فوق‌الذکر از یهودیان می‌باشد که آثار و علائمی ندارند. با توجه به مشاهدات به عمل آمده، قدیمی‌ترین قبر دارای تاریخ، متعلق به میرزا نوراله هاشم‌زاده متوفی به سال ۱۳۰۳ می‌باشد که خط سنگ قبر عبری و در حواشی سنگ به خط فارسی تاریخ و نام متوفی را نوشته‌اند.

بعضی از کلیمی‌ها اصل و نسب در گلپایگان داشته‌اند و از آن شهر به اراک مهاجرت کرده‌اند. اکثر سنگ قبرها دارای نقش ستاره داوود در قسمت سر و همچنین چند سطر به خط عبری است. با توجه به محتوای سنگ قبرهای دیگر این گورستان، می‌توان دریافت که این اقلیت از کاشان نیز به اراک مهاجرت کرده بودند.

یهودیان [اراک] معمولاً بیشتر روزهای سه‌شنبه به زیارت قبور می‌روند. همچنین یهودیان سنجان نزدیک پل سنجان روبروی چهار طاق قبرستانی داشته‌اند که اکنون متروک است. (گزارش کتبی یکی از کارشناسان سازمان میراث فرهنگی استان مرکزی). ■

منبع

گزیده‌ای از کلیمیان اراک که در فصلنامه تحقیقات فرهنگی - هنری استان مرکزی (راه دانش - شماره ۸ - پائیز و زمستان ۱۳۷۷) به چاپ رسیده است.

پیشینه تاریخی کلیمیان اراک:

<http://markaziportal.ir/>

آنها اختصاص نداشت. بزرگان اقلیت‌ها به مرحوم حاج آقا محمد ابراهیم خوانساری و مراجع و علمای شهر متوسل شدند و چنین عنوان داشتند که اقلیت‌های صاحب کتاب، در بلاد مسلمین تحت حمایت آنان و حکومت اسلام قرار دارند و حاکم شرع متعهد حفظ جان، مال و ناموس و حمایت از آنهاست. حاج محمد ابراهیم خوانساری برای حل مشکل اقلیت‌ها پیشقدم شد تا حامی بسازد که همه مردم و اقلیت‌ها با رعایت مسائل شرعی به راحتی از آن استفاده کنند و این بنا یادگاری از نحوه رفتار مسلمانان ایرانی با اقلیت‌های مذهبی باشد. پس دستور داد در زمین مقابل قلعه خود حمام چهار فصل را به نام چهار دین رسمی بسازند.» (کندی، مهدی، راه دانش ۱۳ و ۱۴، ۹۸)

کنیسی کلیمیان اراک

این کنیسه در خیابان محسنی، حدود ۱۰۰ متر پایین‌تر از چهار سوق، نبش کوچه مدرسه سپهداری، روبروی کوچه آقا نورالدین قرار داشته و ساختمان آن قدیمی بوده است. سال بنای آن دقیقاً مشخص نیست ولی به نظر می‌رسد در همان اوان حضور ایشان در شهر ساخته شده است. در جزوه «اقلیت‌های دینی در شهرهای اراک و شازند» آمده است:

«مساحت بنا حدود ۲۶۰ متر مربع دارای دو طبقه بوده است که کلیمیان قبلاً مراسم مذهبی خود را در شب‌های شنبه و صبح شنبه به سرپرستی باباجان مرادی در این مکان برگزار می‌نموده‌اند. این بنا در بمباران جنگ تحمیلی آسیب می‌بیند که به دلایلی از جمله هزینه‌های مالی و قلت کلیمیان که تعدادشان به حد نصاب جهت برگزاری نماز جماعت نمی‌رسد، مرمت نمی‌گردد.» (روابط عمومی فرمانداری شازند، اقلیت‌های مذهبی در شهرهای اراک و شازند، ۱۳۷۰)

بنا به اطلاعات ارائه شده از سوی انجمن کلیمیان، سرپرستی نمازها را تا قبل از سال ۱۳۴۶ مرجع دینی کلیمیان اراک حاخام رحمت اله نجاتی و بعد از آن باباجان مرادیان به عهده داشته‌اند و در این کنیسه اقامه نماز می‌کرده‌اند.

این کنیسه، به دلیل عقب‌نشینی خیابان محسنی کاملاً تخریب شده و اکنون در قسمت باقیمانده مغازه‌هایی ساخته شده است. یهودیان در محل بازار سنجان نیز کنیسه‌ای داشته‌اند که اکنون تخلیه و تبدیل به مسجد شده است.

گورستان کلیمیان اراک

گورستان کلیمیان زمینی محصور به چهار دیوار در

گذری بر تاریخچه کنیساهای تهران

کنیسای دروازه دولت و مجتمع آموزشی روحی شاد (بخش پایانی)

مهندس مهران ملک

کارشناس معماری



پیش احساس شده است. (من باب مثال مدارس اتحاد در مجاورت کنیسای اتحاد واقع در محدوده میدان بهارستان، مدارس کوروش در مجاورت کنیسای کوروش واقع در خیابان شیخ هادی، مدرسه راه دانش در مجاورت کنیسای راه دانش واقع در خیابان یوسف آباد، مدارس موسی بن عمران در مجاورت کنیسای ابریشمی واقع در خیابان فلسطین شمالی و مدرسه اتفاق در مجاورت کنیسای اتفاق واقع در خیابان انقلاب اسلامی).

ساخت مدرسه روحی شاد

از نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ خورشیدی که جمعیت کلیمیان منطقه دروازه دولت (محدوده خیابان‌های انقلاب و سعدی جنوبی) و همچنین منطقه دروازه شمیران بیش از پیش رو به فزونی گذاشت و به تبع آن جمعیت دانش‌آموزی کلیمیان نیز افزایش چشم‌گیری پیدا نمود، قاعدتاً وجود یک مکان استاندارد آموزشی جهت بهره‌برداری فرزندان و نونهالان

همانگونه که پیشتر ذکر شد، مرحوم جناب حاخام اوریل داویدی، مرجع فقید کلیمیان ایران از اواسط دهه ۱۳۳۰ خورشیدی به کنیسای دروازه دولت رفت و آمد نموده و در زمان‌های مشخص به سخنرانی‌های مذهبی برای کلیمیان مبادرت نموده و همچنین به آموزش تورات و مفاهیم معنوی آن به فرزندان و نونهالان جامعه کلیمی همت گماردند. ایشان جزو نخستین افرادی بودند که لزوم تأسیس یک مدرسه را جهت امور آموزشی جامعه به صورت رسمی در اوایل حضور خود در کنیسای دروازه دولت به گوش مسئولین کنیسا و نیز بزرگان جامعه و اعضای انجمن کلیمیان وقت تهران رساندند.

با بررسی کوتاه و اجمالی در تاریخچه سکونت کلیمیان در مناطق مختلف تهران می‌توان دریافت که قاعدتاً در هر نقطه و منطقه‌ای از تهران که نفوس جمعیتی همکیشان در آنجا از مناطق دیگر بیشتر بوده است، مسلماً نیاز به احداث یک مکان آموزشی در مجاورت کنیسای آن منطقه بیش از

جامعه کلیمی بیشتر از قبل احساس گردید.

در طول جلسات و نشست‌های متعدد (اواسط دهه ۱۳۳۰) تصمیم بر آن شد که آخرین فاز زمین کلیمی به نام حاج حق نظر تهرانی خریداری و به ملک مذکور محلق گردیده بود و حدود ۴۵۰ مترمربع مساحت داشت و جزو قسمت شرقی زمین مورد نظر بود، به ساخت یک ساختمان آموزشی اختصاص داده شود، البته ساختمان مذکور در ابتدا فقط در یک طبقه و (فقط مقطع آموزشی دبستان) و در قسمت شمالی زمین فوق‌الذکر احداث گردیده و بخش جنوبی آن نیز به زمین بازی و حیاط مدرسه اختصاص یافت و مدرسه روحی شاد در مهرماه ۱۳۳۷ خورشیدی مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

قابل ذکر است که مدرسه روحی شاد از اواخر دهه ۱۳۳۰ تا سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۴۰ خورشیدی فقط در دوره کلاس‌های ابتدایی یعنی اول دبستان تا ششم ابتدایی قدیم فعالیت می‌کرد اما با تغییراتی که بعدها در نظام آموزشی کشور رخ داد و افزوده شدن دوره سه ساله راهنمایی به نظام آموزشی، احساس نیاز به کلاس‌های بیشتری در مدرسه احساس گردید و بعدها به تدریج طبقه دوم نیز با ۶ کلاس به ساختمان مدرسه افزوده گردیده و ظرفیت آن به لحاظ جمعیت دانش‌آموزی به مراتب نسبت به قبل بیشتر شد.

پس از انقلاب در طول ۴ دهه گذشته مجتمع آموزشی روحی شاد، در چندین مورد به صورت جهشی پیشرفت‌های موثری را تجربه نموده است، به خصوص که از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ به بعد که آقایان ایوبی، بادینلو و علوی، مدیریت مدرسه را برعهده داشته‌اند، آموزش‌ها در حد توانایی پایه‌ها جدول‌بندی شده و به تربیت بدنی (ورزش) بهای بیشتری داده شده و به صورت کلاسه شده به اجرا در می‌آید. لازم به ذکر است که مدرسه روحی شاد ۴ سال به طور متوالی تا سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ از سوی اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران به عنوان واحد آموزشی نمونه برگزیده شده است.

امکانات مجتمع آموزشی روحی شاد در حال حاضر

از سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ با هماهنگی کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران و اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۲، سیستم کامپیوتری مدرسه به روز شده است. در سال‌های اخیر امکانات آموزشی مجتمع روحی شاد بهبود یافته است، از جمله تجهیز کتابخانه، آزمایشگاه، اتاق کامپیوتر و سمعی بصری جهت آموزش و استفاده بیشتر دانش‌آموزان و تعمیر و بازسازی اساسی سالن کنیسی واقع در طبقه همکف مدرسه.

یادی از مؤسسين و افراد زحمتکش و مؤثر

شادروان جناب خاخم اوریل داویدی مرجع فقیه مذهبی کلیمیان ایران، بانی کنیسی دروازه دولت حاج حق نظر تهرانی، دکتر درویش، آقای کیدی، آقای شناسا، برادران یادگار، آقای بنونی، آقای مصابند، آقای آشرشالوم، آقای شالوم شمولیان، آقای قالیچی، آقایان عسگرزاده و عبدالله صدیق پور، آقای بنفشه، آقای الیاهو، آقای سعیدیان، آقای موسی میرآخور، آقای حاج میرزا عبدالله داورپناه.

در خاتمه لازم است که از فرد فرد عزیزانی که در تهیه و نگارش این مقاله یاری‌گر بنده بوده‌اند کمال تشکر و قدردانی را بنمایم. هارون یشایایی، یوسف درشانی و مهندس لئون داورپناه (مسئولین کنیسی دروازه دولت)، مادر عزیزم (شمسی صوفر با سابقه ۱۶ سال تدریس دروس تاریخ و ادبیات فارسی در مدرسه روحی شاد)، همسرم (آرزو اصفهانی با سابقه ۱۱ سال تدریس درس عبری پایه سوم دبستان مدرسه روحی شاد)، حمیدرضا بادینلو (مدیریت سابق مجتمع آموزشی روحی شاد)، عادل رحیمی (معاونت مدرسه)، ایلن میشاعلیان (مسئول انجمن اولیا و مربیان مدرسه روحی شاد). ■

منبع

سیرتحوالات ادیان مختلف در مشرق زمین، تألیف: دکتر عبدالحسین کیایی دیالمه

آشنایی با مشاهیر یهود جهان

ریتا لوی مونتالچینی

نیوشتا پایاب



ریتا لوی مونتالچینی در ۲۲ آوریل سال ۱۹۰۹ میلادی، در شهر تورین و در یک خانواده‌ی متمول یهودی ایتالیایی متولد شد. در دوران جوانی علاقه‌ی خاصی به نویسندگی داشت و دوست داشت این حرفه را دنبال کند. اما با توصیه‌های مادرش و همچنین مشاهده مرگ یکی از نزدیکانش که به خاطر بیماری سرطان فوت کرده بود، تصمیم گرفت در رشته‌ی پزشکی به تحصیل بپردازد. وی بعد از پایان دوره‌ی دبیرستان، وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تورین شد. در زمان تحصیل با استاد عصب شناس، دکتر جوزپه لوی آشنا شد که سهم بسزایی در گرایش ریتا مونتالچینی به رشته عصب شناسی داشت.

وی در سال ۱۹۳۶م. موفق شد مدرک دکترای پزشکی خود را دریافت کند و بعد از آن به‌عنوان دستیار، همراه با جوزپه لوی به تحقیق در خصوص سیستم‌های عصبی پرداخت. سال ۱۹۳۸م. بنیتو موسیلینی رهبر وقت ایتالیا طی قانونی، یهودیان این کشور را از تحصیل و کار بازداشت و به همین خاطر، ریتا مونتالچینی که از یک خانواده یهودی بود با مشکل مواجه شد. در آن دوران و تا پایان جنگ جهانی دوم، ریتا مونتالچینی به تحقیق در آزمایشگاه خانگی خود می‌پرداخت. بعد از پایان جنگ جهانی دوم، ریتا مجدداً به محیط دانشگاهی بازگشت و سال ۱۹۴۶ دوره تحقیقاتی را در دانشگاه واشینگتن آمریکا پذیرفت و حدود یک سال را در آنجا به تحقیق پرداخت.

مباران متفقین در جریان جنگ جهانی دوم او را مجبور کرد که تورین را ترک کند و به حومه شهر بگریزد و در آنجا آزمایشگاه کوچکی برای خود درست کرد. او پس از تهاجم آلمان به ایتالیا به فلورانس گریخت و به زندگی

مخفی روی آورد و پس از جنگ به شهر سنت لوئیس در آمریکا رفت تا در دانشگاه واشینگتن کار کند و در آنجا بود که کشف‌های راهگشایش را درباره «عامل رشد عصبی» انجام داد. او در سال ۱۹۷۵ یک واحد پژوهشی را در رم پایتخت ایتالیا بنیان نهاد و در همان سال به عنوان نخستین زن به عضویت کامل آکادمی علوم واتیکان درآمد. او جایزه‌های متعددی را برای مشارکت‌هایش در پژوهش‌های علمی و پزشکی دریافت کرد.

بعد از پایان این دوره، ریتا تصمیم گرفت در آمریکا بماند و در دانشگاه‌های این کشور به تحقیق بپردازد. وی مهم‌ترین دستاورد خود، یعنی عامل رشد عصبی را در همین دوران به همراه همکارش استنلی کوهن کشف کرد. این عامل یکی از عوامل رشد با ساختاری پروتئینی است که عامل اصلی در رشد سلول‌های عصبی در موجودات زنده به حساب می‌آید و این کشف باعث شد سوالات بسیاری که



پروتئین ضروری برای رشد، ثبات و بقای نورون‌ها در سیستم اعصاب جنینی تا سال ۱۹۸۶ چندان شناخته شده نبود اما پس از اینکه مونتالچینی و همکارش برای کشف آن موفق به دریافت جایزه نوبل پزشکی شدند به تدریج مطرح شد. مونتالچینی تا آخرین لحظات توسعه کشف خود را در موسسه تحقیقات مغز اروپا که خود آن را در شهر رم پایه‌گذاری کرده است، دنبال می‌کرده است. در حقیقت تحقیقات او تاثیر بسزایی بر روی تحقیقاتی داشت که در حال شناسایی بیماری‌های مختلف از قبیل سرطان، پارکینسون و آلزایمر بودند.

چهره او کاملاً در ایتالیا شناخته‌شده شده بود و در دوران نخست‌وزیری به عنوان روشنفکری مورد احترام و ستایش تصویری مخالف با تصویر زنانی که از چهره و جنسیت‌شان برای موفقیت استفاده می‌کنند، ارائه کرد. ریتا مونتالچینی برنده مشترک جایزه نوبل پزشکی و سناتور مادام‌العمر ایتالیایی، تا پایان عمر به تحقیقات خود در خصوص سیستم‌های عصبی ادامه داد و سرانجام در تاریخ ۳۰ دسامبر سال ۲۰۱۲ میلادی در سن ۱۰۳ سالگی دیده از جهان فروبست. ■

منابع

1. www.Zoomit.ir
2. hamshahrionline.ir
3. <https://fa.wikiquote.org>

در خصوص چگونگی شکل‌گیری و رشد سلول‌های عصبی وجود داشت، پاسخ داده شود. ریتا مونتالچینی به خاطر این کشف به همراه استنلی کوهن جایزه‌ی نوبل پزشکی سال ۱۹۸۶ را کسب کرد.

او دو روز پس از آخرین سالگرد تولدش در یادداشتی در فیس‌بوکش نوشت مهم است که انسان در زندگی تسلیم نشود و به دام پذیرش میانماییگی و انفعال نیفتد. پس از جنگ او دعوت دانشگاه واشنگتن را برای یک ترم تحقیق پذیرفت و برای سه دهه در این دانشگاه باقی ماند و به مطالعه بر روی عوامل رشد عصب ادامه داد.

وی در سال ۲۰۰۱ به خاطر مطالعات و فعالیت و دفاع از حقوق مدنی ملقب به «نماینده زندگی» شد. مونتالچینی موسسه تحقیقات مغز اروپا را در سال ۲۰۰۵ و در سن ۹۶ سالگی پایه‌گذاری کرد. او بارها و بارها در مصاحبه‌هایش گفته است: «من از مرگ واهمه‌ای ندارم، مهم‌ترین نکته پیامی است که از خودت به جا می‌گذاری و این یعنی جاودانگی!»

پژوهش‌های او به درمان آسیب‌های طناب نخاعی و درک بهتر بیماری‌های قلبی-عروقی، آلزایمر و بیماری‌هایی مانند زوال عقل و اوتیسم یاری رساند.

مونتالچینی می‌گوید: گنجایش ذهنی امروز من بیشتر از گنجایش ذهنی است که در سن ۲۰ سالگی داشتم زیرا اکنون مملو از تجربیات است.

ریتا لوی مونتالچینی، مسن‌ترین برنده جایزه نوبل تاریخ است که صد و سومین سالگرد تولدش را جشن گرفته است و عده‌ای او را عاملی می‌دانند که توانسته از راز زندگی جاودان، پرده بردارد.

این احتمال وجود دارد که راز طول عمر این برنده نوبل داروی غیرعادی باشد که هر روز به شکل قطره چشمی دریافت می‌کند، دارویی که عامل رشد اعصاب بوده و توسط خود مونتالچینی در ژوئن ۱۹۵۱ در لابراتوار دانشگاه واشنگتن کشف شده است.



آتوسا آرمین
مترجم

پوگروم، غنا‌های بر جنایاتی از یاد رفته (بخش پایانی)

جنگ جهانی اول و انقلاب بلشویکی

با سرکوب شورش ناراضیان در سال ۱۹۰۵ دامنه پوگروم‌ها نیز محدود شد و پس از آن برای مدتی آزار و اذیت سازمان یافته علیه یهودیان ثبت نشده است. تحمل خشونت و آزار و نفی مالکیت برای چندین دهه شوق یهودیان را برای ترک روسیه و مهاجرت به آمریکا و فلسطین افزایش داد ولی با رسا شدن صدای انقلاب بلشویکی، که نوید دهنده‌ی برابری قومی و اجتماعی در تمامی عرصه‌ها بوده، موج مهاجرت فرونشست و بسیاری از اندیشمندان و روشنفکران جامعه یهود جذب حزب کمونیست شدند. در سال‌های پایانی حکومت تزاری وضعیت امنیتی بدتر شد. برای مقابله با تهدید رو به افزایش قدرت بلشویک‌ها، تزار نیکلای دوم اقدامات سختگیرانه‌تری نسبت به جامعه یهود وضع کرد. چنانچه اشاره شد نخبگان و اندیشمندان یهودی تصور می‌کردند که با برکناری حکومت تزاری، محدودیت‌های تحمیلی بر جامعه‌شان برطرف می‌شود از این رو پس از عضویت در حزب کمونیست به سبب تسلط بر مباحث نظری کمونیسم به رده‌های بالای حزب راه می‌یافتند. از سرشناس‌ترین این افراد می‌توان از لئون تروتسکی نفر دوم حزب و دست راست لینین نام برد. بنابراین قابل درک است که از دید تزار، جامعه‌ی یهود روسیه در تقابل مستقیم با اقتدارش بودند و درصدد قلع و قمع آن برآمده باشد. در سال‌های پیش از ۱۹۱۷ میلادی بخش اعظم جمعیت یهودیان از روسیه تبعید شدند و آنها که ماندند بر اثر قحطی و جنگ از بین رفتند.

با پیروزی انقلاب بلشویکی در سال ۱۹۱۷ قوانین ضد یهود ملغی و دستورالعمل سکنا‌ی یهودیان در مناطق خاص

تحت عنوان پال^۱ نیز منتفی شد. با این وجود سیاست تساهل و تسامح موعود حزب کمونیست دیری نپایید و بار دیگر آتش خشم توده‌های محروم و سرخورده از انقلاب دامنگیر یهودیان شد. خونبارترین تهاجمات در اوکراین انجام شد و چنانچه دیوید چاپین در مشاهدات خود ثبت کرده شدت این خشونت‌ها تا به قدرت رسیدن نازی‌ها و هولوکاست بی‌سابقه بوده است. تسلط ارتش روسیه سفید که از مخالفان انقلاب و متشکل از سران ارتش تزاری و اشراف لهستانی بود بر منطقه غرب روسیه و اوکراین یکی از دلایل شدت یافتن آزار و اذیت یهودیان در این مناطق بود. در زمان جنگ‌های داخلی اوکراین در سال ۱۹۱۹ قسمت اعظم جمعیت یهودیان مورد تهاجم قرار گرفتند. بسیاری از مردان و کودکان به قتل رسیدند و از بسیاری زنان هتک حرمت شد. تا پایان گرفتن جنگ داخلی روسیه، یهودیان در مناطقی که صحنه رویارویی ارتش سرخ و ارتش سفید بود از سوی هر دو طرف متخاصم مورد آزار قرار گرفتند. تا پایان گرفتن جنگ داخلی در سال ۱۹۲۱ قتل، شکنجه، چپاول اموال و هتک حرمت یهودیان در سراسر خاک این کشور ادامه داشت. اگرچه در بسیاری موارد سران ارتش سفید و سرخ انجام چنین اعمالی را مصداق جنایت جنگی اعلام و عوامل اجرای آن را مجازات (چند مورد اعدام) کردند، ولی متأسفانه از دامنه و شدت خشونت‌ها کاسته نشد.

اگر چه نقش تأثیرات ایدئولوژیک در وقوع چنین جنایاتی انکارناپذیر است ولی علت عمده آن را باید در رنگ باختن اقتدار حکومت مرکزی دانست. از سوی دیگر تحمل جنگ، فقر و خشونت برای مدت طولانی، حس دیگر دوستی و

^۱ - pale of settlement : قلمروی اسکان نامی برای منطقه‌ای بود که اجازه اقامت دائم یهودیان در آن توسط امپراطوری روسیه داده شده بود. اقامت دائم یهودیان خارج از این محدوده به طور کلی ممنوع شده بود.

بعدها تاریخ پژوهان مستقل تعداد قربانیان را بسیار بیشتر اعلام کردند. خانه‌ها و مغازه‌ها با پتک تخریب شدند و ۲۷۶ کنیسا و ۷۰۰۰ محل کسب در این مناطق به طور کامل غیر قابل استفاده شدند. وقوع چنین جنایتی پیش چشم مقامات انتظامی عده زیادی از یهودیان این مناطق را به جلای وطن و به جای گذاشتن دارایی خود در آلمان ترغیب کرد. ظرف مدت ۱۰ ماه پس از شب شیشه‌های شکسته تعداد ۱۱۵ هزار نفر به دیگر کشورهای اروپایی، ایالات متحده و فلسطین مهاجرت کردند و جالب توجه این که ۱۴ هزار نفر هم به سوی شرق و به مقصد شانگهای روانه شدند. لازم به ذکر است که بر مبنای شواهد تاریخی غالب آلمانی‌ها با اعمال خشونت و تخریب اموال یهودیان مخالف بودند ولی جرات مقاومت در مقابل نیروهای شبه نظامی را نداشتند. علیرغم پروپاگاندای حکومتی که افکار ضدیهود را حسی ملی و متعلق به تمامی ملت آلمان می‌دانست، بر اساس آمار سال ۱۹۳۸، مدت کوتاهی پس از واقعه مذکور ۶۳ درصد اعضای حزب نازی از این عمل ابراز ناخشنودی کردند و تنها ۵ درصد افراد با انجام چنین اعمالی موافق بودند.

جنگ جهانی دوم

متأسفانه شدت جنایاتی که در طول جنگ جهانی دوم و در محدوده جغرافیایی وسیعی از شرق و غرب اروپا بر یهودیان اعمال شد به حدی عظیم است که فصلی مجزا در تاریخ پوگروم را به خود اختصاص داده است، هولوکاست. تاکنون مقالات گوناگون و جامعی درباره هولوکاست در مجله «بینا» منتشر شده و اینجا سخن تازه‌ای نمی‌توان به آن افزود.

سال‌های پس از جنگ جهانی دوم

پوگروم تریپولی در سال ۱۹۴۵ خشن‌ترین رفتار یهودی ستیزانه در شمال آفریقا به‌شمار می‌آید. از ۵ تا ۷ نوامبر این سال در چندین شهر منطقه تحت حفاظت ارتش انگلستان در لیبی بیش از ۱۴۰ نفر به قتل رسیدند. واکنش ارتش انگلیس در کنترل این شورش‌ها منفعلانه و کند بود. به اعتقاد برخی مورخین تأخیر عمدی حاکمان انگلیس جهت القای این تصور در عامه مردم بود که استقلال طلبان توان برقراری امنیت را ندارند. با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم شیاعی مبنی بر واگذاری اختیارات تریپولی به دولت ایتالیا بر سر زبان‌ها افتاد. تصور ادامه تسلط استعماری اروپایی‌ها بر این کشور و بر باد رفتن رویای استقلال، احساسات وطن

عواطف انسانی را در میان توده‌های مردم ضعیف کرده بود و اینان که چندین نسل خود طعمه آزار و ظلم و چپاول بودند، عقده‌های فروخته را بر سر یهودیان بی‌دفاع تلافی می‌کردند. وقایع یاد شده تا وقوع شب شیشه‌های شکسته یا کریستال ناخت در نوامبر ۱۹۳۸ عمده آزار یهودیان را به خود اختصاص می‌دهند.

مورد دیگر قابل ذکر پوگروم پرژیتیک^۲ به سال ۱۹۳۶ در لهستان می‌باشد. طبق گزارش برخی منابع شورش پرژیتیک دو یهودی کشته و ۲۰ نفر زخمی شدند. از طرف مقابل هم یک کشته و تعداد زیادی زخمی بجا مانده است. نکته‌ای که این واقعه را متمایز کرده پیگیری پلیس لهستان در مجازات عاملین لهستانی آن است. تاریخ‌نگاران هر دو سو تقصیر را متوجه هر دو طرف می‌دانند. نکته‌ای که در زمان خود هیچ مقام مطلعی به آن اذعان نکرد بجز روزنامه یهودی «داور» چاپ فلسطین که شعله ورشدن آتش خشونت را به یهودیان نسبت داد.

با وجود آنکه پوگروم زابیده شرایط خاص مثل جنگ و انقلاب و قحطی بود، خاطره آن در حافظه جمعی و تاریخی یهودیان شرق اروپا بسیار نهادینه و برجسته است. چنان که هرگونه شایعه‌ای در خصوص تکرار آن سبب برآشفته شدن و ایجاد وحشت آنان تا اواخر قرن بیستم می‌شده است. موج مهاجرت یهودیان مسکو و سن‌پترزبورگ در سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ برآمده از شایعاتی از این دست است.

شب شیشه‌های شکسته

خونبارترین پوگروم مابین دو جنگ جهانی که به شب شیشه‌های شکسته یا «کریستال ناخت» شناخته می‌شود در شب‌های ۹ و ۱۰ نوامبر ۱۹۳۸ در سراسر آلمان نازی که شامل اتریش و سوئدن‌لند امروزی هم می‌شد صورت گرفت. در این شب شبه نظامیان اس/آ به خانه‌ها، مغازه‌ها، کنیسه‌ها و ساختمان‌هایی که متعلق به یهودیان بود حمله کردند، شیشه‌ها را شکستند و ساختمان‌ها را به آتش کشیدند. به مامورین انتظامی دستور عدم مداخله داده شده بود و آتش‌نشان‌ها هم دستور داشتند که فقط از سرایت آتش به ساختمان‌های مجاور جلوگیری کنند. گزارش‌ها حاکی از کشته شدن ۹۱ یهودی در این دو شب بود ولی

در روز شنبه ۲۷ اکتبر ۲۰۱۸ خونبارترین حمله به جامعه یهود آمریکا به شمار می‌رود. این حمله یازده کشته و ۷ زخمی بر جای گذاشت. دادگاه رابرت بائر متهم این حمله در جریان است. سابقه اقدامات یهودی‌ستیزانه در ایالات متحده به تهدید و ارعاب موردی یا هتک حرمت آرامگاه‌ها و وارد ساختن خسارات جزیی به اموال یهودیان خلاصه می‌شود.

پوگروم غیر یهودیان

چنانچه گفته شد لفظ پوگروم کاربردی عمومی دارد و در ادامه به معروف‌ترین پوگروم‌هایی که بر غیر یهودیان اعمال شده اشاره می‌کنیم:

سال ۱۹۰۹ در ولایت آدانا ترکیه عثمانی در پی سال‌ها منازعه بین عثمانی‌ها و ارامنه ۳۰۰۰۰ ارمنی به قتل رسیدند. ۶ سال پس از آن نیز تحت یک کشتار سازمان یافته ۱ و نیم میلیون ارمنی به‌دست حکومت عثمانی به قتل رسیدند که در تاریخ به هولوکاست ارامنه موسوم است.

واژه پوگروم همچنین در موارد زیر هم به کار رفته است: خشونت مرگبار علیه صرب‌های سارایوو در سال ۱۹۱۴، قتل عام ۱۲ هزار مسلمان در آذربایجان به سال ۱۹۱۸، قتل ۳۰۰ آمریکایی سیاهپوست در تولسای ایالت اوکلاهای آمریکا در ۱۹۲۱، ۲۴۰ کروات کاتولیک در بوسنی در سال ۱۹۴۱، ۳۰ یونانی ساکن استانبول ترکیه در ۱۹۵۵ و نسل‌کشی مسلمانان بوسنی در سربرنیکا با هدف پاکسازی قومی از ۱۱ تا ۱۳ جولای ۱۹۹۵ با ۸۳۷۲ کشته و هتک حرمت و شکنجه ده‌ها هزار نفر. ■



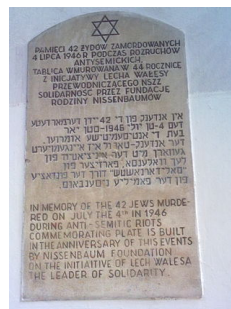
آرامگاه کشته شدگان سربرنیکا

منابع

- ۱- YIVO Archhival Resources
- ۲- AICE Jewish Virtual Library
- ۳- Politico Magazine
- ۴- Wikipedia

پرستانه اهالی را به‌جوش آورد و آتش خشمی کور دامنگیر جامعه یهود این مناطق شد. بروز این حادثه بهانه‌ای محکم به‌دست آژانس یهود داد تا بین سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ بخش اعظم یهودیان لیبی، مصر و عراق را به مهاجرت به کشور تازه تاسیس اسرائیل ترغیب کند.

پوگروم کیلیچ^۳ در لهستان از صبح ۴ جولای ۱۹۴۶ آغاز و در شامگاه همان روز به پایان رسید. منابع تاریخی تعداد کشته شدگان را بین ۳۸ تا ۴۲ نفر و ۴۰ نفر مجروح اعلام کرده‌اند. دادگاه انتظامی ۹ نفر از حمله‌کنندگان را به



پلاک نصب شده در شهر کیلیچ در یادبود قربانیان به‌دست لئخ والسا- سال ۱۹۹۰

اقدام محکوم کرد. برخی صاحب‌نظران تاریخ با تکیه بر شواهد و مدارک معتقدند که طراحی این حملات از سوی ارتش سرخ و با هدف بی‌اعتبار و بدنام کردن نیروهای ضدکمونیست لهستان بوده است.

پوگروم حلب

در سوریه در دسامبر ۱۹۴۷ در پی رای سازمان ملل به استقلال اسرائیل انجام شد. این واقعه ۷۵ نفر کشته و صدها زخمی به‌جای گذاشت و موج مهاجرت یهودیان منطقه را ، که ریشه‌های چندهزار ساله در آن داشتند، به‌دنبال داشت.

حمله به کنیسای درخت زندگی در پیتزبورگ آمریکا



یادبود قربانیان در مقابل کنیسای درخت زندگی

³ Kiehce

جربه؛ جزیره‌ی صلح

نوشته دانیل لی برگرفته از سایت کانورسیشن



مقامات امنیتی از افزایش قابل توجه جمعیت شرکت‌کننده خبر دادند و براساس اعلام برگزارکنندگان، پنج هزار یهودی از خارج از تونس به جزیره جربه آمدند.

اما هنوز این آمار، با آمار سال‌های پیش از ۲۰۰۲ که حمله‌ای مرگبار در جربه روی نداده بود، فاصله دارد. در سال‌های پیش از ۲۰۰۲، حدود هشت هزار یهودی برای شرکت در مراسم مذهبی‌شان به جربه می‌آمدند. اما حمله انتحاری سال ۲۰۰۲ که مسئولیت آن از سوی القاعده بر عهده گرفته شد، ۲۱ کشته برجای گذاشت که اغلب این قربانیان، شهروندان آلمان بودند. این حمله و سپس حملات دیگری در الجزایر و مراکش، شوک‌هایی را به جامعه یهودی شمال آفریقا وارد کرد. همچنین حوادث سال ۲۰۱۱ که منجر به انقلاب تونس و تحولات سیاسی پس از آن شد و سپس، چند حمله تروریستی در خاک تونس، بر ناامنی‌ها

امسال هزاران یهودی به جزیره جربه^۱ در ساحل شرقی تونس رفتند تا در مراسم سالانه عید مذهبی «لگ باعومر» شرکت کنند. حضور این تعداد یهودی در جایی که یکی از قدیمی‌ترین اجتماع یهودیان در جهان زندگی می‌کند، نشان دهنده بازگشت امنیت به این منطقه، پس از سال‌ها تنش و نگرانی است و تابستانی پررونق از نظر صنعت توریسم را نوید می‌دهد.

همچنین مراسم امسال اهمیت دیگری نیز داشت: این برای اولین بار از سال ۱۹۸۷ بود که مراسم مذهبی یهودیان با ماه رمضان مسلمانان مصادف شده بود. مراسم امسال در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱ و ۲ خرداد برگزار شد و

^۱Djerba



که مسلمانان سالیان سال، فقط تماشاگر این مراسم بودند، اما مدتی است که نوعی احساس مالکیت نسبت به این مراسم در آنان ایجاد شده است. انگیزه‌های حضور این تعداد از مسلمانان در این مراسم نیز متفاوت است. برخی برای ایمان مذهبی خود به این کنیسه می‌آیند، برخی دیگر نیز با نشان دادن میزان مداراگری و تسامح خود، دست به عملی سیاسی و اجتماعی می‌زنند؛ آن هم در سرزمینی که مسلمانان و یهودیان پیوندی کهن دارند. یهودیان تونس فراموش نمی‌کنند که محرز بن خلف معروف به سیدی محرز، یکی از رهبران معنوی مسلمان تونس در قرن یازدهم میلادی چگونه از آنان حمایت کرد.

پیشینه کنیسه جربه و اهمیت زیارت آن

یهودیانی که به زیارت کنیسه جربه می‌آیند، در واقع یاد یکی از بزرگان یهودیت را که در تلمود نامش ذکر شده، گرامی می‌دارند: ربی شیمعون بریوحای، از عرفای بزرگ یهود. عید «لگ باعومر» که هر سال در سی و سومین روز



در این کشور افزود. با این حال، دولت تونس تلاش می‌کند با برقراری مجدد امنیت به ویژه برای اقلیت یهودی این کشور، اعتماد جهانیان را به خود جلب کند.

امسال رونی طرابلسی، وزیر گردشگری تونس که خود یهودی و از برگزارکنندگان پیشین این مراسم است، به کنیسه جربه رفت. او که پسر متولی کنیسه جربه است، در ماه نوامبر گذشته به عنوان اولین تونسی یهودی از زمان زمامداری حبیب بورقیبه تاکنون به مقام وزارت در تونس رسید. انتخاب نمادین چنین فردی برای مقام وزارت، پیشگامی تونس را در میان کشورهای عربی مسلمان در زمینه رعایت حقوق دموکراتیک مردم نشان می‌دهد. همچنین در نشان دادن تونس به جهانیان، به عنوان کشوری امن برای اقلیت‌ها و گردشگران مؤثر است.

علاوه بر او، یوسف شاهد نخست‌وزیر تونس، نیز در سفری اعلام نشده در جمع یهودیان جربه حضور یافت. همچنین حضور دیپلمات‌ها و برخی از چهره‌های فرهنگی و نیز رهبران مذهبی از کشورهایی چون بریتانیا، فرانسه و هلند بر اهمیت مراسم امسال افزوده بود.

بیشتر زائران جربه را یهودیان فرانسوی تشکیل می‌دهند، که اغلب آنان یا پدران و مادرشان، خود زمانی در تونس یا دیگر کشورهای شمال آفریقا زندگی می‌کردند.

زیارت کنیسه جربه، یکی از عناصر هویتی یهودیان تونس است که اکنون فقط ۱۵۰۰ نفر از آنان در سراسر این کشور باقی مانده‌اند و اکثریت آنان در جربه زندگی می‌کنند. این در حالی است که پیش از استقلال تونس در ۱۹۵۶، تعداد یهودیان این کشور به ۱۰۰ هزار نفر می‌رسید.

امسال مقامات مذهبی مسلمان جربه نیز برای افطار به کنیسه این جزیره آمدند تا همراه با یهودیان روزه خود را بکشایند. اما فقط رهبران مسلمان نیستند که در مراسم مذهبی یهودیان در جربه شرکت می‌کنند.

دومینیک جراسه، یکی از نویسندگان کتابی درباره کنیسه‌های تونس، می‌گوید که از بیست سال پیش، سال به سال تعداد مسلمانانی که در این مراسم حضور می‌یابند، افزایش می‌یابد. این مورخ که خود نیز یهودی است می‌گوید



در مراسم جشن لگ باعومر، زائران با روشن کردن شمع و خواندن دعا به زبان عبری به نیایش می‌پردازند. همچنین رسم است که روی تخم‌مرغ‌هایی، آرزوهایی نوشته و در چاله‌ای در کنیسه قرار داده می‌شود. حضور و عدم مهاجرت یهودیان جربه موجب شده که این مردمان بومی، آداب و رسوم قدیمی این جزیره را حفظ کنند. اما این رسوم و فرهنگ یهودی فقط به جربه خلاصه نمی‌شود. یهودیان تونس که اکثریت آنان سفارادی هستند، آداب و رسوم ویژه‌ای دارند که آنان را از دیگر یهودیان متمایز می‌کند.

پیشینه یهودیت در تونس

پیشینه حضور آیین یهودیت در تونس به بیش از دو هزار سال پیش باز می‌گردد، زمانی که تونس با ورود موجی از مهاجران روبه رو شد و بخش مهمی از بربرها با گرویدن به یهودیت، جامعه یهودی بربر را در شمال آفریقا تشکیل دادند. این جامعه کم کم رو به گسترش بود تا اینکه امپراتوری روم شرقی مانعی بر سر راه این گسترش شد. پس از ورود مسلمانان به تونس، یهودیت در این کشور تا حدودی از آزادی نسبی برخوردار بود و حتی دوره‌هایی از

عومر برابر با هجدهم ماه ایار (تقویم یهودیت) برگزار می‌شود، سالروز درگذشت ربی شیمعون بریوحای، مؤلف کتاب «زوهر» است که تفسیری عرفانی بر تورات به شمار می‌رود. او حدود دو هزار سال پیش زندگی می‌کرد. اما همزمان با بزرگداشت این عارف بزرگ یهودیت، یاد ربی مئیر، یکی از مدرسان ممتاز شریعت یهود (تنائیم) در سده دوم میلادی نیز در جربه گرامی داشته می‌شود. ربی مئیر که اهل شمال آفریقا بود از مفسران زوهر است.

همچنین در کنیسه جربه که در سال ۵۸۶ پیش از میلاد ساخته شده، یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های تورات نگهداری می‌شود. این کنیسه از قرن نوزدهم، زمانی که تونس مستعمره فرانسه شد، تاکنون زیر نظر یک کمیسیون اداری مستقل مدیریت می‌شود.

به غیر از کنیسه اصلی جربه که معروف‌ترین کنیسه تونس پس از کنیسه پایتخت است، ۱۰ کنیسه دیگر نیز در جزیره جربه وجود دارد. پیشتر جشن لگ باعومر در کنیسه‌های دیگر جزیره هم برگزار می‌شد، اما در سال‌های اخیر به دلایل امنیتی این مراسم محدود به همان کنیسه جربه شده که در روستای الحاره در وسط جزیره واقع است.



از دهه ۱۹۵۰، موج مهاجرت گسترده یهودیان تونس آغاز شد. به طوری که کمتر از نیم قرن، تعداد یهودیان تونس را به یک صدم کاهش داد و تعداد یهودیان پایتخت نشین کمتر از یهودیان جزیره کوچک جربه شد. اما اکنون پس از دهه‌ها دوری و تبعید، برخی از آنان به تنهایی یا همراه با فرزندان‌شان به بهانه شرکت در جشن لگ باعومر به وطنشان باز می‌گردند. در واقع آنان با بازگشت خود به جربه، پیام صلح را از این جزیره کوچک در جنوب مدیترانه به دیگر نقاط کره زمین می‌فرستند. ■

شکوفایی را پشت سر گذاشت، زیرا اسلام دو دین ابراهیمی پیش از خود را به رسمیت شناخته بود.

برخی از مورخان معتقدند که یهودیان تونس در دوره‌های حکومت اقلیبیان و فاطمیان در شمال آفریقا، یکی از بهترین دوره‌های خود را داشته، به طوری که یهودیان وارد دستگاه خلافت اسلامی شده بودند و اموری چون خزانه‌داری و اخذ مالیات را بر عهده گرفتند. شهر قیروان که پایتخت سلسله اقلیبیان در قرن نهم بود، مهم‌ترین جامعه یهودیان شمال آفریقا را در خود جای داده بود. این اقلیت مذهبی نقش مهمی نیز در انتقال دستاوردهای فرهنگی و آموزشی و روشنفکری از دیگر نقاط جهان به تونس داشت. به عنوان نمونه، اسحاق بن سلیمان اسرائیلی، یکی از پزشکان و فیلسوفان بزرگ آن زمان، یهودی بود و به عنوان پزشک مخصوص زیاده‌الله سوم، آخرین خلیفه اقلیبیان و سپس عبیدالله المهدی، اولین خلیفه فاطمیان فعالیت می‌کرد.

با این حال یهودیت در شمال آفریقا و همچنین اسپانیا در جنوب اروپا تاریخ پرفراز و نشیبی را به خود دیده است. پس از یک دوره اخراج یهودیان از شمال آفریقا در قرن چهاردهم و اخراج یهودیان از اسپانیا در قرن پانزدهم، با تصرف تونس از سوی اسپانیایی‌ها در ۱۵۳۵، بسیاری از آنان زندانی شدند یا برای بردگی به دیگر کشورهای مسیحی فرستاده شدند.

با پیروزی امپراطوری عثمانی بر اسپانیایی‌ها در سال ۱۵۷۴، تونس تحت سیطره امپراطور عثمانی قرار گرفت و به تدریج برخی از یهودیانی که به جاهای دیگر مثل ایتالیا که از راه دریا، فاصله اندکی با تونس دارد، رفته بودند، به این کشور بازگشتند.

در قرن نوزدهم میلادی، با ورود فرانسوی‌ها به تونس وضعیت یهودیان بهبود یافت و در سال ۱۸۸۳ بقایای یک کنیسه متعلق به قرن سوم یا چهارم میلادی در شهر ساحلی حمام الأنف کشف شد. اما یک قرن بعد، نازی‌ها و متحدانشان به تونس آمدند و در جریان جنگ جهانی دوم، زندگی یهودیان این کشور نیز به خطر افتاد.

منبع

theconversation.com/how-tunisia-is-trying-to-resurrect-a-jewish-pilgrimage-to-the-island-of-djerba-117481



به پنجاه رسید این شماره ...

(همن دلرمیم)

تو هستی دکتري بس بي تكبر
خدا حفظت كند مرد گران دُر

تو ای دكتر **منوچهر الياسی**
سلام و درودی و چند سپاسی
چه در جبهه چه در خانه پيران
چه بیمارستان دكتر سپيران
كنی خدمت به خلق با جان و با دل
خدا نگهدارت، ای شخص فاضل

تو ای خانم **عراقی**، سردبیری
عزیز و پاک و خوش قلب و صبوری
میان جامعه دُر گرانی
بسی سالها كنی تو زندگانی
بُود نشریهات پر از مطالب
چه از اخبار، چه از علوم جالب
رسیده عمر بینایت به بیست سال
همه هستند زكار تو خوشحال

تشكر زمسئولين و سردبیرها
سیامک و همایون و رفیعها
ز **فرهاد** و این مهندس **آبایی**
شوند خوشبخت تر از لطف الهی
مُحقق و مدرسی، آرش جان
ز آثار تو شویم دلشاد و خندان

تو ای **جاذب** بسی تو محبوب هستی
چه خوب در تایپ بینا ماهر هستی
همه گوئیم خانم جاذب «رحیمی»
عزیز و خوش قلب، بسی صمیمی

كلامی گوئیم از مهندس **مردخای**
الهی با تقویمش نیفتد زبای

به پایان من بگوئیم چند كلامی
به همكاران خوب بینا، سلامی
رفیق و همدم و همراه و پركار
شُفیع و یاور و آگاه و همیار
نه شاعر بودم و نه شاعر هستم
فقط خواستم كه گوئیم چاكِر هستم

به تو تبریک می گم **هارون یشعیا**
به تو ای بانی نشریه ی بینا
به پنجاه رسیده این شماره
خدا شكرت همیشه او بیداره
ره نشریهات ره امید است
كسی از تو نوامیدی ندیده است
همه گویند تو هستی خوب خوبان
ز آثار تو شویم دلشاد و خندان
سعادت مند و دلسوز زمانی
فروزان شمع سوزان جهانی
تو ای پیشكسوت جامعه ی ما
نگهدارت باشد این خالق ما

سیامک جان و کیل ما تو هستی
خداترس و صدیق و فاضل هستی
اگر باشد کسی از جان خسته
اگر خواهد گشاید درب بسته
اگر در شب تار دنبال نوره
و چون گم گشته ای در راه دوره
اگر بیماره و خواهد طبابت
یا چون عارف به دنبال عبادت
می آید نزد تو ای دكتر ما
خدا حفظت كند ای سرور ما

تو كه آقا **همایون**، مسئول هستی
به هر مشكل به تنها قادر هستی
كنی پنهان و پاک اشك یتیمان
دل محروم كنی تو شاد و خندان
دعا دارم برایت مرد فاضل
مراد تو به خوبی گردد حاصل
تو را از من، سلامی و سپاسی
به رسم احترام و حق شناسی

تو كه دندان پزشکی ای **كهن** جان
همه دوستت داریم از دل و از جان
آفرین به تقویم بی نظیرت
دقیق و جامع و پر از بصیرت

بهار را تو بیاور

المیرا سعید

باز کن. به روی هر چه تا به حال آرزوی آمدنش، داشتن و در آغوش کشیدنش را داشتی. فقط مواظب باش دیگر حسرت‌ها وارد نشوند که جایی برای آن‌ها نیست.

به دیوارهای دلت که رسیدی، رویشان رنگ آرامش بپاش. آن‌ها را فقط یک رنگ بزن تا هر وقت چشمت به آن‌ها افتاد، یکرنگی از یادت نرود. دیوار دل را چنان رنگ کن که دیگر اثری از سایه‌ی غم به رویش نماند و زین پس جز شادی تصویری رویش نقش نیندد.

پنجره‌ی دل فراموش نشود. بهار از پنجره‌ها به داخل سرک می‌کشد. پنجره‌ی دل را می‌شود با کمی خوش بینی و چند قطره لطافت برق انداخت. شیشه‌ی دل را چنان تمیز کن که جز نور و صفا از آن رد نشود. آن قدر شفاف شود که بتوانی در شب‌های یخ زده‌ی زمستان هم از لای آن همه ابر سیاه، ستاره‌ها را بشماری.

حالا که خوب به سر و روی خانه‌ی دل دست کشیدی و به هر گوشه صفایی دادی، کمی عقب بایست و خوب نگاهش کن. نشانه‌های بهار را می‌بینی. نو نوار شد دلت. جز تازگی و طراوت چیز دیگری به سراغ دلت آمد؟ دیدی با کمی همت بهار به خانه روانه شد. خودت آن را به دل راه دادی نه کس دیگری. بهار راهش را بلد است. جز به خانه‌های بی‌ریا و با اراده جایی پا نمی‌گذارد. او مدت‌هاست در می‌زند و تو با دل دل کردن سال‌هاست پشت در خانه‌ی دل بلاتکلیف رهاش کرده‌ای. بهار از انتظار خسته نمی‌شود. ولی تو خسته شده بودی و مایوس و هر روز که می‌گذشت دلت پیرتر می‌شد. اگر دست نمی‌جنباندی، دور نبود روزی که حس و حال امروزت را نداشتی و رمقی برای رفتن به استقبال بهار نمانده بود.

بهار حرکت کردن است، تغییر است از حالی به حال دیگر. رفتن و نماندن است. نماندن در افکار دیروز و مشتی

بهار با تو شروع می‌شود، بهار با تو می‌آید، اصلا تو خودت بهاری.

تو بخواهی، من بخواهم، بهار زودتر از موعدهش به دیدار می‌آید. همیشه این پا و آن پا می‌کند تا صدایش کنیم و او بی هیچ تجمل و تشریفات به ما سر بزند.

بهار را تو شروع کن. آن را با دلت به خانه بیاور. دیگر نگو دست‌انتم تهی‌ست، پای رفتنم نیست، نگو قلبم از مهر خالیست.

فقط چند دقیقه خوب فکر کن، مگر بهار با خود چه می‌آورد؟ بهار با چه بهار می‌شود؟ تو بگو کی بهار می‌شود؟ اگر من و تو سبد بهار را پر نکنیم از عشق، پر نکنیم از مهر، با چه زیبا و دل آرام می‌شود؟ اگر من دامن بهار را دوزم با خیر و مزین نکنم آن را با مهربانی، با چه دلربایی کند این فصل بی‌همتا؟ اگر صورت بهار را تو نیارایی با همدلی و امید، چطور فریبا می‌شود این نوپر یک دانه‌ی دنیا؟

بهار را تو بیاور. به دنبالش برو. دست به کار شو. از دلت شروع کن. آن را خانه تکانی کن. اول فرش دل را بتکان. محکم، آن قدر که دیگر جای پای هیچ دلخوری‌ای رویش نماند. آب و جارو را بیاور. گوشه گوشه‌ی دل را خوب بروب. به روی طاقچه‌ی دل گرد بی‌مهری را که زدودی، غبار کینه را هم که از پستوی دل رُفتی، حالا نقش و نگارهای فرش دل خودنمایی می‌کنند. حس همراهی، یکی شدن و یکی ماندن همان گل و بته‌های خوش آب و رنگ فرش دل‌اند که زیر غبار غفلت و بی‌خبری رنگ باخته بودند.

از در و دیوار خانه‌ی دلت غافل نشو. در را باز کن. تا کی این در بسته بماند؟ بسته به روی شور، به روی هیاهو؟ هیاهوی سال‌های کودکی‌ات را می‌گویم، با آن بازی‌های فراموش نشدنی‌اش. همه را تا به حال پشت در جا گذاشته بودی. با در بسته می‌شود بهار را آورد؟ در دل را چهار طاق

زندگی

سمر بروفی

زندگی مانند دریاست گاه آرام گاه طوفانی گاه به روشنی روز و گاه به تاریکی شب .

گاه با امواج به صخره می‌خوری و گاهی به مقصد می‌رسی .

مهم اینه که وقتی به صخره می‌خوری بتونی قایقت رو دوباره به سمت مقصدت برونی، محکم و استوار بایستی و با سختی‌ها مقابله کنی .

حواست باشه، مهم فقط به مقصد رسیدن نیست، باید از مسیرت لذت ببری .

تو مسیر زندگی ایستگاه‌های قشنگی پیش رو داری که قابل بازگشت نیستن و تو باید سعی کنی که از شون لذت ببری .

زندگی خیلی زیباست اگه با دید خوب بهش نگاه کنی .

اگه دنبال راز و رمز زندگی بگردی، هیچوقت رهانش نمی‌کنی .

تا آخر مسیرت رو ادامه می‌دی و بالاخره هم به مقصد نهایت میرسی .

مطمئن باش زندگی اون قدرها هم که فکر می‌کنی سخت نیست .

فقط یه کم صبوری می‌خواد .

یاد بگیر صبور باشی .

حتماً موفق میشی . . .

اصلاحیه

در شماره‌ی ۴۹ نشریه‌ی افق بینا صفحه ۸ شجره‌نامه‌ی هاراو اورشرگا به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ملا قیاس، ملا عبدالله، ملا دانیل، ملا شموئل، هاراو اورشرگا، ملا مُشه، ملا اسحق، ملا مُشه (ملا آقا بابا)، ملا اور، حاخام یوسف حییم اورشرگا (ملا یوسف یزدی)

ملا آقا بابا نتیجه‌ی هاراو اورشرگا بوده است.

باور کهنه که بوی نایش دنیای مان را پر کرده، پای رفتن مان را شکسته و دست گرفتن را بسته. تا وقتی زل زده‌ایم از پشت پنجره به تنها تک درخت مانده در خیابان که شاید امروز جوانه‌ای بزند، بهار که نمی‌شود هیچ، زمستان هر روز جای پایش محکم‌تر از قبل می‌شود و اصرار به ماندنش بیشتر.

بهار و زمستان فقط یک اسم است. اسم‌هایی قراردادی که من و تو برای فصل‌ها انتخاب کرده‌ایم. هر روز بهار می‌شود اگر عوض کنیم جای تردیدها را با یقین و هر روز زمستان است، سرد و بی‌جان، اگر دست از سرسپردگی برنداریم و بترسیم از انگشت‌نما شدن.

حال دلت خوب نیست؟ خودت را مقصر بدان. وقتی رسیدن بهار را گره زده‌ای به آمدن کسی یا افتادن اتفاقی، می‌خواهی حالت بهتر شود؟ از همه توقع داری جز خودت. درست است دیدار یار و رهایی از غربت و برگشتن به دیار کم از آمدن بهار نیست، اما اگر نبود ممکن و نشد میسر آنچه آرزوی توست، روزها و روزگارمان را بسپاریم به تاریکی؟ هدیه‌ی عمر را بدهییم به دست دلتنگی؟ غصه ما را ببرد تا مرز ناامیدی که کم از مرگ ندارد؟ در انتظار روزهای بهاری، روزها را می‌شماریم غافل از این که قافله‌ی عمر در گذر است و ما به پاییز عمر نزدیک تر.

منتظر چه هستی؟ چه کسی قرار است بیاید حالت را زیر و رو کند؟ از دست کسی جز خودت کاری ساخته نیست. سهم تو از بهار، چیدن سفره‌ای و خریدن یک دست لباس نو و گذراندن چند روز تعطیلی نیست. سهمت، رسیدن دوباره به اولین صفحه‌ی تقویم سال جدید هم نیست. سهم تو از بهار چیزی بیشتر از این‌هاست. بهار کاشتن بذری در دل است که میوه‌اش چیزی جز « تکرار و روزمرگی » باشد. آب و آفتابش را خودت فراهم کن. هر روز صبح که چشم وا می‌کنی، سری به گلدان زندگی بزن و از آن مراقبت کن. آن‌چنان که عطر گل‌هایش سرمستت کند و به یادت بیاورد که دنیا حتی لحظه‌ای نمی‌ایستد. آن وقت است که می‌بینی بهار چطور بی‌بهانه احوالت را دگرگون می‌کند. بهار را تو

بیاور... ■



شرگان انورزاده
فعال اجتماعی

بهار

مراسم پایان دوره مرکز آموزشی موسیقی کر مهندس فریدون طوبی مسئول مرکز موسیقی انجمن کلیمیان تهران

سه‌شنبه ۹۷/۱۲/۱۴ نوزدهمین سالگرد مرکز آموزش موسیقی انجمن کلیمیان تهران به همراه جشن پایان دوره در ساختمان سرابندی و با حضور دکتر همایون سامه‌یح ریاست انجمن کلیمیان تهران و ادmond معلمی سرپرست کمیته جوانان و عده‌ای از همکیشان برگزار شد.

از میان ۶۰ هنرجو که در این مرکز مشغول یادگیری هنر موسیقی هستند ۱۲ نفر از نوجوانان و جوانان برجسته این دوره، آموخته‌های خود را از استادان در رشته‌های پیانو، تنبک، گیتار، ویلن با تک‌نوازی و هم‌نوازی به صورت زیر به اجرا گذاشتند که بسیار مورد توجه واقع شد و جوایزی به آنان اهداء گردید.

الف - رشته پیانو: استاد خانم آرسینه آوانسیان
۱. پویا اصفهانی تک‌نوازی دو قطعه «۵۹ بر» و «۱۳ چرنی»

ب - رشته تنبک: استاد روزبه طهماسبی نیا
۱. تک‌نوازی اورا مسجدی به نام قطعه ۷ ضربی و آرمان هارونیان به نام قطعه مرغ سحر

۲. هم‌نوازی اورا و بارا مسجدی با قطعه رشیدخان
ج - ویلن: استاد خانم نگین وحیدی
۱. تک‌نوازی رامتین رفوآ با قطعات «رومئو و ژولیت» و «آستین‌های سبز»

۲. تک‌نوازی بارا مسجدی با قطعه ترکیبی
د - گیتار: استاد ایمان صادقان
۱. تک‌نوازی رادین رفوآ با قطعات «رقص کانتري» و «توتومارام با»

۲. تک‌نوازی آنژل اسحاقی با قطعه گل گلدون
۳. تک‌نوازی پیانو توسط النور لیویان
ه - گیتار: استاد نادر دانیالی
۱. تک‌نوازی توسط فراز هارونیان به نام قطعه «رقص کانتري»

۲. هم‌نوازی قطعه «مستم مستم» توسط شانائل دانیال مفرد، داوید نقره‌تپان و یوسف گیدانیان
در پایان از دنیا روبنیان، شروین شیرازی، امید کدخدا و مسعود مینایی که برای برگزاری هر چه بهتر مراسم زحمت کشیدند، سپاسگزارم. ■

باز هم بهار آمد و ذهنم دوباره شاداب از آمدن بهار و نو شدن گشت. باز هم بهار آمد و دگر بار ذهنم درگیر شد. درگیر از چگونگی زندگی در سال جدید. چگونه بودن اهدافم، چگونه بودن رفتارم، چگونه بودن افکارم و چگونه بودن روابطم. تمام این افکار ذهنم را به شدت درگیر می‌کند و معمولاً این درگیری ذهن در پایان سالی که گذشت و در آغاز سال جدید اتفاق می‌افتد و حقیقتاً باری بر دوشم می‌گذارد. تا جایی که خسته می‌شوم و دیگر نمی‌خواهم به آن فکر کنم. اما نمی‌شود... نمی‌شود به سالی که گذشت و افکاری که داشتم نیندیشم. نمی‌شود به رفتارم نیندیشم. اما هر آغازی امیدی دوباره است. امیدی که در قلب جوانه می‌زند. محکم، استوار. هر امیدی شادی دوباره است، مداوم، پرتکرار. حالا شادترم. حالا که حرف‌های دلم را نگاهشتم، افکارم منظم‌تر است. هدفمندتر است. امسال بیشتر دوست خواهم داشت، تمام کسانی را که همیشه دوست می‌داشتم. امسال فکر نخواهم کرد به کسانی که هرگز دوستشان نداشته‌ام. امسال هر لحظه امیدوار خواهم بود. امسال خودم را بیشتر می‌بخشم و کمتر محاکمه می‌کنم.

امسال خودم را هم بیشتر دوست خواهم داشت و کمتر آزار خواهم داد. امسال بیش از هر سال دوستانم و عزیزانم را که دوستشان دارم، در قلبم حک خواهم کرد و نگه خواهم داشت. برای همیشه نگه خواهم داشت و بیش از همیشه سپاسگزار خدایی خواهم بود که عشق و محبت را در قلبمان به ودیعه نهاد. خدایی که عشق و محبت را آفرید که قلبمان را گرم کند، که قلبمان را شاد نگه دارد، که زندگی آهنگ زیباتری را برایمان بنوازد، که دنیا، مکان زیباتری برای زندگی باشد... تا عشق و محبت هست، زندگی خواهیم کرد... ■



مهندس آرش آبائی

محقق و مدرس در حوزه یهودیت

فارسیهود از نگاه پیرنظر

«در تعریف فارسیهود می‌توان گفت آنچه به زبان فارسی و با حروف عبری نوشته شود فارسیهود خوانده می‌شود. این نوشتارها متون کلاسیک و ادبی فارسی نو و نیز لهجه‌های محلی را در بر می‌گیرند. متون فارسیهود از سه ریشه‌ی اصلی یهودیت، ایران و اسلام سرچشمه می‌گیرند. ولی کاربرد و تناسب این سه بر اساس نوع متن متفاوت است. در متون ادبی جنبه‌های ایرانی، در متون مذهبی جنبه‌های یهودی و در متون فلسفی یا عرفانی نشان‌های اسلامی بیشتر است. این نوشتارها از نظر متن نیز موضوعات مذهبی و غیرمذهبی، علمی و عرفانی یا تاریخی و نوشته‌هایی درباره‌ی امور زندگانی روزمره را شامل می‌شوند» (فارسیهود، میراث فرهنگی یهودیان ایران، ص ۲۱ کتاب).

فارسیهود و تاریخ یهودیان ایران از دانشگاه یوسی ال ای، (۲۰۰۴ میلادی) است که از سال ۲۰۰۰ تدریس ادبیات فارسیهود را در برنامه‌ی تدریس ادبیات فارسیهود به نام دکتر حبیب لوی در دانشگاه یوسی ال ای و از سال ۲۰۰۷، تدریس تاریخ یهودیان ایران را در همین دانشگاه بر عهده داشته است. پیرنظر بنیادگذار خانه‌ی اسناد و نسخ فارسیهود است و ریاست آن را برعهده دارد؛ سازمانی علمی و غیرانتفاعی که در سال ۲۰۰۰ برای جمع‌آوری، حفظ و برگرداندن اسناد فارسیهود از خط عبری به خط فارسی و در صورت لزوم ترجمه‌ی آنها به زبان انگلیسی و انتشار این اسناد تشکیل شده است. مقالات تحقیقی او در کنفرانس‌های بین‌المللی متعدد عرضه و نوشته‌های فارسی و انگلیسی وی در دانشنامه‌ی ایرانیکا، دانشنامه‌ی یهودیان در سرزمین‌های اسلامی و نیز نشریاتی چون ایران‌شناسی و ایران‌نامه منتشر شده است. برخی از کتاب‌های پیرنظر در رشته‌ی فارسیهود که به زودی منتشر می‌شوند عبارت‌اند از برگردان فتحنامه اثر شاعر فارسیهود عمران‌ی و کتاب «انوسیم» اثر بابایی بن لطف (ایران‌نامه، دوره ۲، سال ۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵/۲۰۱۶).

کتاب «فارسیهود» به کوشش ناهید پیرنظر (پردیس دانش، ۱۳۹۷) منبعی ارزشمند است که جای خالی آن همواره حس می‌شد و پیش از این تنها مقالاتی تحقیقی در نشریات تخصصی به این حوزه پرداخته بودند. این کتاب دربرگیرنده‌ی ۸ مقاله‌ی فارسی و ۳ مقاله‌ی انگلیسی است. مقاله نخست با عنوان «میراث فرهنگی یهودیان ایران» به قلم ناهید پیرنظر، تاریخ تحولات ادبیات یهودیان ایران را تشریح و به ویژگی‌ها و سبک‌های فارسیهود با ذکر نمونه‌هایی از متن آثار مرتبط می‌پردازد.

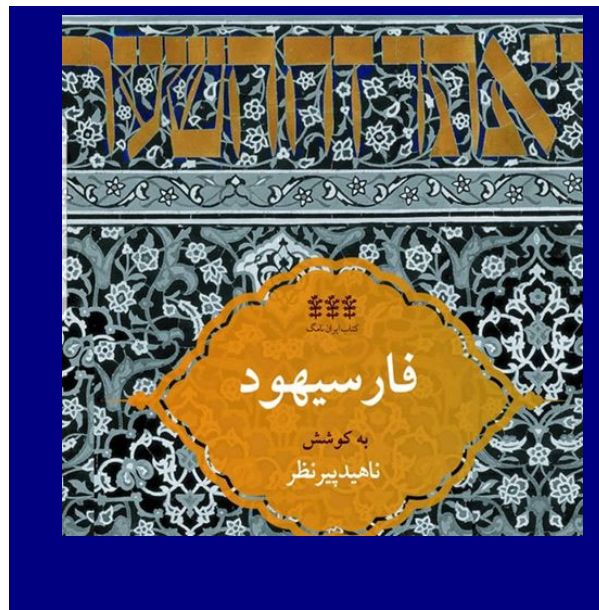


ناهید پیرنظر (۱۳۲۳ ه.ش. کرمانشاه) استاد ایران‌شناسی و تاریخ دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس است. وی دانش‌آموخته‌ی دکترای ایران‌شناسی با تخصص در ادبیات

نخستین مقاله‌ی بخش انگلیسی با عنوان «یهودیان در خراسان پیش از حمله‌ی مغول» اثر شائول شاکد است. مقاله دوم را ماریا ماکوخ با عنوان «این قانون پارسیان است» - تقلیدی از قوانین ضمانت در دوران ساسانیان در تلمود بابلی» تدوین نموده که در آن به استناد بحثی در تلمود (رساله باوا بترا، ۱۳۷ب) که در آن راو نحمان در اعتراض به قانونی درباره‌ی ضمانت یک گروبی می‌گوید «מתקין לה רב נחמן האי דינא דפרסאי - این یک قانون پارسی است»، ورود قوانین ساسانیان در احکام فقهی تلمود در امور مالی تحلیل می‌گردد. اُوریت کرملی در آخرین مقاله‌ی بخش انگلیسی، «تصاویر فارسیهود در نسخه‌های خطی» را مورد تحلیل قرار داده است. و در پایان، شعری از عمرانی با ادبیات فارسیهود (ص ۳۲ کتاب):

خداوندا بِحَقِّ آوُوت^۱
بِحَقِّ کرسی عرش عَراوُوت^۲
نخستین از زخوت^۳ شافع ما
کلیم الله چراغ دین و دنیا

مقاله دوم با عنوان «مقدمه‌ای بر فارسی‌یهودی» اثر تامار گیندین، به تاریخ پژوهش‌های فارسی‌یهودی پرداخته و آن را به سه بخش فارسی‌یهودی قدیم و فارسی‌یهودی کلاسیک و نو تقسیم می‌نماید. داوید یروشلمی در سومین مقاله، «زمینه‌ی فکری و اعتقادی شعرای یهود ایران» را بررسی نموده؛ و ناهید غنی در مقاله‌ی چهارم به معرفی «کتاب فرایض: سِفِر هَمیتصوُوت» می‌پردازد.



«لُترایی» (لُو تَورایی: غیر توراتی) گویش یهودیان اصفهان است که ایوب ابراهیمی در پنجمین مقاله آن را مورد کنکاش قرار داده است.

ششمین مقاله با عنوان «هنری مارتین و ترجمه‌ی انجیل او به سبک ادبیات فارسی‌یهودی» کاری مشترک از دانشجویان دکترای ادیان از دانشگاه ادیان و مذاهب قم (حیدر عبوضی، احمد مقری و محسن گلپایگانی) است.

ناهید پیرنظر در مقاله‌ی هفتم «تاریخ ایران در کتاب انوسی بابایی بن لطف» را که حکایت مهاجرت اجباری یهودیان از گرجستان به ایران در عهد صفویه است تحلیل نموده و همچنین خود او در آخرین مقاله‌ی فارسی کتاب، «نمونه‌هایی از ادبیات فارسیهود» را در قالب‌های متنوع شعر و نیز نثر مذهبی، فلسفی و عرفانی ارائه می‌نماید.

۱ - پدران (ابراهیم، اسحق و یعقوب)

۲ - کرسی و جایگاه خداوند یا فلک هفتم

۳ - قدرت یا شایستگی الهی - معادل فره ایزدی

عید شاوووعوت و شعر فارسیهود ۶۱۳ احکام تورات

مهندس آرش آبائی

یکی از آیین‌های دینی عید شاوووعوت، قرائت مجموعه ۶۱۳ احکام تورات است. این احکام جهت روانی قرائت، در کتب نماز ویژه‌ی این عید (سیدور) به شکل اشعار عبری و با نام «آزهاروت» درج شده‌اند که سروده‌ی «ربی شلومو بن یهودا گبیرویل» (قرن ۱۱ میلادی) است. یکی از شاعران ایرانی یهودی به نام «هاراو ری شموئل بن پیر احمد» این اشعار عبری را عیناً به نظم فارسی (با خط عبری) درآورد و «نهورای باروخ آشیر کاشانی» در سال ۵۶۷۱ عبری (۱۲۹۰ خورشیدی) آن در مطبعه‌ی کلیمیان به چاپ رسانید. این اشعار فارسی چندین دهه در کنیسه‌های کاشان (و احتمالاً سایر شهرها) بر زبان‌ها جاری بود. در سال ۱۳۸۲ نرگس کلیمیان (آبائی) این مجموعه اشعار فارسیهود را به خط فارسی برگرداند و در شب شاوووعوت در برخی کنیسه‌ها توزیع نمود. نمونه‌ای از این اشعار در بخش دوم «آزهاروت» در ادامه می‌آید:

401	אזהרות ליום כ' של שבועות תא
אגבי יהנה.	קראתך בסיני.
ולא יהיה על פני.	לך אלהים אחרים :
ולא מעשה פסל.	ברשע ובקסל.
ולא תשים פסל.	להקניאו בקרים :
וגור מלהקה.	להביא תועבה.
ולבנות מצבה.	ולטעת אפרים :
וסור משמע שוא.	והאמן בשוא.
ולא תשא לשוא.	שמותי הקרים :
ומצנת לא תנאף.	שמר פן יחרה אף.
ולגנב לא תשאף.	ולא תחמד חברים :
ונפש לא תנקש.	אשר דמה אבקש.
ולא תתן מוקש.	להקשיל העורים :
ושקר לא מענה.	ויתום לא מענה :
ועל ריב לא מענה.	לסחרר מתגרים :

گفتا که منم خداوند	کز مصر رهاندمت من از بند
جز صانع نه فلک، میندیش	معبود دگر نیاوری پیش
هرگز تو مرو به بت تراشی	زو روح مرا همی خراشی
خواهی برسی به خاص و مقصود	در خانه منه ز جسم معبود
اینای دکانچه را مکن ساز	در خانه میر بتان غماز
از لات و ملات فایده مستان	منشان تو نهال بت پرستان
خواهی برسی به جاه و حشمت	این پند شنو ز روی حکمت
ناحق مخورش به نام سوگند	باور مکن آن دروغ و پیوند
از حرص پلید شوم بگریز	بر مال کسان نظر مکن تیز
زنهار مرو پی زناها	دزدی نکنی زدست و پاها
بر کشتن کشتنی تو مشتاب	خون از سر خود مریز چون آب
چاه بر مکن از برای کوران	کافتی به تپش مثال عوران
بر کس مده تو شهادتی نقض	زین گونه کسی نمی‌شود شخص
مر خاطر هر یتیم مرنجان	در بحث کسان مشو چو شیطان

معرفی کتاب

خالکوب آشویتس

فرانک عراقی

خالکوب آشویتس

نویسنده: هدر موریس

ترجمه: فرشته شایان

چاپ اول ۱۳۹۷

انتشارات چترنگ

این رمان براساس داستان واقعی نوشته شده است.

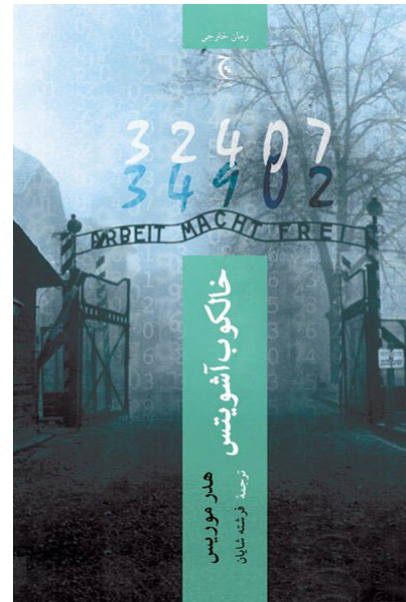
آزارهای جسمی و روحی که تا ابد در ذهن و روح و جسم رها شدگان و بازماندگان از آن معرکه باقی مانده، شاید غیرقابل تصور و باور باشد، آن‌هم به علت نژاد برتر و پست‌تر و یا معلولیت که ناشی از یک ذهن بیمار بود و میلیون‌ها انسان را از بین برد.

این کتاب در واقع زندگی‌نامه‌ی «لالی» است، از زمانی که بنا به یک فراخوان، داوطلبانه خود را به نازی‌ها معرفی می‌کند و وارد اردوگاه می‌شود داستان آغاز می‌شود. اتفاقات ناپهنجاری که در آنجا می‌گذرد، خواننده را با خود همراه می‌کند، لحظات رعب‌آور و نفس‌گیری که انسان را از این همه سببیت نازی‌ها و بی‌تفاوتی و بی‌خبری دنیا متعجب می‌سازد. وقتی لالی افتان و خیزان با نیمه جانی که برایش مانده از اردوگاه بیرون می‌رود، به هر سرباز روسی که می‌رسد از وضع و حال اردوگاه می‌گوید، آنها با ناباوری فقط سر خود را تکان می‌دهند و اظهار می‌کنند تا به حال اسم همچین جایی را نشنیده‌اند...

زمانی که لالی به انتهای زندگی خود می‌رسد تصمیم به بازگو کردن خاطراتش می‌گیرد. از نویسنده سوالی می‌پرسد که جالب و تأثیر گذار است:

از یهودی‌ها چه می‌دانی؟
و تذکر می‌دهد که دوست ندارد او در مورد وقایع پیش داوری و تعصبی در ذهن داشته باشد. از او می‌خواهد افکار و احساسات شخصی‌اش را وارد داستان زندگی لالی نکند.

لالی همیشه این شعار را سرلوحه زندگیش قرار داده بود: «اگر صبح از خواب بیدار بشی، یعنی امروز روز خوبی...»
و گیتا نیز همیشه به تنها پسرش می‌گفت:
«وقتی سال‌ها در جایی زندگی کنی که نمی‌دونی پنج دقیقه دیگه می‌میری یا نه، دیگه هیچ چیز مشکل به حساب نمیاد...» ■



در زمان جنگ جهانی دوم، لالی ساکولوف، با نام اصلی لودویگ آیزنبرگ، زاده‌ی اسلواکی، یکی از هزاران زندانی اردوگاه آشویتس است که وظیفه‌ی خالکوبی شماره بر ساعد تازه‌واردان به او سپرده می‌شود. گیتا یکی از هزاران زندانی ایستاده در صف خالکوبی است. عشق در یک نگاه اتفاق می‌افتد و رنگی دیگر به این ماجرای هولناک می‌دهد. جنگ به تنهایی خودش واژه هولناکی است، اما جنگ جهانی دوم با آن همه اتفاقی که دنیا را در بر گرفت و تقریباً شش سال ادامه داشت، هولناک‌تر و وحشت‌آورتر بود. وجود کوره‌های جسدسوزی که هنوز بقایای آن موجود است، اتاق‌های گاز، اردوگاه‌های کار اجباری و انواع و اقسام

معرفی کتاب

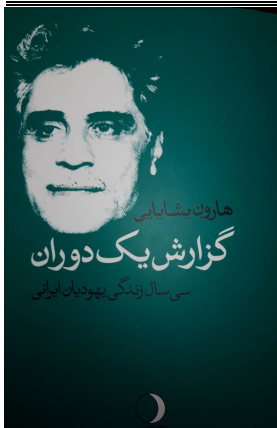
گزارش یک دوران

سی سال زندگی یهودیان ایرانی

نویسنده: هارون یشایایی

ناشر: ماهریس، ۱۳۹۱

مهندس آرش آبائی

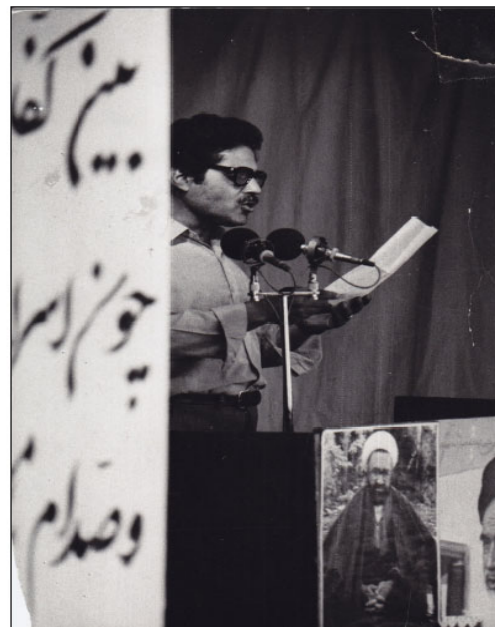


یکی از مهمترین ویژگی‌های این کتاب، مستند بودن آن است که بسیاری از وقایع نه به صورت نقل قول، بلکه با ارائه‌ی اصل سند منعکس شده‌است، مانند پیوست شماره ۷ که بیانات نماینده کلیمیان در مجلس خبرگان قانون اساسی را ذکر کرده، و یا پیوست شماره ۹ که به جلسه بررسی صلاحیت اسحاق فرهمندپور (نخستین نماینده منتخب کلیمیان در مجلس شورای اسلامی) اختصاص یافته است.

عناوین برخی فصول کتاب به این شرح است:
یادداشت ویراستار (آرش آبائی) - نگاهی به گذشته - یهودیان ایران در آئینه زمان - بحران‌های سازماندهی - مطبوعات و انتشارات یهودیان ایران - یهودیان ایران در عرصه‌های جدید زندگی - انجمن کلیمیان تهران (حبر- بت سفر) - سازمان «بت دین» - سازمان‌های جهانی یهود - صندوق ملی - روحانیت شیعه و تاریخ ایران - ورود به دورانی جدید - چگونگی حضور جامعه یهودی ایران در جریان انقلاب - ملاقات با نمایندگان سازمان آزادی‌بخش فلسطین - ملاقات با آیت‌الله خمینی در قم - اعتراض به سخنرانی آیت‌الله منتظری - کمیته مشترک اقلیت‌های دینی - حضور یهودیان لهستانی و عراقی در تهران - نگاه ایرانی به فاجعه هولوکاست - ظهور نفوفاشیست‌ها در ایران امروز - شرکت نماینده کلیمیان ایران در مجلس خبرگان قانون اساسی - میزگرد لایحه قصاص و دیدگاه‌های حاخام اوریل داویدی - انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی - جامعه یهودی ایران و هشت سال جنگ ایران و عراق - کمک‌های یهودیان ایران به جبهه جنگ - ارتباط با یهودیان خارج از کشور - حضور سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران در کنیسای یوسف‌آباد - مدارس و فرهنگ یهود در جریان انقلاب - بنیادهای دینی و فرهنگی یهودیان در ایران - قانون خیرخواه - گزارش فعالیت‌های بیمارستان دکتر سپیر - بازسازی نهادهای زنان و جوانان یهودی - ارتباط مسئولین جامعه یهودی ایران با نهادهای حکومتی و مردمی. ■

هارون یشایایی قبل و بیشتر بعد از انقلاب ۱۳۵۷ تا امروز در متن وقایع اجتماعی جامعه کلیمیان ایران حضور موثر داشته و در بازه‌ای طولانی از این دوران مسئول بوده؛ و اکنون پس از گذشت چهار دهه از انقلاب، قلم او به ثبت اکثر وقایع مهم اجتماعی کلیمیان در این دوران پرداخته است.

کتاب در چهار فصل نخست به کلیات سازمان جامعه‌ی یهودی ایران می‌پردازد و از فصل پنجم با عنوان «ورود به دورانی جدید» شرح وقایع را از ابتدای انقلاب به‌طور مشروح و تا حدودی زمان‌مند آغاز می‌نماید و سیر تحولات را تا حدود ریاست جمهوری دکتر روحانی (۱۳۹۲) پایان می‌دهد.



هارون یشایایی به نمایندگی از جامعه یهودی ایران در حال سخنرانی از تریبون نماز جمعه تهران، او تنها یهودی است که بعد از انقلاب اسلامی در نماز جمعه مسلمانان سخنرانی کرده است. روز قدس ۲۵ تیرماه ۱۳۶۱ش.

طنز



صد رحمت به بیمارستان‌های ایران خودمون

(ممن دلرمیم)

پس فردا عکس را برداشتم و بردم خدمت آقای دکتر، جناب دکتر عکس را که دید گفت: باید بخوابی، من هم فوری خوابیدم. گفت: نه پسر جان بلند شو منظورم اینه که باید سه‌شنبه آینده بیایی و بستری بشی و دماغتو عمل کنی. کاری ندارم که این یک هفته انتظار به من خوش گذشت و کاری ندارم که به چه علت صبح و ظهر و شب خواب قصاب و چاقو و کارد و طناب می‌دیدم!! بالاخره روز سه‌شنبه آن هفته صبح زود دم بیمارستان حاضر بودم با ترس و لرز و نوک پا وارد سالن شدم. چند نفر دیگری هم با گردن کج و سیبل‌های آویزان کنار دیوار کز کرده و ایستاده بودند. خلاصه من وایسا اونا وایسا من وایسا اونا وایسا نه من از رو می‌رفتم و نه اون‌ها. نشان به آن نشانی که ما را ساعت ۱۰ صبح بردند برای خواباندن و هولم دادند پیش خانمی که پرونده درست می‌کرد و رفتم جلو سلام کردم خانم فرمودند: زغنیوت برو بتمرگ اونجا هر وقت نوبت شد صدات می‌کنم! پس از مدتی معطلی پرونده‌ای برای من تشکیل دادند که الهی برای هیچکس حتی برای هیچ کافری هم درست نکنند حالا چرا؟ آخر داستان خواهید فهمید.

از آنجا هولم دادند به طرف اتاق رختکن و فرمودند لخت شو، پنج شش نامرد قد و نیم قد ریش‌دار و بی‌ریش هم مشغول لخت شدن بودند تا آدمم بگویم بابا عیبیه، بده آدم که جلوی نامحرم لخت نمی‌شه! شروع کردند به در آوردن لباس‌های من و بنده هم که دیدم نزدیک است لباس‌هایم جر بخورد گفتم: غلط کردم درمی‌آورم و به زبان خوش لخت شدم. لباس سفید بی‌قواره‌ای را تنم کردند و لباس‌های اطو خورده‌ام را مثل خیار چنبر ریختند توی یک کیسه و چپاندند زیر یک نیمکت یک نمره هم دادند دستم و گفتند برو بخواب، اینجا تازه اول ماجراست رفتم روی تخت خوابیدم و تازه داشتم خجالت را کنار می‌گذاشتم. قیافه مریض‌ها را واری می‌کردم که دیدم یک خانم با ناز و تکبر

خداوند تبارک و تعالی دو سوراخ دماغ درست و حسابی به من نداده که بعضی وقت‌ها با اجازه بزرگ‌ترها یک نفس راحت بکشم. لابد می‌پرسید مگه دماغت چه مرگشه؟! هیچی جانم سوراخ‌های دماغ مخلص اتصالی دارند. اقوام و دوستان پیشنهاد کردند در خارج از کشور دماغم را عمل کنم. بالاخره بعد از کلی پیشنهاد و نظرات مختلف تصمیم گرفتم نزد یکی از دوستانم که در خارج از کشور زندگی می‌کرد بروم و رفتم. دوستم مرا به یکی از بیمارستان‌های نزدیک منزلش برد و یگراست نزد دکتر متخصص گوش و حلق و بینی معرفی کرد (چون اکثر دکترهای این بیمارستان ایرانی بودند) جناب دکتر، اول با دلسوزی تمام سر تا پای بنده را ورنانداز کرد و سپس با دست چپ کله مخلص را گرفت یک چرخ از این طرف داد، یک چرخ از آن طرف به طوری که گردنم قرچی صدا کرد. آن وقت یک چراغ خواب خوشگل زد به کله‌اش و با یک انبردست دماغم را به اندازه نیمه و جب باز کرد و شروع کرد به دید زدن، حالا دید زن و کی دید بز. باور کنید به طوری داخل دماغ من را با اشتیاق تماشا می‌کرد که من فکر کردم لابد یک منظره زیبا توی دماغم است افسوس خوردم که چرا تا به حال به این فکر نیفتاده بودم که گاهی وقت‌ها خودم داخل دماغم را تماشا کنم و لذت ببرم. نیم ساعت بعد دکتر از حال خلسه بیرون آمد و گفت: باید بروید عکس کله‌تان را بندازین و فردا صبح بیارین. بعد از ظهر سلانه سلانه رفتم بخش تزریقات یعنی همان رادیولوژی بعد عکاس‌باشی بنده را برد روی تخت چوبی خواباند و عکس کله‌ام را گرفت.

فردا شبش رفتم عکسو گرفتم چه عکسی!! به جون خودم به قدری عالی و خوش منظره بود که آدم بی‌اختیار به یاد سواحل دریای مدیترانه می‌افتاد! عکس جالب و بی‌نظیر بود که داخل کله بنده را با تمام آت و آشغال‌هاش بدون رودرواسی نشان می‌داد.

درمی‌آوردند. ضمنا نکته و لطیفه بود که از هر طرف نثارم می‌کردند. یکی از دکترها با لهجه اصفهانی غلیظ گفت خانم نیگاه کنین تو کله این چن قذه هویچ فرنگی سبز شدس و همه هری زدند زیر خنده. آن وقت یکی از دکترها دنباله بحث را ادامه داد. گفت: نه بابا هویچ فرنگیه و ضمنا با انبردست توت فرنگی‌های نازنین را دونه دونه می‌کشیدند بیرون و می‌ریختند توی سطل خاکروبه.

موقعی که عمل تمام شد و گویا ضمنا برای آوردن چرخ دستی فرصتی پیدا شد گفتم آقای دکتر من دماغم ناراحته پلیپ دارم شماها گوشم را عمل کردین! که یک مرتبه پیچ و پچی درگرفت و یکی از دکترها گفت: راست بگو. گفتم: به جون آقام. گفتند: تو مگر یعقوب یعقوبی نیستی. گفتم: نه من هارون رحیمی هستم.

خلاصه پس از تحقیق معلوم شد خانمی که پرونده درست می‌کرده این دسته گل را به آب داده و محتویات پرونده من و یک ننه مرده دیگری را قاطی پاطی کرده. بین دکترها پیچ مدتی ادامه یافت و بالاخره یکی از دکترها گفت: ای ناقلا تو که ضرر نکردی. گفتم چطور ضرر نکردم؟ گفت: هیچی دیگه گوشت را مفت و مجانی عمل کردی. گفتم: آخه من که گوشم ناراحت نبود. خندید و گفت: بالاخره ممکن بود یک روزی ناراحت بشه حالا ما پیشگیری کردیم!!

چرخ‌دستی را آوردند و بنده را خواباندند روی آن و بردند پهلوی تخت خودم یک نفر این طرف تشک را گرفت و یک نفر آن طرف تشک را گرفت یک دو سه گفتند و بنده را با یک حرکت پرت کردند روی تخت خودم.

خلاصه ده روزی بستری بودم. ظهر و شب یک لیوان شیر که فقط از سفید بودنش می‌فهمیدم شیر است به من می‌دادند و می‌رفتند. شب تا صبح از درد گوش نمی‌خوابیدم. صبح‌ها هم تا می‌رفت خوابم ببرد، خانم پزشک‌یار از راه می‌رسید و درجه را مثل میخ فرو می‌کرد توی دهنم و چرتم را پاره می‌کرد. به هر حال امروز به سلامتی خوانندگان با همان دماغ اطواری از بیمارستان مرخص شدم. دماغم مثل سابق سربه سرم می‌گذاره و گوش چپم هم با اجازه شما سنگین شده، زیاده عرضی نیست. یادتون نره، صد رحمت به بیمارستان‌های ایران خودمون. ■

آمد و به من گفت حاضرشین، گفتم مادمازل من حاضریم، اخم‌هایش را در هم کرد و گفت آه چقدر خرفتی! می‌خواهم آمپولت بزوم. گفتم خانم جون من تازه از راه رسیده‌ام مهمان شما هستم خدا را خوش نمی‌یاد و می‌خواستم باز هم جملات دیگری پشت سر هم قطار کنم که دیدم خانم که گویا مدتی کشتی کج کار کرده بود با یک حرکت میچ دستم را گرفت و محکم پیچاند، به طوری که بنده خودبخود و به طور اتوماتیک دَمرو شدم هنوز از شدت درد نگفته بودم آخ که صدای آخ دومی درآمد (آخ اول مربوط به درد دست و آخ دوم مربوط به فرو رفتن میخ طویله‌ای بود که به جای سوزن به سر آمپول وصل شده بود). چند دقیقه بعد هم خانم خوش‌قیافه دیگری که بی‌شبهت به مادر فولادزره نبود دوان دوان جلو آمد میچ دستم را گرفت و بدون آن که یک کلمه حرف بزنه چنان دستم را کشید که با نشیمنگاه محکم به زمین خوردم و پقی صدا کردم و بعد کشان کشان بردم به اتاق عمل، یک پرستار سبیل کلفت با یک تیغ خودتراش جلو آمد کله بنده را کج کرد و با تیغ کندی که دست کم سه چهار سال سابقه خدمت داشت خرت خرت شروع به اصلاح پشت گوشم کرد. درد حاصله از این کار چنان شدید بود که اشکم به آسمان رفت (عوض جیغم) گفتم بابا من دیروز سلمونی بودم چرا پشت گوشم را می‌تراشین؟!؟ یک نفر از ته سالن با لهجه ترکی بسیار ملیحی گفت «خفه شو» و بنده ناچار ساکت شدم. در طول مدت عمل هم چند بار دیگر خواستم اظهار فضلی کرده و خودم را معرفی کنم ولی همان صدای ملیح با کلمه «خفه شو» بنده را دعوت به سکوت می‌کرد. چند دقیقه‌ای نگذشته بود که عده‌ای سفیدپوش دورم جمع شدند و شروع کردند به رژه رفتن، پنج شش تا آمپول یکی پس از دیگری به سر و کله‌ام فرو کردند و من کم کم حس کردم که در حدود سه چهار کیلو به وزن سرم اضافه شده. گفتم آقای دکتر کله‌ام خیلی سنگین شده گفتند عیبی نداره آدم هر چه سرسنگین باشه بهتره. در اینجا پشت گوشم را شکافتند و فعالیت شروع شد. دو ساعت و نیم تمام چند تا دکتر با انبر دست و پیچ گوشتی توی کله بنده قدم می‌زدند و آشغال

طنز



تیندرلا

تسپورچی

بودند. مادر به دخترها گفت کفش پاشنه بلند فراموش نشود، کاغذ و خودکار هم به همراه داشته باشین برای شماره دادن، اصلاً اینجوری نمی‌شود من خودم هم همراه شما می‌آیم! اما دخترها اعتراض می‌کردند که جشن مربوط به جوانان است، مادر در جواب آنها گفت: خُبّه حالا ولیم کُن، خدا تومان پول ژل و بوتاکس دادم کسی نمی‌فهمه من چند سالم است، مادر شوشنا یادتان نیست، دو سال از آوراها آوینو^۲ کوچیک‌تر است آمده بود جشن تالار داریوش. تیندرلا ناراحت از این که نتوانسته است به جشن برود روی زمین دراز کشید و نم نم اشک‌هایش جاری شد، با خودش گفت من دیگر شانسی ندارم. در همین موقع صدای گرمی شنید که می‌گفت: ناراحت نباش اِچَنک^۳ هنوز یک چیز برای تو باقی مانده و آن امید به زندگی است. تیندرلا خیلی خوشحال شد سرش را بالا کرد و پرسید شما کی هستی؟ صاحب صدا پاسخ داد، من ملعاخ^۴ مهربان هستم عزیزم عجله کن وقت زیادی باقی نیست. سپس با چوب دستی‌اش ضربه‌ای به گُندی‌های^۵ باقی مانده از شب گذشته زد و گُندی‌ها تبدیل به کالسکه شد.

خوب حالا نیاز به یک لباس زیبا داری که خیلی هم باز نباشد، حرف برایت درمی‌آورند.

سپس عصایش را تکان داد و با خواندن این ورد خیارها تبدیل به یک لباس شب سبز شد. شقری^۶، شقری... طور. خوب حالا یک کفش ۱۶ سانتی و لنز آبی می‌خواهی،

یکی بود، یکی نبود، سال‌ها پیش در محله‌ای کوچک دختری زیبا و مهربانی به نام (تیندرلا) با نامادری و دو دخترش زندگی می‌کرد. مادر او سال‌ها پیش عولام^۱ رفته بود و پدرش بعد از ازدواج با نامادری، عمرش را به شما داده بود.

دخترک در خانه پدری مانند خدمتکار با روزگار سیاهی زندگی می‌کرد. او بسیار زیباتر و حسن خداتر از دو خواهر دیگرش یعنی قدرت و عصمت بود، برای همین آن‌ها به او حسودی می‌کردند. تیندرلا همیشه امید داشت که بلی‌ندر یک روزی خوشبخت خواهد شد.

یک روز که او داشت صفحات دنیای مجازی را به امید یافتن همسر ورق می‌زد چشمش به یک آگهی خورد: «جشن شاد در تالار سیستانی‌ها همراه با پذیرایی و DJ مخصوص جوانان ۱۵ تا ۵۰ سال، قابل توجه بلیت در روز جشن با ۲۵٪ افزایش قیمت عرضه می‌گردد.» تیندرلا خیلی دلش می‌خواست به این جشن باشکوه برود. خواهرهای ناتنی گندیده تیندرلا هم نیز قصد رفتن به این جشن را داشتند. دخترک از مادرش خواست تا همراه خواهرها به جشن برود، اما مادرش به او گفت به شرطی که همه کارها را تمام کند سپس ظروف را موعدی و هگعالا کند، حلق درست کند و لباس مناسبی برای خود مهیا کند می‌تواند با خواهرها به جشن برود. تیندرلا تا شب مشغول فراهم کردن وسایل شب موعد و هیکا کردن گوشت بود. برای همین فرصت نکرد یک لباس مناسب دست و پا کند و مشغول تماشا کردن عصمت و قدرت بود که با تمام قوا مشغول آماده کردن خود برای رفتن به شب و ماراتن همسریابی

۲- حضرت ابراهیم
۳- دور از جان
۴- فرشته
۵- نوعی کوفته
۶- دروغین

۱- منظور جهان باقی است

مومن هم است. آیا همین کافی نیست؟ دختر معصوم همین که داشت اینترداکشن مادر آقا داماد را گوش می‌داد محو تماشای پسری زیبا و رعنا افتاد که داشت به او نزدیک می‌شد. بعد از دختر درخواست کرد که با او برقصد. ثیندرلا رو به او کرد و گفت: واویلا ... این وسط که حرف درمی‌آوردند برایمان، پسر جوان پاسخ داد، نترس اینجا تاریک و شلوغ است کسی ما را نمی‌بیند.

سپس در پیست رقص در حالی که در فشار جمعیت استخوان‌هایشان ترک می‌خورد و زیر دست و پای بالا و پایین‌پران له می‌شدند با حفظ فاصله ایمنی مشغول رقص و صحبت‌های زیبا شدند. به طوری که متوجه گذر زمان نشدند و شب به نیمه رسید.

در همین حین ناگهان همه جا تاریک شد. ثیندرلا گفت: ای وای من فکر می‌کنم که به نیمه شب رسیدیم و معجزه ملعخ مهربان باطل شده است. مرد جوان گفت معجزه کدام است؟ ملعخ دیگر کیست؟ وقت تالار تمام شده، آقای رحیمی چراغ‌ها را خاموش کرده است. سپس گروه موسیقی «آهنگ شام شام حالا شام شام» را با التماس اجرا کرد و همه به سمت سالن صرف شام مانند شورش‌های حمله‌ور شدند. پس از توقف یک ساعته در صف شام و صرف غذا به صورت سرپایی و ایستاده، آن هم چند دانه برنج و چند قطره خورش از بقایای حمله مهمانانی که روی ماهی‌شان شله زرد و قیمة می‌ریختند، ثیندرلا با عجله قصد بازگشت به خانه را کرد. یک دفعه یادش آمد به پسرک شماره نداده است، برای همین تصمیم گرفت که کفش‌هایش را جا بگذارد که دید گران خریده حیف است. به همین سبب یکی از جوراب‌هایش را جا گذاشت به این امید که پسرک آن را بردارد و دنبالش بگردد. مرد جوان وقتی جوراب‌های سوراخ دخترک را دید به این فکر افتاد که در شهر بگردد و صاحب این جوراب‌ها را پیدا کند ولی هرگز این اتفاق نیفتاد، چون که اطرافیان پسرک آن قدر پشت سر ثیندرلا بدگویی کردند که پسرک قید دختر مورد علاقه‌اش را زد و رفت آمریکا با یک دختر مکزیکی زندگی کرد.

قصه ما به سر رسید، هیچ‌کس به حشش نرسید. ■

ابروهایت را هم به فابریک کارخانه برمی‌گردانم تا معلوم شود دختری، خوب این هم از سایه چشم بنفش و ناخن‌های هفت رنگ، لب‌هایت را هم پروتز می‌کنم، خوب است به قول آیندگان برای خودت پلنگی شدی. الان آماده رفتن به جشن هستی. فقط صرفه‌جویی در مصرف آب و احترام به حقوق حیوانات را فراموش نکن. ثیندرلا پرسید؟ چطور مگر در پیدا کردن شوهر تأثیر دارد؟ ملعخ مهربان پاسخ داد: خیر این پند آموزنده این شماره بود، در پیدا کردن همسر مسواک تأثیر دارد که تو نزدی! سپس چوبش را تکان داد و تصویر یک تیغ موکت بری روی پیراهن دخترک افتاد. پرسید این عکس دیگر برای چیست؟ پاسخ داد چشم شور زیاد است. خوب دیگر بیشتر از این وقتم را نگیر باید بروم چهار جای دیگر چند تا دختر و پسر را به هم برسانم. انشالله اگر وصلتی صورت گرفت حق دلالی ما فراموش نشود، این را گفت و غیب شد.

وقتی ثیندرلا وارد تالار سیستانی‌ها شد همه چشم‌ها به سمت او خیره شد و همه راجع به او پیچ می‌کردند ولی او صاف وسط سالن ایستاده بود. همه فکر می‌کردند او برای نمایش لباس فاخرش آن وسط ایستاده است، ولی نمی‌دانستند طفلی دنبال جای نشستن است، چون در تالار سیستانی‌ها هیچ‌وقت جا برای نشستن وجود ندارد. در همین گیر و دار ناگهان زن مسنی با چراغ قوه نزدیک دخترک شد، نور را به صورت دخترک انداخت و با حالتی کنجکاوانه از او پرسید، بگو ببینم تو دختر کی هستی؟ پاسخ داد: من فرزند یهزقل و حنا هستم. زن پیر گفت: آهان من مادرت را می‌شناسم، در محله رخت‌شوری می‌کرد. خوب بگو ببینم چند سالت است؟ خانه شما کجاست؟ تحصیلات داری؟ پدرت چه مقدار جهیزیه می‌دهد؟ قدت چند سانت است؟ چند مدل غذا درست می‌کنی؟ بافتنی، دوختنی؟ هنری چیزی داری؟ ثیندرلا که از حرف‌های زن جاخورده بود پرسید؟ پسر شما چه کاره است؟ زن جواب داد: سن‌اش ۳۹ و خورده‌ای است، در مغازه پدرش فروشنده می‌کند، قد یک متر و شصت و پنج و تا نیمه‌های سر (بیمو) است. ماشین و خانه هم خدا بزرگ است راستی سیکل هم دارد،



شاورعوت و لبنیات (بررسی خواص لبنیات)

ترجمه و تألیف : مژده یمینیان

کارشناس تغذیه



راویولی^۶ (یک نوع پیراشکی روسی) و سمبوسه‌ی روسی^۷ (غذای پرتعدادی است که اصلی‌ترین ماده‌ی تشکیل‌دهنده‌ی آن، سیب‌زمینی و پنیر می‌باشد)، مصرف می‌کنند. یهودیان اهل سوریه در این روز، غذایی به نام آتایف^۸ (نوعی پنکیک همراه با پنیر)، مصرف می‌کنند.

یهودیان عراقی، غذایی به نام کاهی^۹ (خمیری که با کره و شکر پر شده است)، مصرف می‌کنند و یهودیان تونس و مراکشی، کیک هفت لایه که سیت سیلوس^{۱۰} نامیده می‌شود، مصرف می‌کنند.

یهودیان یمنی در این روز، غذاهای لبنی مصرف نمی‌کنند. یهودیان ایران معمولاً در این روز، غذاهایی نظیر ماهی، دلمه (بدون گوشت)، انواع کوکو، کشک بادمجان، شیربرنج و سایر غذاهای بدون گوشت را در کنار لبنیات مصرف می‌کنند.

عید شاورعوت^۱ که به دلیل نزول فرامین مقدس تورات در کوه سینا به حضرت موسی می‌باشد، یکی از بزرگ‌ترین اعیاد مذهبی یهودیان است و یهودیان در این زمان که در واقع ششم ماه عبری سیوان^۲ می‌باشد، بزرگ‌ترین سرمایه‌ی زندگی خود یعنی فرامین تورات مقدس را دریافت نموده‌اند. برگزاری این عید مراسم و قوانین خاصی دارد. از جمله یکی از رسومی که شایسته است یهودیان در این روز انجام دهند، مصرف حداقل یک وعده غذایی لبنی می‌باشند. یکی از دلایل مصرف غذای لبنی در عید شاورعوت این است که تورات به شیر تشبیه شده است، چون شیر غذای کاملی است و نوزادان تنها با مصرف شیر زنده‌اند، زندگی انسان‌ها هم مانند وابستگی نوزاد به شیر، به تورات وابسته است. همچنین در کتاب شیر هشیبریم یا سرود سرودها نوشته‌ی حضرت سلیمان، در مورد آموزش تورات گفته شده است: تورات مانند شیر و عسل بر زبان تو جاری است. (۴:۱۱)

یهودیان اشکنازی^۳ در این روز غذاهای سنتی نظیر بلینتز^۴ (یک نوع نان شیرین و پهن مثل کلوچه که درون آن با نوعی پنیر شیرین، پوره‌ی سیب زمینی، مربا یا میوه‌های تازه پر می‌شود معمولاً با خامه‌ی ترش یا سس سیب مصرف می‌شود)، کرپلاخ^۵ (یک نوع غذای آلمانی، پنیری که در لایه‌ای از خمیر پیچیده و در آب کم می‌جوشانند)،

Shavout -¹

Sivan -²

یهودیان به دلیل زندگی در مکان‌های مختلف دنیا، از لحاظ فرهنگی به دو

گروه اشکنازی و سفارادی تقسیم می‌شوند.

Cheede blintzes -⁴

Cheese kreplach -⁵

Cheese ravioli -⁶

Cheese Sambusak -⁷

Atayef -⁸

Kahee -⁹

Siet Cielos -¹⁰



مصرف لبنیات در روز شاووعوت، بهانه‌ای شد تا بدین‌وسیله به اثرات سودمند مصرف لبنیات پردازم. نقش مهم شیر در تهیه‌ی کلسیم برای حفظ سلامتی استخوان‌ها و دندان‌ها می‌باشد، اما شیر بسیاری از مواد مغذی دیگر را که برای سلامتی مفید هستند هم تأمین می‌کند. به غیر از کلسیم، شیر منبع مهمی از فسفر، پتاسیم، ویتامین B₂، ویتامین B_{۱۲} و شامل بسیاری از ریزمغذی‌ها است. همچنین شیر، منبع عظیمی از پروتئین با کیفیت بالا شامل اسیدهای آمینه ضروری است.

کافی کلسیم و دیگر مواد مغذی را برای حفظ سلامتی‌شان دریافت نکنند. قطعاً دیگر مواد غذایی هم دارای کلسیم می‌باشند ولی کلسیم موجود در دیگر گروه‌های غذایی کمتر می‌باشد و ممکن است در بدن به خوبی جذب نشوند.

بعضی از محققین اعتقاد دارند که چون شیر و لبنیات منبع عظیمی از کلسترول و چربی‌های اشباع می‌باشند، مصرف زیاد آنها خطر بیماری‌های قلبی عروقی، دیابت نوع دو، آلزایمر، سرطان سینه، تخمدان و پروستات را افزایش می‌دهد. در این زمینه تحقیقات زیادی انجام شده است.

مطالعات اپیومیولوژی که در بیست و یک کشور در مورد بیش از صد و سی و پنج هزار انسان در طول نه سال انجام شده، نشان داده است که افرادی که بیش از دو وعده در روز، شیر، پنیر یا ماست مصرف کرده‌اند در مقایسه با افرادی که کمتر از این مقدار مصرف کرده‌اند، کمتر با بیماری‌های قلبی عروقی و مرگ مواجه شده‌اند و این مطلب شامل افرادی که لبنیات پرچربی مصرف کرده‌اند هم می‌شود.

محققین اعتقاد دارند که باید مردم را در کشورهایی با درآمد کم و یا متوسط به مصرف لبنیات تشویق کرد. چون مصرف لبنیات در این کشورها خیلی کمتر از مصرف لبنیات در آمریکای شمالی و اروپا می‌باشد.

رابطه مصرف لبنیات با انواع سرطان

بیماری سرطان از جمله بیماری‌هایی است که می‌تواند تحت تأثیر رژیم غذایی باشد. در این زمینه بین مصرف

مصرف شیر در دوران کودکی و بلوغ، در ساختن استخوان‌های قوی نقش اساسی دارد و در افراد بالغ هم کاهش تراکم استخوان را به حداقل می‌رساند و در حفظ سلامتی استخوان‌ها نقش دارد. لبنیات تأمین‌کننده اسیدهای آمینه ضروری به عنوان واحدهای سازنده پروتئین‌ها برای رشد ماهیچه‌ها می‌باشند و همچنین تحلیل عضلانی را که با افزایش سن در افراد رخ می‌دهد، کاهش می‌دهند. لبنیات به دلیل داشتن پتاسیم، در حفظ عملکرد ماهیچه‌ها و تنظیم فشار خون نقش دارند.

ویتامین‌های گروه B در لبنیات، منجر به کاهش احساس خستگی می‌شوند و انرژی افراد را در سطح بالا نگه می‌دارند. همچنین کلسیم و فسفر زیاد موجود در شیر، منجر به حفظ متابولیسم انرژی می‌شود. مغز از فعال‌ترین اندام‌های بدن می‌باشد که برای عملکرد درست، نیاز به بسیاری از ویتامین‌ها و مواد معدنی دارد که لبنیات، بسیاری از این مواد مغذی را در اختیار مغز قرار می‌دهند.

شیر همچنین منبعی از فسفولیپید می‌باشد که برای عملکرد مغز سودمند می‌باشد. ویتامین B_۳ موجود در شیر از ساختمان پوست محافظت می‌کند و ویتامین A موجود در آن، از قدرت بینایی و سیستم ایمنی محافظت می‌کند.

اگر چه شیر و لبنیات، تأمین‌کننده‌ی مقادیر قابل توجهی از کلسیم و دیگر مواد مغذی می‌باشند، بیشتر مردم فقط نیمی از مقدار توصیه شده از گروه شیر و لبنیات را مصرف می‌کنند و بالغین و بچه‌ها ممکن است به اندازه

این گروه توصیه می‌شود، که هر واحد برابر است با یک لیوان شیر یا یک لیوان ماست یا ۴۵ تا ۶۰ گرم پنیر (معادل یک و نیم قوطی کبریت پنیر) یا یک چهارم لیوان کشک یا ۲ لیوان دوغ یا یک و نیم لیوان بستنی که در مورد بستنی باید توجه شود که مصرف زیاد آن به دلیل کالری بالا می‌تواند باعث اضافه وزن و چاقی بشود. ■

لبنیات و بیماری سرطان، تحقیقات زیادی صورت گرفته است که به مواردی از آن اشاره می‌شود.

سرطان کلورکتال^{۱۱}

سرطان کولون یا رکتوم (پایین‌ترین قسمت مجرای گوارشی)، یکی از شایع‌ترین انواع سرطان در دنیا است. تحقیقات نشان داده‌اند که مصرف لبنیات می‌تواند سرطان کلورکتال را کاهش دهد. بعضی از ترکیبات شیر از جمله کلسیم، ویتامین D، اسید لاکتیک و باکتری‌های موجود در لبنیاتی نظیر ماست می‌توانند بر ضد سرطان کولون عمل کنند.

سرطان پروستات

سرطان پروستات در اروپا و آمریکای شمالی، یکی از شایع‌ترین انواع سرطان در مردان است. تحقیقات زیادی نشان داده‌اند که مصرف زیاد لبنیات به دلیل وجود کلسیم و همچنین مصرف زیاد مکمل‌های کلسیم، خطر بروز سرطان پروستات را افزایش می‌دهد.

سرطان سینه

تحقیقات نشان داده‌اند که خطر مرگ ناشی از سرطان سینه، با مصرف لبنیات پرچربی افزایش می‌یابد. یکی از عوامل افزایش خطر سینه، هورمون استروژن است و از آن جایی که مقدار بسیار زیادی از شیرها از گاوهای باردار به دست می‌آیند، احتمال وجود میزان بالایی از هورمون استروژن در این شیرها و محصولات لبنی حاصل از آنها زیاد است و چون هورمون استروژن معمولاً در چربی باقی می‌ماند، لبنیات پرچربی بیشتر از لبنیات کم چربی حاوی این هورمون هستند.

میزان مورد نیاز از گروه شیر و لبنیات در گروه‌های سنی مختلف و افراد با شرایط مختلف تغییر می‌کند ولی به طور کلی برای افراد بزرگسال سالم، روزانه دو تا سه واحد از

منابع

۱. تلمود تورا

2. Wikipedia
3. What are the benefits of consuming dairy? by mindy wigzell
4. Health benefits of dairy by Betsy Hornick and Eric yarnell
5. Health concerns about dairy by Neal D. Bar nard
6. Full-fat dairy may actually benefit heart healthy by Ana Sandoiu
7. Dairy lovers Rejoice: Milk and Yogurt can help your heart health by shawn Radoliffe
8. Does Dairy cause or prevent cancer? By Atli Arnarson

امور حقوقی ایرانیان خارج از کشور

امیرفرزاد نعیموت - دکتر سید هادی منتظری

کارشناس ارشد مقوق

است در آنجا (مانند انگلیس و آمریکا)، نکاح و طلاق و اهلیت ایرانیان نیز تابع قانون محلی است. علاوه بر این اجرای قانون ایران در محاکم خارجی منوط بر این است که با نظم عمومی داخلی تعارض نداشته باشد.

اما در دسته قوانین خارج از احوال شخصیه قانون ایران به هیچ عنوان چه در داخل و چه در خارج کشور بر ایرانیان خارج صدق نمی‌کند و مجری نیست. مانند قوانینی از قبیل مالیاتی، ثبتی، راهنمایی رانندگی و اقامتی مهاجرتی.

یکی از مهمترین مسائل پیرامون احوال شخصیه ایرانیان خارج از کشور مسأله عقد ازدواج است. حال باید بررسی کنیم عقد نکاحی که بین دو ایرانی در خارج از کشور ثبت می‌شود چه زمانی طبق قوانین ایران دارای منشاء و اثر قانونی است.

برای درک هرچه بیشتر این موضوع باید آگاه باشیم که شرایط نکاح (ازدواج) شامل دو بخش است. یک بخش مربوط به شرایط شکلی نکاح و بخش دیگر مربوط است به شرایط ماهوی نکاح. در ابتدا درخصوص شرایط صوری نکاح در قانون ایران نص صریحی در این مورد اختصاصاً وجود ندارد که عقد ازدواج باید از حیث طرز تشریفات ظاهری تابع کدام قانون باشد، اما حکم کلی مندرج در ماده ۹۶۹ قانون مدنی تکلیف این امر را این چنین روشن نموده است.

«اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند.»

بنابراین ایرانیان مقیم خارج نسبت به مسائل مربوط به طرز جریان و صورت نکاح از قبیل تنظیم قباله نکاح و وصیت‌نامه مکلف به رعایت قانون ایران نمی‌باشند و چنانچه شرایط تنظیم این اسناد طبق قوانین محل تنظیم سند رعایت گردد آن نکاح و سند نکاحیه در صورتی که خلاف قوانین و نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد در ایران معتبر و دارای اثر قانونی است.

همواره یکی از مواردی که ذهن هموطنان عزیزمان در خارج از میهن را به خود مشغول کرده امور حقوقی است که به هر نحوی به قانون ایران مرتبط می‌شود. این که با توجه به قانون ایران کدام موضوعات حقوقی ایشان طبق قانون محل اقامت و کدام اوامر حقوقی نسبت به قانون ایران قابلیت اجرایی دارد و ضمانت اجرای این موارد براساس کدام قانون است.

لذا قصد آن داریم با این ذهنیت و پیش‌فرض موجود توضیحاتی چند برای روشن شدن ابهامات در این خصوص ارائه دهیم.

در ابتدا باید دو موضوع مهم را از یکدیگر تمیز دهیم. اول امور حقوقی مربوط به احوال شخصیه ایرانیان ساکن خارج از کشور، که این امور مرتبط می‌شود به تولد، فوت، ازدواج، انتخاب اسم و مشخصات سجلی، ارث، وصیت، طلاق، حضانت، فرزندخواندگی و اهلیت اعم از اهلیت‌دار شدن و اجرای حق و سپس امور مربوط به مواردی به غیر از احوال شخصیه افراد مانند: حقوق مالکیت، حقوق شهروندی، بیمه، مالیات، استخدام و ...

ماده ۶ قانون مدنی اشعار می‌دارد:

«قوانین مربوط به احوال شخصیه، از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث، در مورد کلیه اتباع ایران ولواینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود.

حکم و مفاد این ماده در هر حال برای دادگاه‌های ایران محترم است. به این معنی که در داخل کشور این اشخاص می‌توانند تحت حمایت قانون ایران قرار گیرند ولی در خارج از کشور در صورتی دادگاه آن را رعایت می‌کند که قانون ملی را حاکم بر احوال شخصیه بداند، مانند قانون ایران در نظام حقوقی که احوال شخصیه تابع قانون اقامتگاه

ایران، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده رسمی کشور می‌باشند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات برطبق آئین خود عمل می‌کنند.

بنابراین و مستند به قوانین یاده شده در این نوشته، در موضوعات مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه از جمله ایرانیان کلیمی خارج از کشور در داخل کشور طبق قوانین شرعی خودشان رسیدگی خواهد شد، همچنین اگر کشور محل اقامت قوانین کشور متبوع را حاکم بداند، وفق مقررات ایران باید رسیدگی به امور مربوط احوال شخصیه اقلیت‌های دینی رسمی کشور را برطبق موازین شرعی و شریعت خودشان رسیدگی کند. بنابراین از منظر قانون ایران امور مربوط به ازدواج، ارث، وصیت و امور منبعت از عقد نکاح مانند مهریه و غیره چه در مورد همکیشان عزیز خارج از کشور چه مقیم در خاک مقدس ایران قوانین شریعت حضرت موسی کلیم... (ع) جاری خواهد بود.

در پایان برای روشن شدن قانون حاکم بر حیطة اجرایی قوانین ایران به چند نکته اشاره می‌شود.

◆ اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی آنها تابع قانون دولت متبوع شوهر خواهد بود. (ماده ۹۶۳ ق م)
◆ روابط بین پدر و مادر و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است. مگر این که نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد. (ماده ۹۶۴ ق م*)

◆ تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیرمنقول تابع قانون محل وقوع آن می‌باشد. (ماده ۹۶۶ ق م)
◆ تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است، مگر این که طرفین عقد خارجی بوده و آن را تابع قانون دیگری قرار داده باشند. (ماده ۱۹۶۸ ق م) ■

منابع

۱. قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، دکتر ناصر کاتوزیان.
۲. قانون مدنی کشور.

همچنین ایرانیان مقیم خارج می‌توانند در صورتی که هر دو طرف عقد ایرانی باشند با رعایت ماده ۹۶۹ قانون مدنی و براساس قانون محلی نزد کنسول‌گری‌های ایران حاضر شوند و عقد ازدواج خود را واقع و ثبت کنند. مامورین کنسولی ایران نیز وظیفه دارند براساس ماده ۱۰۰۱ قانون مدنی نسبت به ایرانیان مقیم حوزه ماموریت خود وظایفی را که به موجب قوانین و نظامات جاریه به عهده دوایر سجل احوال می‌باشد انجام دهد. (برای اطلاع از وظایف سازمان ثبت احوال کشور، به قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۶/۱۴ رجوع شود)

اما شرایط ماهوی نکاح از قبیل شرایط مربوط به سن و موانع نکاح اعم از موانع ناشی از قرابت یا سایر موانع باید منطبق بر قانون ایران باشد. بنابراین در چشم قانون و محاکم ایرانی، ایرانیان مقیم خارج از حیث آثار شخصی و مالی نکاح مشمول قانون ایران هستند، مانند این که بر طبق ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی شوهر موظف به پرداخت نفقه همسر خود می‌باشد. بنابراین هرگاه بین زن و شوهر ایرانی مقیم خارج راجع به مسائل شخصی و مالی اختلاف پیدا شود و در محل اقامت قانون دولت متبوع را در مورد احوال شخصیه اجرا کنند یا در ایران طرح دعوی صورت گیرد مطابق قانون مدنی ایران بین زن و شوهر حکم صادر می‌شود.

همچنین درخصوص مسائل مربوط به ارث و وصیت مطابق ماده ۶ قانون مدنی رفتار می‌شود. در مورد مقرره فوق باید به این نکته اشاره شود که اگر ماترک مال غیرمنقول بوده و در ایران باشد هم نحوه تقسیم ارث طبق قانون ایران می‌باشد و هم مسائل مربوط به خود مال غیرمنقول مانند مالیات بر ارث یا مسائل ثبتی، حال اگر ترکه غیرمنقول (ملک) در خارج باشد باز فروض ارثی و سهم‌الارث وراثت از منظر قانون ایران منطبق بر قوانین ارثی ایران می‌باشد اما موارد مربوط به خود ملک مانند بحث‌های مالیاتی، شهرداری، ثبتی و غیره قانون محل وقوع مال جاری می‌باشد. همچنین این موارد می‌تواند به طور مثال در مورد وجه نقد و یا اقسام دیگری از اموال جاری باشد.

در اینجا ذکر یک مسأله قابل اهمیت است و آن این که منطبق بر اصل سیزده قانون اساسی جمهوری اسلامی

* - قانون مدنی مختصراً در متن ق.م نگاشته شده است.



اخبار

مهندس امید محبتی مقدم مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران

برگزاری همایش همبستگی معنوی ادیان برای سربلندی ایران

به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، همایش همبستگی معنوی ادیان برای سربلندی ایران ۲۴ دی ماه ۱۳۹۷ برگزار شد.

در این همایش که به دعوت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شد، شخصیت‌های دینی، فرهنگی و علمی پیروان ادیان توحیدی و مسئولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز گفتگوی ادیان حضور داشتند.

از طرف جامعه کلیمیان، جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان ایران)، دکتر سیامک مره‌صدق (نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی)، دکتر همایون سامه‌یح (رییس انجمن کلیمیان تهران)، مهندس امید محبتی مقدم (عضو هیات مدیره و مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان)، امید شایان‌مهر (عضو کمیته فرهنگی) و فرهاد افرامیان در این همایش شرکت داشتند.

در ابتدای برنامه، امید شایان‌مهر بخشی از تورات را قرائت نمود. سپس دکتر سیامک مره‌صدق و دکتر یونس حمامی لاله‌زار به ایراد سخنرانی پرداختند.

رهبر دینی کلیمیان ایران در سخنرانی خود به اهمیت اصل قدرشناسی در آموزه‌های یهود اشاره نمود به طوری که خداوند حتی در هنگام وقوع معجزات در سرزمین مصر و تنبیه فرعون و پیروانش، حضرت موسی کلیم‌اله را از ضربه زدن به آب و خاک مصر برحذر می‌دارد.

نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی در سخنان خود با ذکر چند نمونه تاریخی، به زندگی مسالمت‌آمیز یهودیان با دیگر هموطنان در شهرستان‌های مختلف ایران اشاره نمود و مراجع مذهبی شیعه را پشتیبان صمیمی یهودیان در هنگام بروز مسائل و چالش‌ها دانست.

برگزاری جشن ایلانوت در مهد کودک یلدای ۱



به مناسبت جشن ایلانوت مراسم جشنی در محیطی گرم و صمیمی در ۳۰ دی ماه در محل مهد کودک یلدا شماره ۱ برگزار شد.

برنامه های ویژه جامعه کلیمیان در ایام دهه فجر

روز یکشنبه هفتم بهمن ماه و در آستانه دهه فجر، دکتر سلیمان کهن صدق (مسئول ستاد دهه فجر جامعه کلیمیان) با حضور در نشست خبری مطبوعاتی که در محل سازمان تبلیغات اسلامی تهران برگزار شد، برنامه‌های ویژه جامعه کلیمیان تهران را به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی اعلام نمود. خاطر نشان می‌سازد حاخام آرش تهرانی و بیژن (یهودا) آصف (عضو هیات مدیره انجمن کلیمیان) نیز در این نشست حضور داشتند.



بخشی از این برنامه‌ها عبارتند بودند از:

* تور یک روزه دیدار از موزه دفاع مقدس توسط سازمان بانوان (چهارشنبه ۱۰ بهمن ماه)
* اجرای برنامه‌های ویژه، موسیقی شاد، شب شعر، دکلمه، توسط کانون فرهنگی هنری اجتماعی کلیمیان (شنبه ۱۳ بهمن ماه)

* گردهمایی و بزرگداشت مراسم پیروزی انقلاب با حضور رهبر دینی کلیمیان ایران و مسئولان محترم

جامعه کلیمی و ایراد سخنرانی، اجرای دکلمه، دعا و نیایش عمومی در محل کنیسای یوسف آباد (دوشنبه ۱۵ بهمن ماه)
* گردهمایی و برگزاری سخنرانی در محل کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران با موضوع «شب عبدالله طالع همدانی» توسط هارون یشایایی (شنبه ۲۰ بهمن ماه)
* ویزیت رایگان کلیه بیماران سرپایی در بیمارستان دکتر سپهر (دوشنبه ۲۲ بهمن ماه)

بازدید انجمن بانوان کلیمی از موزه عبرت ایران



به مناسبت فرا رسیدن چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و ایام دهه فجر، اعضای انجمن بانوان کلیمی به همراه جمعی از دیگر بانوان، روز چهارشنبه دهم بهمن ماه از موزه عبرت ایران بازدید کردند.

حضور نمایندگان جامعه کلیمی در مرقد مطهر حضرت امام خمینی



به مناسبت فرا رسیدن سالگرد ورود حضرت امام و ایام دهه فجر، نمایندگان جامعه کلیمی، جمعه ۱۲ بهمن با حضور در مرقد مطهر امام خمینی، با آرمان های بنیانگذار انقلاب اسلامی تجدید میثاق نمودند.

در پایان این برنامه که با حضور دیگر نمایندگان اقلیت های مذهبی برگزار شد، آیت اله جنتی به ایراد سخنرانی پرداخت.

دکتر همایون سامه‌یح، دکتر سلیمان کهن - صدق، بیژن آصف و مهندس شاهین آشوری، مهندس فریدون طوبی و ایلن میسائلیان در این دیدار حضور داشتند.

برگزاری مراسم بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی

کنیسای یوسف آباد تهران ۱۵ بهمن ماه محل برگزاری مراسم بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی از طرف جامعه کلیمیان تهران بود.

در این مراسم که با حضور خبرنگاران شبکه های مختلف خبری همراه بود، جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله زار، دکتر همایون سامه‌یح، دکتر سلیمان کهن صدق و بیژن آصف به ایراد سخنرانی پرداختند. ضمناً ابراهیم سعیدیان به قرائت شعر و یوخواود گیدانیان به بیان دکلمه پرداختند. دعا و نیایش عمومی نیز بخش دیگری از این مراسم را به خود اختصاص داد.

گردهمایی نمایندگان ادیان توحیدی به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی

به دعوت مدیر کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی و به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گردهمایی نمایندگان ادیان توحیدی به میزبانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۶ بهمن ماه در هتل انقلاب تهران برگزار شد. جمعی از روحانیون، فرهیختگان و نمایندگان ادیان توحیدی در این مراسم شرکت داشتند. در این برنامه از طرف جامعه کلیمیان، دکتر سیامک مره صدق به ایراد سخنرانی پرداخت.

اجرای مراسم ویژه دهه فجر در مهد کودک یلدا شماره ۲

به مناسبت دهه فجر انقلاب اسلامی ایران، مراسم ویژه ای در مهد کودک یلدا شماره ۲ برگزار شد. این مراسم شامل برنامه های تفریحی و برنامه های آموزشی در خصوص پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران، پایتخت، رییس جمهوری و اطلاعات دیگری در مورد کشور ایران بود.

اجرای مراسم ویژه دهه فجر در مجتمع آموزشی روحی شاد

۱۷ بهمن ماه، به مناسبت دهه فجر انقلاب اسلامی ایران، مراسم ویژه‌ای در مجتمع آموزشی روحی شاد با حضور مسئولان، پرسنل، اعضای انجمن اولیا و مربیان و اولیای دانش‌آموزان مدرسه برگزار شد. در این مراسم که شامل نقاشی، تهیه روزنامه دیواری، مسابقات متنوع، اجرای دکلمه، شعر، سرود، پانتومیم، استنداپ کمدی، موسیقی و اهدای جوایز به دانش‌آموزان ممتاز ترم اول بود، بهادر میکائیل، نماینده کمیته فرهنگی نیز حضور داشت.

برگزاری شب طالع همدانی در کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران



۲۰ بهمن ماه، برنامه «شب طالع همدانی» با حضور چهره‌های شاخص ادبی و اجتماعی در کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران برگزار شد. دکتر سیامک مره‌صدق، هارون یشایایی، حمید اقبالی، ابراهیم سعیدیان، دکتر النا لایوان، فرانک عراقی و بیژن آصف از جمله همکیشانی بودند که در این برنامه به ایراد سخنرانی پرداختند. در این برنامه که با استقبال شایسته همکیشان عزیز مواجه شد، حضور اعضای انجمن ادبی همدانی‌های مقیم تهران قابل توجه بود.

حضور نمایندگان جامعه کلیمیان در راه پیمایی ۲۲ بهمن



همزمان با حضور ملت سرافراز ایران در راه پیمایی ۲۲ بهمن، جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران، از جمله دکتر سلیمان کهن صدق، مهندس شاهین آشوری و بیژن آصف نیز در این مراسم حضور یافتند.

حضور دکتر سعید زارع در جلسه هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران



دکتر سعید زارع، دستیار مشاور رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در جلسه ۲۸ بهمن ماه هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران حضور یافت. تشکر و قدردانی از زحمات متحمل شده در طول این چند سال از طرف رییس جمهور دکتر روحانی، حجت الاسلام علی یونسی و

دکتر سعید زارع و همچنین بررسی مسائل مربوط به جامعه کلیمیان ایران، مهم‌ترین محورهای گفتگو و تبادل نظر در این جلسه بود. دکتر زارع پس از دریافت نقطه نظرات اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان، از پیگیری به جد مسائل مطرح شده خبر داد.

گفتنی است در حاشیه این جلسه، از طرف هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران، از زحمات دکتر سلیمان کهن‌صدق بابت تهیه و انتشار جامع‌ترین تقویم چهارگانه ادیان توحیدی تشکر و قدردانی به عمل آمد.

غرس نهال توسط دکتر سعید زارع در کنیسای کوروش به مناسبت روز درخت‌کاری



پانزدهم اسفنده ماه، به مناسبت روز درخت‌کاری و تاکید هر چه بیشتر بر حفظ محیط زیست، دکتر سعید زارع، با حضور در مجتمع کوروش یک عدد نهال کاج را غرس نمود. دستیار مشاور رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی از فعالیت‌های ستاد خیریه کوروش و روند توزیع کمک‌های خیرخواهانه نیز بازدید کرد.

رئیس انجمن کلیمیان تهران به همراه تعدادی دیگری از فعالان اجتماعی و اعضای کمیته‌های انجمن، در این مراسم حضور داشتند.

جشن افتتاح مجدد کنیسای مجتمع آموزشی روحی شاد

به همت انجمن اولیا و مربیان مجتمع آموزشی روحی شاد و به مناسبت افتتاح مجدد کنیسای آن مجتمع، ۱۸ اسفند، مراسم جشنی در تالار کوروش برگزار شد.

جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران از جمله دکتر همایون سامه‌یح، دکتر رامین لاله‌پور و مهندس امید محبتی مقدم به همراه تعدادی از اعضای کمیته‌های فرهنگی و ورزش در این برنامه حضور داشتند.

در این مراسم از بهمن رعنان به پاس زحمات وی در مرمت محراب کنیسا تقدیر به عمل آمد ضمن آنکه از مهندس شرلین سیمانیان به دلیل پنج سال تلاش و کوشش قدردانی شد.

جشن مهد کودک یلدای ۲ به مناسبت پوریم و نوروز



به مناسبت جشن پوریم و نوروز، مهد کودک یلدای ۲ مراسم جشنی را در ۱۶ اسفند در تالار اجتماعات محبان برگزار نمود.

دکتر همایون سامه‌یح، فریده پوراتیان (رئیس انجمن بانوان کلیمی) و جمعی از اعضای انجمن بانوان در این برنامه که با استقبال قابل توجه والدین همراه بود، حضور داشتند.

اجرای سرودهای عبری، نمایش پوریم، ژیمناستیک و سرودهای انگلیسی به همراه موسیقی آیت‌های مختلف این برنامه را تشکیل می‌داد.

بازدید دانش آموزان از سایت مصاپزی

روز جمعه ۲۳ فروردین ماه، با همکاری کمیته‌های کسروت و فرهنگی انجمن کلیمیان تهران و با مدیریت آیدین برخوردار، دانش‌آموزان مقاطع دوم تا ششم کلاس تعلیمات دینی روز جمعه مدرسه راه دانش، از سایت مصاپزی انجمن کلیمیان واقع در سرای سالمندان یهودی بازدید کردند.

موسی ثانی (مسئول کمیته کسروت)، شهراش شهراش (مسئول سرای سالمندان)، شهاب شهابی فر (عضو کمیته کسروت)، بهادر میکائیل (عضو کمیته فرهنگی)، هرصل گل‌شیرازی (عضو کمیته کسروت)، مهران ساسانی و فرهاد افرامیان از دیگر افراد حاضر در این بازدید بودند.

بازدید دانش آموزان مجتمع آموزشی روحی شاد از سایت مصاپزی

برخی از دانش‌آموزان مجتمع آموزشی روحی شاد پنجشنبه ۲۲ فروردین ماه، جهت آشنایی با مراحل پخت مصا و شرکت در این امر مقدس، با همراهی برخی از دبیران عبری و رییس انجمن اولیا و مربیان مدرسه از سایت مصاپزی انجمن کلیمیان واقع در سرای سالمندان یهودی بازدید کردند.

برگزاری مراسم دید و بازدید موعد پسخ

به همت کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران و با تعامل قابل تقدیر مهندس رحمانی (مدیر تالار خراسانیها)، مراسم دید و بازدید موعد پسخ در ۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ برگزار گردید.

در این مراسم که با حضور قابل توجه اقشار مختلف همکیشان گرامی در تالار خراسانیها برگزار شد دکتر همایون سامه‌یح به ایراد سخنرانی پرداخت.

قابل ذکر است در این برنامه، از شادروان رحمت شبی‌تای که در طول سالیان گذشته، زحمات بسیاری را در جهت برگزاری این مراسم متقبل می‌شد، به نیکی یاد گردید.

مراسم تقدیر از مسئول امور اقلیت‌های دینی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



۱۱ اردیبهشت ماه، مراسم تقدیر از سعید تقوی، مسئول امور اقلیت‌های دینی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در محل انجمن کلیمیان تهران برگزار شد.

در این مراسم که به پاس حدود ۲۲ سال زحمات این مسئول امور اقلیت‌های دینی در قبال امور جامعه کلیمی ایران تدارک دیده شده بود، افراد مختلف در خصوص سال‌ها تعامل دوستانه و صمیمی با مسئول امور اقلیت‌های دینی، نکات گوناگونی را متذکر شدند و از وی بابت سال‌ها تلاش مستمر، تشکر و قدردانی نمودند. سعید تقوی نیز به مرور

چندین دهه فعالیت خود در پست سازمانی خویش پرداخت و از مانا بودن ارتباط متقابل با جامعه کلیمیان تهران سخن گفت. قرائت دعای سلامتی و برکت، آخرین بخش این برنامه را تشکیل داد.

جناب حاخام دکتر یونس حمای لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح، اعضای هیات مدیره فعلی، منتخب و بازرسی انجمن کلیمیان تهران، به همراه تعداد قابل توجهی از چهره سرشناس جامعه و فعالین اجتماعی در این برنامه حضور داشتند.

نمایش تئاتر منظوم حدیث ایمان

تئاتر منظوم حدیث ایمان، اثر مشترک سازمان دانشجویان یهود و خانه جوانان یهود شیراز، ۲۵ اردیبهشت ماه در تالار اجتماعات محبان تهران به نمایش درآمد. این تئاتر برگرفته از دیوان مولانا شاهین و استاد ابراهیم سعیدیان است.

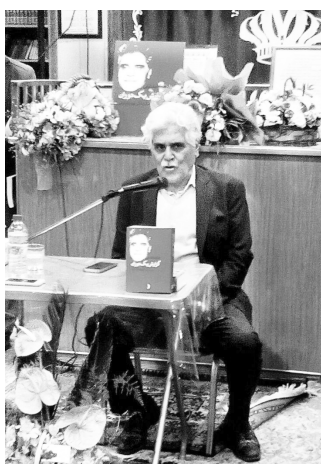
برگزاری برنامه آشنایی با مجتمع آموزشی روحی شاد



مجتمع آموزشی روحی شاد ۲۳ اردیبهشت ماه، میزبان اولیای محترم دانش‌آموزان کلاس مقطع اول ابتدایی سال تحصیلی آینده بود که با هدف شناخت هر چه بیشتر از این مجتمع آموزشی، در برنامه مفرحی که توسط انجمن اولیا و مربیان مجتمع برگزار شده بود، شرکت جستند.

مدیر، رییس انجمن اولیا و مربیان و دبیران عبری و فارسی مقطع اول ابتدایی مجتمع از جمله افرادی بودند که در این جلسه به ایراد سخنرانی پرداخته و اطلاعات مورد نیاز را در اختیار اولیا قرار دادند. حضور موثر سایر اعضای انجمن اولیا و مربیان مجتمع نیز نقش موثر و برجسته‌ای در ارائه اطلاعات مورد نیاز به علاقمندان داشت.

رونمایی از کتاب گزارش یک دوران



چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه، مراسم رونمایی از کتاب گزارش یک دوران به قلم هارون یشایایی در کنیسه رفیع‌نیا با حضور علاقمندان و فرهنگ‌دوستان برگزار شد. در این مراسم مهندس آرش آبائی (ویراستار کتاب) آغازگر برنامه بود. علی دهباشی (مدیر نشریه بخارا)، محمود آموزگار (رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران)، مجید بدرکوهی (ناشر کتاب)، دکتر سیامک مره‌صدق و دکتر همایون سامه‌یح از دیگر سخنرانان جلسه بودند.

کتاب گزارش یک دوران، روایتی مستند از زندگی یهودیان ایران در دوره‌ی سی ساله‌ی بعد از انقلاب است و بسیاری از وقایع با ارائه اصل سند درج گردیده است. هارون یشایایی در این برنامه به شرح چگونگی نگارش کتاب و نکات مربوط به آن پرداخت.



انتشار کتاب هندسه پایه توسط جوان کلیمی

امسال در نمایشگاه کتاب، شاهد انتشار کتاب جامع هندسه پایه به قلم یکی از جوانان همکیش کلیمی بودیم.



نگار آبگینه‌ساز، کارشناس ارشد ریاضی و از فارغ التحصیلان نخبیهی دانشگاه صنعتی امیرکبیر است که این کتاب را به همراهی محمد طاهر شعاعی برای داوطلبین کنکور ریاضی نوشته و انتشارات تخته سیاه در سال ۱۳۹۸ آن را به چاپ رسانده است. نگار آبگینه‌ساز از جوانان با استعداد جامعه‌ی کلیمی اکنون به تدریس ریاضی مشغول است و در دانشگاه امیرکبیر تدریس یار است.

کمک به سیل زدگان پلدختر توسط دو پزشک همکیش



متأسفانه نرووز امسال، سیل ناگهانی بسیاری از هموطنانمان را دچار مشکل کرد. عده‌ای جان خود را و بسیاری نیز خانه و کاشانه خود را از دست دادند. با خبر شدیم که دو تن از همکیشان در پلدختر استان لرستان به یاری این عزیزان رفتند. دکتر بهروز حق‌نظری و دکتر نیما حق‌نظری از همکیشان عزیزی بودند که با توجه به تخصصشان چند روزی در منطقه پلدختر در خدمت هموطنان سیل زده بودند.

لازم به ذکر است کمک‌های نقدی نیز از طرف انجمن بانوان کلیمی، همکیشان تهرانی و شیرازی به جمعیت هلال احمر واریز شد.

شرکت جامعه‌ی کلیمیان در مراسم نثار تاج گل در مرقد امام راحل



چهارشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۸ جامعه‌ی کلیمیان با حضور در مرقد مطهر امام راحل و نثار تاج گل با آرمان‌های معمار کبیر انقلاب تجدید میثاق نمودند.

حضور کلیمیان در راهپیمایی روز جهانی قدس



جمعه دهم خرداد ۱۳۹۸، جامعه کلیمیان ایران همچون سالیان گذشته در راهپیمایی روز جهانی قدس شرکت نمودند. نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس، رئیس انجمن کلیمیان تهران، اعضای کمیته‌ها و پرسنل انجمن کلیمیان و فعالین اجتماعی در این راهپیمایی حضور داشتند. دکتر همایون سامه‌یج به نمایندگی از جامعه کلیمیان با رسانه‌های مختلف خبری گفتگو کرد.

برگزاری مراسم سی‌امین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) در کنیسای یوسف‌آباد



به این مناسبت مراسم دعا و نیایش مطابق روال هر ساله با حضور جمعی از کلیمیان و مسئولین ستاد بزرگداشت ارتحال امام (ره) در روز دوشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۸ در کنیسای یوسف‌آباد تهران برگزار شد. در این مراسم سردار محمدرضا موحدی (رئیس کمیته ادیان الهی ستاد بزرگداشت امام)، حجت‌الاسلام علیزاده، مهندس رضایی و مهندس هروی (اعضای کمیته ادیان الهی) شرکت داشتند. از طرف جامعه کلیمیان، جناب حاخام دکتر یونس

حمامی‌لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان ایران)، دکتر همایون سامه‌یج (رئیس انجمن کلیمیان)، ابراهیم سعیدیان، مهندس امید محبتی‌مقدم و بیژن آصف سخنرانی کردند. یوخت‌گیدانیان نیز با هنرمندی دکلمه اجرا کرد.

شرکت نمایندگان جامعه کلیمیان در مراسم بزرگداشت بنیان‌گذار فقیه جمهوری اسلامی



روز سه‌شنبه ۱۴ خردادماه ۱۳۹۸ نمایندگان جامعه کلیمیان مطابق روال هر ساله در مراسم باشکوه بزرگداشت امام خمینی در حرم مطهر ایشان شرکت نمودند. حاخام دکتر یونس حمامی‌لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یج، برخی از اعضای هیئت‌مدیره و بازرسین فعلی انجمن کلیمیان به همراه تعدادی از فعالین اجتماعی در این مراسم پرشکوه حضور داشتند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این اجتماع باشکوه مردمی به ایراد سخنرانی پرداختند.

اخباری از اصفهان



از شماره پیش بینا تا کنون حداقل دو فصل می‌گذرد و آخرین خبر مهم و مسرت‌بخشی که از اصفهان داشتیم افتتاح تالار پذیرایی و مرکز فرهنگی رفاهی کلیمیان اصفهان بود که تا امروز محل بسیاری از تجمعات و میزبان جشن‌ها بوده است. از جمله اجرای حمید ماهی صفت در زمستان ۹۷ برای همکیشان عزیز و از آغاز سال ۹۸ میزبان مراسم سدر پسخ و دید و بازدیدهای آن و مراسم جشن و یثیویای ۳۳ عومر در ماه خرداد. همچنین باعث شادمانی است که تاکنون چندین مراسم ازدواج نیز در این تالار صورت گرفته است.

در این بین تجلیل از هنرمندان و مفاخر کلیمی اصفهانی نیز اتفاق افتاد که به ترتیب در اسفند ماه ۹۷ مراسم تقدیر از پروفسور موسی نقره‌ئیان در جمع پیشکسوتان، پژوهشگران و دانشجویان نمونه سال تحصیلی ۹۶-۹۷ به عنوان پژوهشگر برتر سال در رشته زمین‌شناسی دانشگاه اصفهان برگزار شد.

چهارم اردیبهشت سال ۹۸ نیز همراه بود با برگزاری مروری بر آثار سلیمان ساسون در پیش آورد هنر موزه هنرهای معاصر اصفهان که با نام رود زنده هنر به نمایش گذاشته شد و با استقبال همکیشان و غیر همکیشان روبرو شد. در پنجم همین ماه از روبین یروشالمی هنرمند فیروزه‌کوب در مراسم بازگشایی سالن سوره اصفهان و گالری نقش خانه،



در کنار دیگر اساتید پیشکسوت هنر اصفهانی تجلیل شد. کانون جوانان نیز در این بین برنامه‌های دوشنبه‌های اول هر ماه را با موضوعاتی چون فرزند پروری، رندی در شعر حافظ، ازدواج بدون شکست، مفهوم صلح و صفا (با همکاری تلمود تورا) و مروری بر تاریخ یهودیان ایران با رونمایی از کتاب گزارش یک دوران از هارون یشایایی، ادامه داده و در این بین از برگزاری برنامه‌های شاد و مفرح چون جشن و گلگشت نیز غافل نبوده است.

۲۴ اردیبهشت نیز مراسم بازگشایی کنیسیای ملا نیسان برگزار شد و کنیسیای زیبا و سنتی دیگری از اصفهان به فهرست آثار بازسازی شده افزون شد.

اجساد بیش از ۱۲۰۰ قربانی هولوکاست در بلاروس کشف شد

در ژانویه ۲۰۱۹ میلادی، هنگامی که عملیات ساختمانی در مرکز شهر برست در بلاروس (شهری مرزی که زمانی جزو لهستان بود) در حال انجام بود، یک گور دستجمعی حاوی ۱۲۱۴ جسد کشف شد. از آنجا که این مکان که پس از اشغال بلاروس توسط نیروهای آلمان نازی، در سال‌های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ به یک گتو برای حبس یهودیان تبدیل شده بود، به‌طور قطع می‌توان گفت که همگی اجساد متعلق به یهودیان ساکن این گتو بودند. به گفته‌ی تعدادی از سربازان که به جستجوی اجساد این مکان پرداختند، در پشت مجموعه‌ی برخی اجساد، اثر گلوله دیده می‌شد، که نشان اعدام آنها توسط نازی‌هاست. طبق شواهد تاریخی، نیروهای هیتلر در نخستین روز حمله و اشغال این شهر، ۵۰۰۰ نفر از ساکنان آن را به قتل رساندند.



علیرغم درخواست انجمن یهودیان بلاروس برای انجام آزمایشات دی.ان.ای از باقیمانده اجساد جهت شناسایی دقیق ایشان، مقامات بلاروس به علت زمان بر بودن این آزمایشات از انجام آن خودداری نمودند. این گتو پس از اشغال شهر (که آن زمان جزو اتحاد جماهیر شوروی بود) حدود ۲۸۰۰۰ یهودی را در خود جای داده بود که پس از انهدام گتو در سال ۱۹۴۲، حدود

۱۷۰۰۰ نفر از ساکنان آن به مناطق دیگر تبعید شدند و از سرنوشت مابقی آنها اطلاعی در دست نیست. بقایای این اجساد طی مراسمی با حضور یهودیان شهر برست، ۳۱ اردیبهشت ماه سال جاری در گورستان یهودیان در شمال این شهر مجدداً به خاک سپرده شد*.

جناب آقای دکتر سیامک مره‌صدق

درگذشت عموی بزرگوارتان «رحیم مره‌صدق» سردفتر ازدواج شیراز را تسلیت عرض کرده و برای شما و خانواده محترم طلب خیر و بقای عمر از خداوند متعال خواستاریم.

انجمن کلیمیان تهران
هیئت تحریریه نشریه افق بینا

سرکار خانم الیزا مسعودی پناه (مصری)

درگذشت همسر محترمتان (فرهاد مصری) را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای شما و خانواده صبر و بردباری آرزومندیم.

انجمن کلیمیان تهران
هیئت تحریریه نشریه افق بینا

از دوستان عزیز که تبحری در نویسندگی دارند و تمایل دارند با مجله همکاری کنند، خواهشمندیم مطالب خود را به ایمیل مجله ارسال نمایند. بدیهی است در صورت هم‌خوانی با اهداف مجله به نام نویسنده چاپ خواهد شد.

* - <https://www.dw.com/en/remains-of-1200-holocaust-victims-laid-to-rest-in-belarus/a-48838881>



بازدید دانش آموزان از مصا پزی (کارگاه تهیه نان فطیر) - فروردین ماه ۱۳۹۸



مراسم تقدیر از سعید تقوی، مسوول امور اقلیتهای دینی در وزارت ارشاد- اردیبهشت ماه ۱۳۹۸



اجرای تئاتر منظوم "حدیث ایمان" اثر خانه جوانان یهود و سازمان دانشجویان شیراز- اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

